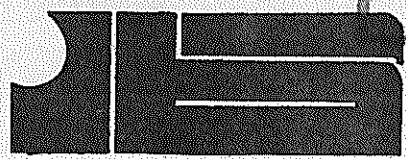


کارگران همه کشورها متحد شوید!

ویژه پلنوم



درباره سیاست و برنامه سازمان

در سالهای ۶۱-۱۳۵۷

مصوب پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در صفحه ۲

پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان

به مردم ایران

مردم شریف ایران!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، رزمجویان نه‌ترین سلام‌های خود را نشا ر شما می‌کند. فدائیان خلق با مردم خود پیوند استوار و گسست‌ناپذیری دارند. ما در تاریخ ۱۵ سال رزم و نضج خود روزی را بدون پیگردها و سرکوب خونین سوری نگزیده‌ایم، اما نه پیگردهای خونین، نه زندان‌ها و شکنجه‌ها و نه میدان‌های اعدام، هیچکدام نتوانستند فدائیان خلق را درهم بکشند و علیرغم آرزوی دروغ‌خیزان، در راه خلق فدائیان و پیگیران و در برابر دشمنان خلق ستم‌زنده و تسلیم‌ناپذیر باقی ماندیم. مردم دوام و بقای ما فدائیان خلق پیوند استوار با شما مردم ایران است. این پیوندهای بخش‌ناپذیر و بی‌روزی‌آفرین، افتخار و شرف ماست و هیچ نیرویی را یاری‌گسستن آن نیست. بگذار با این حقیقت بزرگ سخن آغاز کنیم تا دشمنان مردم ایران از هراس مرگ برخورد بترسند.

هم‌میهنان! رژیم استبداد مذهبی خمینی کشور ما را به گورستان مردم زحمتکش، آزاده‌خواه و میهن‌دوست تبدیل کرده است. در چهار گوشه میهن ما خانه‌های ایستاده با درجه‌های بی‌باک جنگ ایران و عراق و بیاد شکنجه‌ها و میدانی‌های اعدام رژیم خمینی عزیز را از دست نداد. در مرگ آن عزیزان را نشاند. مردم ایران درجه‌های جنگ و استبداد خمینی می‌سوزند و از گران‌ترین و بیگانه‌ترین، بی‌مباری و گرسنگی، آوارگی و خانه‌بندوبندی، تبعیض و بی‌عدالتی، فساد و رشوه‌خواری و دهها و صدها بلای تحمیلی رژیم رنج می‌برند. این رژیم خادم کلان تاجران و بزرگان مالکان است و در راه تحکیم بقیه در صفحه ۱۵

گرامی یاد دهمین سالگرد ۸ تیر روز شهیدان فدایی خلق

هشتم تیرماه، دهمین سالگرد شهادت رفیق حمید شرف و ده‌تن از رهبران وکا درهای فدایی خلق، و روز شهیدان سازمان ماست. در هشتم تیرماه سال ۱۳۵۵، ساواک شاه پس از پیگردهای چندساله به محل اختفاء بازدهتسستن از رهبران وکا درهای برجسته سازمان ما هجوم آورد و رفقا حمید شرف، یوسف قانع خشک‌بجاری، محمدرفا پشتری، محمدحسین حق‌نواز، علی اکبر روزبیری، طاهر خرم، لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور و عسکر حسینی ابرده پس از نبرد قهرمانانه و حماسی با ما مورین شاه شهادت رسیدند.

شهادت این عاشقان پرشورهای میهن و مردم و رهروان صدیق راه طبقه کارگر و مردم ستمگینی برجینش انقلابی کشور ما بود. سازمان ما بی‌این نقشش برجسته رفیق حمید شرف و هم‌زمان شهید و در سازمان و جنبش، ۸ تیر را بعنوان روز شهیدان سازمان اعلام نمود.

با شهادت رفیق حمید شرف قهرمانی از میان ما رفت که در میان نیروهای انقلابی و مبارزین با ستوره مقاومت و سمبل شجاعت و جسارت انقلابی تبدیل شد. رفیق حمید شرف از برجسته‌ترین بنیانگذاران و رهبران سازمان ما بود، او سازمان تگری برجسته و رزم‌منده‌ای آشتی‌ناپذیر بود و در گسترش فعالیت سازمان ما و ادامه حیات انقلابی آن نقش بی‌نظیر ایفا کرد. با سردی، ایستادگی و خمای انقلابی رفقای شهید ما شرف و الهام بخش انقلابیونی است که در شرایط ترور و خفقان برای آزادی و بهروزی کارگران و رنجبران می‌رزمند.

در هشت تیر، خاطره صدها صدها فدایی شهید را گرامی بداریم که قلبشان جز برای آزادی و آبادی میهن و بهروزی مردم تنبیده است. گرامی بداریم خاطره تابناک بیژن جزنی، پرویز پویان، محمود احمدزاده، مقامی‌فراهانی، حمید شرف، مهرنوش ابراهیمی، مرتضی احمدی اسکویی، بهروز و مقامی‌نسی، رضی‌الدین تابان، محمدرفا غیباری، قربانعلی مودنی پور و صدها ستاره تابناک میدانهای رزم و شکنجه‌های رژیمهای شاه و خمینی را، که بنام مردم به‌رزم برخاستند و برای مردم در خون نشستند. فدائیان خلق ایران در دفاع از منافع طبقه کارگر و توده‌های رنجبر کشور ما، در دفاع از حقوق خلقها و زنان کشور، در دفاع از آزادی و آبادی میهن گرامی مسان، در سخت‌ترین و خونبارترین شرایط، هرگز از پای ننشستند و هرگز از پای نخواهند نشت.

امروز بیش از هر زمان دیگر در سنگرهای رزم و شکنجه‌های رژیم خمینی انقلابیون کشتار می‌شوند. زیر چتر سیا، "ولایت فقیه" سیل خون شریف‌ترین فرزندان خلق جاری است. عفریت جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا خورشید حقیقت و مقاومت را در شکنجه‌ها خاوش سازد، اما فرزندان رزم‌منده خلق در میدان رزم و شکنجه‌های فتنه‌آمیز می‌آفرینند و با خون خود از آرمانهای والای خلق دفاع می‌کنند. با بدست‌آمده با خیزیم و بارگاه ستم فقها را فروریزیم. صلح و آزادی، عدالت اجتماعی و بهروزی کارگران و رنجبران در گورسنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

گرامی با خاطره فدائیان شهید، فرزندان ثابت قدم خلق!

گزارش هیأت سیاسی به پلنوم وسیع

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا!

تشکیل پلنوم وسیع کمیته مرکزی با شرکت همه اعضای کمیته مرکزی وکا درهای فعال تشکیلات سازمان در مناطق مختلف کشور و نیز خارج از کشور موفقیت‌نازه و بزرگی است که جنبش کمونیستی و کارگری ایران در پیگیرا علیه رژیم پلید حاکم بدست آورده است. تشکیل پلنوم در شرایط ضرورت و اختناق حاکم بر کشور و موضوعاتی که در دستور کار آن قرار داده، اهمیت تشکیلاتی این پلنوم وسیع و نقش و تاثیر مصوبات آن را بر سرنوشت مبارزه آشتی‌ناپذیر برای برمی‌کند. تشکیل پلنوم وسیع کنونی نتیجه فعالیت بیگانه دستگاه رهبری وکا درهای سازمان و نیز شماری استادی و رزم دلیرانسه فدائیان خلق در سران کشور و در زندانیهای مخوف خمینی است. در سیاسی و ستایش از این رزم و ایستادگی، به رزمندگان یک باخته و شجاع فدایی خلق که در پیگیرا رنابرا بر رژیم خون آشام خمینی هستند و دلورانه علیه آن می‌رزمند و رفقای که در زندانیهای خمینی و در زیر تازیانه دروغ‌خیزان آن و در میدان اعدام با سرفراشته و قامت استوار از کمونیسم و ترانسونیالیسم و از شرف انسانی و از بیمان فدائیان با خلق ایران دفاع می‌کنند، در ده‌های آتشین می‌فرستیم.

رفقا!

هما نظور که اطلاع دارید در فاصله سه سال اخیر رژیم جنایت‌پیشه خمینی عده‌ای از رفقای قهرمان ما، از اعضای در بند کمیته مرکزی وکا درهای فسال فدایی خلق را زیر شکنجه و با درپای جوخه اعدام و حشانه‌به شهادت رسانده از آن جمله اندرفیق محمدرفا غیباری عموشما و هیأت سیاسی، رفیق رضی‌الدین ستان و عموشما و کمیته مرکزی و دبیر کمیته مرکزی سازمان فدایی خلق ایران (اکثریت)، رفیق قربانعلی مودنی پور عموشما و کمیته مرکزی و دبیر کمیته ایالتی افغان و شیراز و رفقای رزم‌منده و بیگار جو وکا درهای رزم‌منده و پراسابقه فدایی خلق، محمد امین شیرخانی، تقی قانع خشک‌بجاری مرکزی میثقی، جهانگیر بهتاجی سا هکل محله، منصور پورجم بیژن مجاهد نویری، ابراهیم لطف‌الله زاده. این رفقا همگی با مقاومت دلیرانه و حماسی در زیر شکنجه در برابر دروغ‌خیزان با سرفراشته ایستادند و آنان را در برابر آهاده یولادین خویش زینواخته به‌زانو افتادند، اسرار خلق را در سینه محفوظ داشتند و جان پاک خویش را بر سر عهده‌آنها در شریف خویش نهادند. هم‌اکنون نیز زندگی رفیق انوشیروان لطفی عموشما و هیأت سیاسی کمیته مرکزی و عده‌ای از اعضای کمیته مرکزی وکا درهای سازمان که در زندان رژیم اسپر شده اند در خطر است. در همین دوره عده‌ای از رهبری و اعضای حزب توده ایران نیز با شکنجه با اعدام جان باخته‌اند که رفیق تقی کی‌منش عضو هیأت سیاسی حزب توده ایران که در برابر شکنجه‌های وحشیانه رژیم دلیرانه ایستاد و به شهادت رسید و رفقا قزلچ و علوی اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران از آن جمله‌اند. در همین دوره رفیق مهرداد پاکزاد از گروه منشعب سازمان (پيروان بیانیه ۱۶ آذر) رفیق علیرضا شجوهی عده‌ای از فعالین سازمان در کرگان انقلابی ایران را (کارگر او نیگزوهی) از مسئولین و فعالین حزب دموکرات کردستان ایران و صدها مبارز انقلابی دیگر در راه رفقای خلق بدست دروغ‌خیزان رژیم به شهادت رسانیدند. ما از این تریبون همه‌سازمانها، محافل، شخصیت‌های آزاده‌خواه ملی و بین‌المللی را به تلاش برای نجات زندگی همه زندانیان آزاده و میهن پرستان ایران از خطر مرگ و محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی فرا می‌خوانیم. پلنوم وسیع همه فدائیان خلق را به برگردن جای خالی شهدای فدایی و سرمشق قرار دادن زندگسی و جان‌بازی آنان فرا می‌خواند.

بیا خیزیم و به ایستادگی حماسی و جان‌بازی رفقای شهید و زندانی سرعظیم فرود آوریم و به احترام قهرمانی‌های شهیدان خلق یک دقیقسه سکوت کنیم.

رفقا!

درباره اوضاع جهان و منطقه

نبرد سخت و سرنوشت‌ساز زمین نیروهای امپریالیسم و ارتجاع که ستم و رنج روزافزون و بیم‌انگیزی از جنگ جهانی را به بشریت تحمیل می‌کنند و نیروهای صلح و استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم که برای انسانها می‌سازند. بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- ★ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران در صفحه ۱۶
- ★ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان به نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهان در صفحه ۱۰
- ★ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان به زندانیان سیاسی در صفحه ۱۴
- ★ پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی در صفحه ۱۵
- ★ اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران در صفحه ۱۲

با بر مصوبات پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان در شماره آینده کار درج می‌گردد

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ پر خمینی

گزارش هیأت سیاسی ...

نیکیبختی را به ارمان می آورند، جاری است. نبرد برای حفظ تمدن بشری در برابر خطر هولناک جنگ هسته‌ای و مسابقه تسلیحاتی لگام‌گسیخته و مخوفتر و استثنای از زندگی انسانها.

امپریالیسم آمریکا دژ ارتجاع جهانی است و برای وارد آوردن "ضربه اول" به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به اقدامات دیوانه‌وار متوسل می‌شود. دولت ریگان بعد از استقرای موشکهای هسته‌ای میان پرده آمریکا علیه اتحاد شوروی در خاک اروپا اکنون برای تکمیل آن برنامه "جنگ ستارگان" یعنی گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا را در دستور قرار داده است. واشنگتن می‌خواهد بارها ندادختن برنامه "جنگ ستارگان" توازن نظامی استراتژیک موجود در سطح جهان را بسنود. امپریالیسم برهم زده و به برتری نظامی ناشی از آتس، تاب‌دین و وسیله مواضعی را که جا برانه کسب کرده است، حفظ نموده و مواضعی را که نظام پوسیده سرما به داری در سده کنونی از دست داده است دوباره به چنگ آورد و سوداگرانه امپریالیسم را بر جهان تا مین کند. برنامه "جنگ ستارگان" محصول آمیختگی جنون میلیتاریستی و آرزو طمع سوداگران مرگه نتیجه اتحاد دژنرالهای پنتاگون و مجتمع‌های نظامی صنعتی است. این طرح که به تخمین مطبوعه‌ات آمریکا هزینه‌های مسا دل هزار میلیارد دلار خواهد داشت، سودهای نجومی نصیب انحصارات تسلیحاتی آمریکا می‌کند.

ریگان با گسترش مسابقه تسلیحاتی، اقتصاد آمریکا را هر چه بیشتر به سوی نظامی شدن سوق می‌دهد. سال به سال بر بودجه نظامی آن می‌افزاید، این بودجه از ۸۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ - ۸۲ به ۲۵۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳ - ۸۱ یعنی به دو برابر برنوم افزایش خواهد یافت. نیروهای صلح دوست جهان در سال گذشته جشن‌های پرشکوهری چهلین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری را به عرصه مبارزه علیه جنگ افروزان تبدیل کردند. مردم در سراسر جهان در تظاهرات گسترده ششم و هفتم نشار جنگ افروزان کردند و جهان را صلح میزوارغ از جنگ را خواستار شدند. این خواست انسانیت در مراسم سازمان ملل متحد بنام سبب چهلین سالگرد آن بازتاب یافته است. بافت ۱۵۹ کشور سال ۱۹۸۶ را بعنوان "سال صلح" اعلام کردند، در بنام مشترک این کشورها بر ضرورت جلوگیری از جنگ جهانی سوم تاکید شد و از کلیه کشورها درخواست گردید که تمام تلاش خود را برای حفظ صلح جهانی بکار گیرند. کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی تلاشهای گسترده‌ای برای مهار مسابقه تسلیحاتی و نجات بشریت از بلایه جنگ هسته‌ای انجام دادند. اتحاد شوروی بطوریکه جانب همه‌آزمایش‌های سلاحهای هسته‌ای را به عسدت شش ماهه متوقف ساخت و از آمریکا خواست که به اقدام مشابه توسل جوید، این مدت برای بار دوم تا سالگرد بمباران هیروشیما تمدید گردید، ولی واشنگتن پاسخ مثبتی به درخواست اتحاد شوروی نداد.

میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسافرت خود به فرانسه، پیشنهادهای جدیدی مبنی بر کاهش سلاحهای هسته‌ای آرایه داد و بدنبال آن دردی ماه سال گذشته پیشنهادهای جامع تری را اعلام نمود که مطابق آن سلاحهای هسته‌ای در سه مرحله و در طی ۱۵ سال آخر قرن جاری می‌بایست نابود گردد.

نخستین نمایان در میان میخائیل گورباچف و ریگان که در ژانویه انجام شد از اهمیت سپاریادی برخوردار بود، ریگان که در چند سال گذشته جنگ طبیبی علیه کمونیسم و اتحاد شوروی راه انداخته است، سرانجام زیر فشار جنبش نیرومندان صلح به مذاکره تن داد. این ملاقات گرچه به توافق‌های مشخصی در باره خلع سلاح و بیویزه سلاحهای هسته‌ای و قضایی منجر نشد و هم‌اکنون سلاحهای انباشته شده دنیا تنها بوسیله بفرماندهای ناتو و متحدین آنها، سراسر اندک و توافقی اعلام گردید که جنگ هسته‌ای نباید درگیر در این مذاکرات مطرح شد که در جنگ هسته‌ای هیچ کس پیروز نخواهد شد، اتحاد شوروی و آمریکا می‌بایست بر پایه این حقیقت انکارناپذیر و عدم تلاش برای کسب برتری نظامی، مناسبات خود را تنظیم کنند.

ولی رویدادهای چند ماه اخیر حاکی از آن است که دولت ریگان همچنان بر پایه‌های تسلیحاتی و بیویزه نظامی کردن فضا و پیشبرد برنامه جنگ ستارگان را ادامه می‌دهد و به تمام تلاشهای مسئولان و پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی پاسخ منفی می‌دهد.

رفقا!

وضع انحصاری و مخاطر آه آمیز اوضاع جهانی را با یاد درسیهای جدیدی که امپریالیسم جهانی معاصر جستجو کرد. سیمای جدید امپریالیسم جهانی بیش از هر چیز در این واقعیت نهفته است که روند پیشرفت عینی آن، آشکارا از ارزش زمان دیگری تا ریک ترین زوایای سرما به داری انحصاری - دولتی را عریان ساخته و ماهیت ضد مردمی و تقابل آن را با منافع و نیازهای توده‌ها به اثبات رسانده است.

در طی سالهای قبل از جنگ جهانی دوم دو خط مشی در روند رشد سرما به داری مشاهده می‌شد. خط مشی نظامی فاشیستی در کشورهای آلمان، ایتالیا، ژاپن و خط مشی بورژوا - فرمینیستی در کشور آمریکا در دوره ریاست جمهوری روزولت امروز نیز این دو خط مشی به مثابه دو گرایش استراتژی طبقاتی امپریالیستی در مبارزه علیه نیروهای دموکراسی و سوسیالیسم دیده می‌شود، یکی از آنها خط مشی میلیتاریستی افسارگسیخته و دیگری خط مشی است که با واقعیت‌های بحران عمومی سرما به داری انطباق دارد.

در قلمرو سیاست می‌توان این امر را در مواضع نیروهای میلیتاریستی در دهه اخیر و روی کار آمدن نیروهای دست راستی و میلیتاریست در آمریکا (آلمان غربی بریتانیا و ژاپن) ملاحظه کرد. در عرصه اقتصادی نیز افزایش نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی و انحصارات فراملیتی در دهه اخیر این مساله را بخوبی نشان می‌دهد.

مجتمع‌های نظامی - صنعتی در اواخر دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ به نیروی مسلط در کشورهای امپریالیستی تبدیل گشتند. برنامه اقتصادی این صنعتی و نیرومدتر نیز اسبوند مدام سلاحهای گشتار جمعی و برنامه سیاسی آن افزایش مستمر تنش بین المللی و جنگ طبیبی علیه کمونیسم است. هم‌اکنون در آمریکا انحصارات تولیدکننده اسلحه، ژنرالهای نظامی، ماسور بیسند دولت و ارگانهای ایدئولوژیک در مجتمع‌های صنعتی - نظامی در هم آمیخته‌اند و به جدی ترین مچربان و سازمان دهنندگان سیاست‌های ماجراجویانه و تهاجمی گرانه تبدیل شده‌اند. اتحادشوم صاحبان کارخانجات مرگ و ارگان‌های نظامی و اداری دولت آمریکا، تکیه‌گاه افزایشی و افزایشی و ارتجاعی و منبع دائمی و فراپاینده خطر جنگ است.

خطر دیگر، گرایش به بین المللی شدن مجتمع‌های صنعتی - نظامی است که در همین اواخر پیدا زنده است. این مساله در گرایش پیوستن انحصارات

دولت‌های تعدادی از کشورهای اروپای غربی و ژاپن به برنامه آمریکایی "جنگ ستارگان" دیده می‌شود. فراملیتی شدن مجتمع‌های صنعتی - نظامی خطر تشدید هر چه بیشتر مسابقه تسلیحاتی، گشادن آن به فضای کیهان بی‌شائبه‌ای است. اوضاع بین المللی و تشدید فاجعه هسته‌ای را بدنبال دارد. در حال حاضر تراکم تولید در کشورهای امپریالیستی به درجه کیفی - جدیدی در سطح بین المللی رسیده است. سوددهی برخی از صنایع بدون همکاری چند انحصاری در چارچوب انحصار بین المللی امکان پذیر نیست. این روند در مورد بانکهای بین المللی نیز پیش‌رفته است. گروه‌های فراملیتی سرما به مالی و الیکار می‌مالی و سرمایه‌های بین المللی صنعتی و بانکی در یکدیگر ادغام می‌شوند. می‌توان گفت که سرمایه داری انحصاری - دولتی در حال تحول به شکل فراملیتی خواهد شد. انحصارات با رشد سریع میکروالکترونیک و کاربرد روبات‌ها (آدم‌ها شبیه) در تولید الکترونیک و مصرف انبوه به الکترونیکی جدید که بر علم منکسی بوده و متضمن صرفه جویی در انرژی و مواد خام و نیروی کار است کام می‌نهند. روبات‌ها بیش از همه در رشته‌های که رکود ساختاری دارند، یعنی فلزکاری، صنایع اتومبیل سازی، نساجی و ماشین سازی بکار گرفته می‌شوند. به رکود افتادن صنایعی که عموماً نیروهای عظیم کار را بخود جذب می‌کنند متشابه عمده‌یکاری ساختاری در کشورهای سرما به داری است. این رشته‌ها پایه‌های جنبش سازمان یافته کارگری و سندیکاهای نیرومندان هستند. کاهش مطالبات اشتغال در این رشته‌ها، پایه جنبش کارگری را محو کرده و امکان تعمیل شرایط نامناسب تراستخدام و دستمزد ناازل تر را در مجموع برای طبقه کارگر فراهم می‌سازد.

در این باره در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است: "دیاکتیک رشد در چنان است که همان و سالی که سرمایه داری با هدف ف تحکیم مواضع بکار می‌گیرد، ناگزیر به تشدید متما می‌تفا ده‌های عمیق منجر می‌گردد". این امر می‌توان در تعمیق بحران عمومی سرما به داری، افزایش بی‌شائبه اقتصادی و نیز در سایر عرصه‌ها مشاهده کرد. آهنگ رشد اقتصادی کشورهای سرما به داری به کندی می‌گراید. بیکاری وسیع و مانده‌ها رسیده است شمار بیکاران در این کشورها در پایان سال ۱۹۸۵ به ۲۵ میلیون نفر رسید. میانگین بیکاری در آمریکا از ۴٪ در اواسط دهه شصت به ۱۱٪ در سال ۸۴ - ۱۹۸۵ افزایش یافته است. "رکود تورمی" یعنی تورم به آهنگ تولید کمتر از ظرفیت، در این کشورها گسترش یافته و بحران دوره‌ای عمیق تر گشته است. این کشورها با کسری عظیم بودجه و بدهی کلان دولتی مواجه هستند. آنچه در این مرحله در کشورهای امپریالیستی بطور بارز چشم می‌خورد، در آمیختگی بحران دوره‌ای ساختاری است.

این سیاست‌های غارتگرانه موجب می‌شود که تفاوتهای طبقاتی میان انحصارات و اکثریت عظیم مردم کشورهای سرما به داری عمیق تر شود. در کنار طبقه کارگر، روشنفکران، کارمندان اداری و حرفه‌ای، دهقانان، نیندگان خرده‌بورژوازی شهری، اقلیت‌های ملی، جوانان و دانش‌آموزان هر چه فعلاً لانه تر در سرما به داری عمیق و زورگویی جنون آمیز انحصارات و بر ضد سیاست ارتجاعی طبقات حاکم حرکت می‌جویند. مردم می‌خواهند که به میلیون‌ها ریزه کردن جامعه، سیاست‌های تهاجمی و زورگوانه، تبعیض نژادی و ملی، بی‌احسان کردن حقوق زنان، فساد شیوه‌های غارتگرانه انحصارات در بهره‌گیری از منابع طبیعی و محیط زیست خاتمه داده شود. این جنبش توده‌های دموکراتیک بطور عینی متوجه سیاست‌های ارتجاعی امپریالیسم بوده و در سالهای اخیر نیرومندان تر شده است.

تفاوتهای کشورهای امپریالیستی در اشکال و گرایش‌های جدید تجلی می‌یابد رقابتی که تحت تاثیر انقلاب علمی و فنی حدت گرفته است، آن کشورهایی را که از غافلگی عقب افتاده‌اند، زیر ضرب می‌گیرد. بیچینی قابل ملاحظه شرایط تولید سرما به داری، گوناگونی روندهای بحرانی و شدت گرفتن رقابت بین المللی به رقابت امپریالیستی حدت و بی رحمی بخشیده است. در سالهای اخیر نزدیک به مرکز اصلی امپریالیسم کنونی - آمریکا، اروپای غربی و ژاپن - در عرصه‌های گوناگون از جمله تجارت خارجی و مناسبات پولی - تشدید شده است.

رفقا!

در کنار نظام پوسیده سرما به داری که با تنگناهای بحرانی‌های ساختاری و دهرهای و تفاوتهای حادث شده در گریبان است، نظام سوسیالیستی پیش‌انزیش شکوفا ترمی شود و بر حقا نیت و حیات می‌بودن ما رکسیسم - لیننیسم مهترتا پیسه می‌گذارد. از غافلگی عقب افتاده‌اند، زیر ضرب می‌گیرد. بیچینی قابل ملاحظه شرایط تولید سرما به داری، گوناگونی روندهای بحرانی و شدت گرفتن رقابت بر جسته در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مشاهده کرد. بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی رویداد برجسته و پسر اهمیت برای مردم اتحاد شوروی و تمام نیروهای ترقیخواه جهان است. در این کنگره متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی، تغییرات اساسنامه و برنامه اقتصادی سالهای ۹۰ - ۱۹۸۶ و تا سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید.

در اسناد کنگره گفته شد که در جامعه شوروی سلطه کهنسال مالکیت خصوصی برای همیشه از بین رفته و استثنای آن از انسان تا بیان پذیرفته و سوسیالیسم بصورت کامل و بطور قطعی در کشورشوراها پیروز شده است. ظهور سیستم جهانی سوسیالیستی و شکل گیری و تحکیم جامعه سوسیالیستی، دگرگونی بنیادی در توازن نیروها در سطح بین المللی بدون شرکت این کشورها حل نمی‌شود. اجتماع، دموکراسی، آزادی و صلح مبارزه می‌کنند، بوجد آورده است. جامعه سوسیالیستی هم‌اکنون به بالاترین مرحله ترقی نیروی جهان تبدیل شده است که هیچ مساله‌ای در سطح بین المللی بدون شرکت این کشورها حل نمی‌شود. در گزارش تا کید شده است که در طول ۲۵ سال گذشته، در مدارس و واقعی مردم اتحاد شوروی ۲۶٪ برابری در معارف اجتماعی، بیش از ۱۰٪ برابری افزایش یافته است. ولی در عین حال در سالهای ۷۰ دشاریهای اقتصادی افزایش یافته و آهنگ رشد اقتصادی به نحو محسوس کاهش یافته است.

برنامه مصوب کنگره حیات اساسی سیاست اقتصادی اتحاد شوروی را تعیین کرد. در برنامه بر افزایش راندمان کار از طریق شتاب بخشیدن به پیشرفت علمی و فنی، دگرگونی اساسی در تکنولوژی و تحرک بخشیدن به عوامل فنی سازمانی، اقتصادی و اجتماعی تاکید شده است. در برنامه پیش‌بینی شده است که راندمان کار در بریا نوده سال آینده ۱۰۰ - ۱۵۰ درصد افزایش یافته و پتانسیل تولید صنعتی دو برابر بر شده و درآمد ملی نیز تقریباً دو برابر خواهد شد.

رفقا!

سیاست‌های جهانی‌خواهانه امپریالیسم جهانی تنها به تشدید مسابقه تسلیحاتی محدود نمی‌شود. امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا

به گسترش درگیری های منطقه ای، ابعاد مناطق شنج، تاج و آنگار، به کشورهای مترقی و انقلابی، کمک همه جانبه به دستجات ضد انقلابی و تروریسم دولتی دست می کند. نمونه آنگار این سیاست را می توان در آمریکا لاتین، آفریقا و آسیا مشاهده کرد.

در آمریکا لاتین دولت ریگان به هر وسیله ممکن متوسل می شود که دولت انقلابی نیکاراگوئه را سرنگون سازد. در این راستا، ریگان با استفاده کلانی در اختیار پاندهای ضد انقلابی برای خرابکاری در داخل نیکاراگوئه قرار داده است. سازمان "سیا" در کاستاریکا و هندوایر به وسیله هزاران نفر از متاوران نظامی آمریکا، ضد انقلابیون را آموزش می دهد. بر طبق دستور کاخ سفید در هندوایر ۲۷ پایگاه نظامی آمریکا ساخته شده است. دولت ریگان همچنان از رژیم های ضد مردمی در السالوادور، شیلی، پاراگوئه شدیداً حمایت بعمل می آورد.

در جنوب آفریقا نیز دولت ریگان به کمک رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از سازمان ضد انقلابی "اونیتا" که علیه دولت آنگولا عمل می کند، پشتیبانی کرده و به آن کمک های فراوانی می رساند. دولت آمریکا همچنین از دستجات ضد انقلابی موزامبیک که هئامنسدا زمان اونیتا در خاک کشور خود بدمرگ می افشانند، پشتیبانی می کند.

در جنوب شرقی آسیا، رژیم مردمی کامبوج آماج حملات نیروهای ارتجاعی است. دولت ریگان از دستجات پول پوت که میلیونها انسان را در کامبوج بطرز وحشیانه ای به قتل رسانده اند، پشتیبانی کرده و در اختیار آنها پول و سلاح قرار می دهد. دولت تا بلند ترا که مقر استقرا را این دستجات است تقویت می نماید.

دولت ریگان که به "تروریسم دولتی" آمریکا رسمیت بخشیده است، به بیجا نه میازد. "تروریسم بین المللی" به اقدامات تلافی جویانه علیه دولت های مترقی و جنبش های آزادی بخش متوسل می شود. عملیات تروریستی و تنه های آمریکا و اسرائیل علیه سازمان آزادی بخش فلسطین لیبی نمونه ای از این سیاست های آمریکا است. ریگان در همین راستا در مورد سوریه نیز سز بکار رگیرد.

دولت آمریکا با اتخاذ این سیاست ها عملاً برکانونهای تشنج در مناطق مختلف افزوده، درگیری های منطقه ای گسترش داده و بر بستر کانون های تشنج به مقابله با جنبش های رهایی بخش و ملل رها یافته می پردازد. هر آنجا که مردم یکبارچه بر می خیزند و بر عجز حکومت های دست نشانده منطقه پایان می گذارند و در راه استقلال و آزادی پای می فشارند، آمریکا لیسیم آمریکا وارد میدان می شود تا با درگیر کردن و تنگی بر پاره های ملل رها یافته ببیند.

علیرغم این سیاست ها نیز مراتب مردم برای رهایی از یقیناً مستعمرات و استعمار پیش می رود. در آمریکا لاتین توده های مردم در مقابل دیکتاتورهای نظامی ایستاده و خواهان استقرا و دموکراسی و بهبود وضع زندگی مادی و فرهنگی هستند. توت های نظامی بر اثر فشار مردم و بحران های اقتصادی قادر نیستند شنج و تخت خود را نگه دارند. در آفریقا، آوروگوئه و برزیل، نظامیان مجبور شدند حکومت را بدست غیر نظامیان بسپارند. در این کشورها دموکراسی با رها نمودن جایگزین حکومت های نظامی شده است. در سودان و فیلیپین نیز بر اثر جنبش گسترده توده ای، دیکتاتور ها مجبور به کناره گیری شده اند.

موج رو به گسترش جنبش توده ای امپریالیسم آمریکا را وادار کرده است آنجا که قادر نیست دیکتاتور های دست نشانده خود را حفظ کند به سیاست های دیگر توسل جوید. هرگاه کارها با "مشت آهنین" پیش نرود باید دستکش سفید پوشید و شنج با تراها نداشت (هما بندها بسا لودور). بیم از آنکه گمان را در پی لیزه شدن جنبش های ضد دیکتاتور و شکل گیری یسک انقلاب و قسعی امپریالیسم آمریکا را و می آید و ترجیح دهد که دستهایش پنهان بماند. لذا به آلترا تائو "دموکراسی پارلمانی" توسل می جوید.

(فیلیپین و برخی از کشورهای آمریکا لاتین) در مواردی می توان بطور برنامه ریزی شده آلترا تائو معینی را شکل داد و هنگام گسترش جنبش توده ای آنرا به صحنه سیاسی سوق داد. بکره جنوبی، پاکستان و بربرخی کشورهای دیگر از این نمونه است.

این تغییرات را نباید به معنی دوره افول دیکتاتور ها تلقی کرد. مورد شیلی به پاراگوئه و دیگر موارد نشان می دهد آنجا که دولت آمریکا "مشت آهنین" را کار سازی می داد، همچنان بکار می بندد، ولی مترصد می ماند که فرصت را برای تعویض قدرت از دست ندهد. آمریکا نمی خواهد که توده های مردم مشت های گره کرده خود را برده ان دیکتاتور ها بکوبند و آنها را بسنه زباله دان تاریخ بفرستند. به همین خاطر آمریکا در هر کشوری که چنین خطری را احساس می کند، به ما نورد می زند.

امپریالیسم با بهره گیری از وابستگی اقتصادی و تکنولوژیکی کشورهای رها یافته و برتری خود در اقتصاد جهانی، آنها را به بیرحمانه ترین صورت استعمار می کند. کشورهای امپریالیستی و بیوزنه امپریالیسم آمریکا هم اکنون از طریق دادن وام، دسترنج زحمتکاران و منابع ملی کشورهای در حال رشد را غارت می کنند. در حال حاضر با زبردت و بهره قربانی خارجی این کشورها نزدیک به ۱۰۰۰۰ میلیون دلار است و بدهی کل کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین به کشورهای امپریالیستی از ۴۵۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ رسیده است.

اما تمام این سیاست های غارتگرانه و تاج و زکارانه نتوانسته است سدی کار ساز در مقابل سیل بنیان کن توده ها بوجود آورد. در آمریکا لاتین، دولت سوسیالیستی کوبا، با وجود توطئه های امپریالیسم، همچنان به ساختن موفقیت آمیز سوسیالیسم ادامه می دهد. دولت انقلابی نیکاراگوئه در مقابل تاج و زوات و دسیسه های وا شنگتن ایستاده و نظم نوینی را در جامعه پی ریزی می کند. نیروهای انقلابی در السالوادور همچنان مصمم به بیچارگی انقلابی برای رهایی خلق ادامه می دهند. در شیلی ارگان رژیم دیکتاتور پیوسته ست شده، مبارزات مردم گسترش یافته و جنبش دموکراتیک توده ای (ار.د.ا.م) از نفوذ بیشتری در بین مردم برخوردار می گردد.

مخالفت با پرداخت دیون کلان و اوارتبار کشورهای آمریکا لاتین به دولت های امپریالیستی گسترش می یابد. احزاب کمونیست و کارگری کشورهای آمریکا لاتین پیگیرانه علیه با زبردت این وام ها مبارزه می کنند. این مبارزه پیوند آنها با توده ها را تقویت کرده است.

در آفریقا جنوبی بحران سیاسی پایه های رژیم بوتان را به لرزه در آورده است. مردم یکبارچه به خیا با آنها ریخته و شجاعانه سینه های خود را در مقابل گلوله های توپ و تانک قرار می دهند. رژیم نژادپرست قادر نیست بر او شجاع تسلط یافته و به شیوه سابق حکومت کند. مردم دیگر حاضر نیستند تن به سارت رژیم نژادپرست بدهند. گشتارهای وسیع چکه بوتان رژیم خونخوار نتوانسته است از ادامه ضرر و ضرورت سازمان مردم بکاهد. کشوره ملی آفریقا در دهه ای جنبش توده ای برجسته ترین نقش را ایفا می کند. حزب کمونیست آفریقای جنوبی و رژیم وروا و نونو و بیشتر در بین مردم پیدای می کند، بطوریکه اکنون یکی از پایه های اصلی جنبش است.

رتقا!

منطقه خاور میانه عرصه حادث ترین درگیری بین نیروهای مترقی و ارتجاعی است.

دولت ریگان ورژیم صهیونیستی که در لبنان محفل شکست شده و خاک آن کشور را ترک کردند، با تمام نیروی کوشنده اش شکل گیری دولت متمرکز و مقتدر جلوگیری کند. بر خلاف مذهبی و قومی دا من زنند، گرا بشهای جدا بی طلبانه را تقویت کنند و بدرنگا قه با شده. لبنان اکنون عرصه درگیری های خونین نیروهای مختلف مسلح است. تلاش های دولت سوریه و نیروهای مترقی لبنان برای ایجاد دولت اشتتلافی و متمرکز نتوانسته است به نتیجه معینی برسد. تراژدی لبنان همچنان ادامه دارد و رژیم جمهوری اسلامی از دستجات "اسلامی" و "حزب الله" در لبنان حمایت می کند. این دستجات بر افراطی گری مذهبی نگاه دارند. سوا ز هر گونه همکار ی را دیگر نیروهای سیاسی سرپا ز می زنند و به اقدامات جناحی تنگ رانه علیه کمونیست ها دست می یازند. آنها با طرح شعار "جمهوری اسلامی" اختلافات مذهبی را تشدید کرده و مانع ایجاد یک دولت مقتدر ملی می شوند. سیاست آنها عملاً همان با سیاست است آمریکا و اسرائیل در لبنان است.

جنبش فلسطین با مشکلات جدی روبرو است. رژیم صهیونیستی اسرائیل، دولت ریگان و دولت های ارتجاعی عرب برای تضعیف ساف و پیشبرد طرح کمپ دیویدرتلاشهای خود افزوده اند. موافقت نامه امان که بین یاسر عرفات و ملک حسین امضاء شده آرمان فلسطینی ها برای تشکیل دولت فلسطینی ضربه وارد آورده. این موافقت نامه با مبارزه پیگیرانه متدگان فلسطینی عملاً به کناره رگذا شده شد. گرا پیش های سازگرا رانه در بره ی ساف و دسته بندی های خصومت آمیز برخی نیروهای فلسطینی علیه یکدیگر موجب تضعیف جنبش فلسطین و ساف گردیده است.

افغانستان همچنان توطئه های نیروهای ارتجاعی قرار دارد. دولت ریگان بیش از ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار پاندهای خرابکار جهنت کشتار مردم بی گناه گذاشته است. پاکستان که در خاک آن متجاوزان ۱۷۰ کمپ ضد انقلابیون افغانی قرار دارد، به سرپل تاج و زغلیه جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل شده است. اشرار تحت رهبری سازمان "سیا" از خاک پاکستان به افغانستان یورش می آورند و به کشتار و خرابکاری می پردازند. رژیم جمهوری اسلامی دوشا دوش رژیم ضیا الحق و همسوا نقشه ها و تلاش های امپریالیسم آمریکا به ددمشا نه ترین شکل علیه انقلاب افغانستان توطئه می کند.

دولت افغانستان علیرغم انواع دسیسه های نیروهای ارتجاعی توانسته است گام های جدی در گسترش پایگاه انقلاب برود و در شرایطی که از بیفید انقلابیان وارد آورد، دولت افغانستان فعالانه در مذاکرات ژنوشرکت جستجو با ارا به پیشینه های سازنده می کوشد که مشکلات موجود با کشورهای همسایه حل گردد. تداوم جنگ ویرانگر ایران و عراق به گسترش بی شائبی و تشنج در منطقه کمک کرده و موجب حضور وسیع امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان گشته است. آرمیای دستا ویز قرار دادن امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز، رها ی جنگی خود را در سواحل خلیج فارس و دریای عمان مستقر می سازد. هم اکنون جنگ بین دو کشور به بن بست رسیده است. ولی رژیم جنگ افروز خمینی همچنان شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" سر می دهد و سوج فوج جوانان کشور را راهی کشتار گها می کند و اقتماً دکشور را به خدمت جنگ می گیرد. سران رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنگ عملاً به مقاصد امپریالیسم پاری رسیده، کشورهای ارتجاعی منطقه را تقویت کرده و نیروهای مترقی را تضعیف می کنند. این جنگ به تقویت ارتجاع منطقه منجر شده است.

کشورهای ترکیه، پاکستان و عربستان به پایگاه ارتجاع جهانی در منطقه تبدیل شده اند. آمریکا مداوماً به این کشورها اسلحه سارز می کند. تفسا حکومت های دست نشانده این سه کشور بتوانند نقش ژاندارمی خود را بنحو احسن انجام دهند. در ترکیه نزدیک به ۶۰ پایگاه آمریکا وجود دارد که وسیعاً مورد استفاده نیروهای ارتجاعی قرار می گیرد. دولت ترکیه به "مشت آهنین" آمریکا علیه نیروهای مترقی و انقلابی تبدیل شده است. هم اکنون هزاران مبارز در سارساتگهای این رژیم زندانی هستند. آمریکا اخیراً با کمک نظامی ۵ میلیارد دلاری به رژیم ضیا الحق موافقت کرده است.

جنبش احیاء دموکراسی در پاکستان در حال گسترش است. سران علیه رژیم دیکتاتور ضیا الحق برخاسته اند. وا شنگتن تحولات پاکستان را بدقت زیر نظر گرفته و می خواهد قبل از اینکه طوفان بر خیزد به موقع دست بکار شده و آلترا تائو بورژوا - رفرمیستی خود را سرکار بریاورد. دولت جمهوری اسلامی با تشکیل با زار منطقه به اسم "اکو" (ا.ر.سی.ب.ا) گسترش و ارتجاع منطقه را در پی دارد.

دولت عربستان در بین کشورهای عربی همچنان به تقویت دولت های ارتجاعی و تضعیف موافق دولت های مترقی عربی می پردازد. عربستان با دلار نفیسی سیاست های آمریکا را در منطقه پیش می برد. دولت ریگان تلاتن جدی میسذول می دارد که عربستان به مدرنترین سلاح مجهز گردد تا بتواند نقش ارتجاعی و بازدارنده خود را در منطقه بنحو خوبی ایفا کند.

رتقا!

امپریالیسم جهانی هر قدر هم به تاج و زگری جنگ افروزی خود بسیار فزاید، قادر نخواهد بود چرخ تاریخ را به عقب با زگرداند و نمود وضعی را که از دست داده است، دوباره به چنگ آورد تا بتواند سدایت خود را بر جهان تا فتنه کند. دژ سوسیالیسم جهانی و در اس آن اتحاد دشوری، کشورهای رها یافته و نیروهای مترقی و انقلابی در مقابل تاج و زگری امپریالیسم جهانی ایستاده اند و هر روز در پیگر علیه نیروهای میرنده جهان که به کامیا بیهای جدید دست می یازند.

سیما ی ضد خلقی، ضد دموکراتیک و بغایت ارتجاعی جمهوری اسلامی

رتقا!

انقلاب بزرگ خلق های ایران که تا مین دموکراسی، استقلال همه جانبه و عدالت اجتماعی به سود زحمتکاران را هدف پیکار سرنگ خود قرار داده بود، در تخریبات سران جمهوری اسلامی به خلق ایران به اهداف عالی خود دست نیافت و دچار شکست شد. در نتیجه این شکست امکان خروج جامعه ایران از بحران زایل گردید. اکنون میهن باستانی ما روزگاری رفوق العاده دشواری را از سر می گذراند. هر روز که می گذرد، بردا مته و زرفای بحران که در آن فرو

رتقا!

انقلاب بزرگ خلق های ایران که تا مین دموکراسی، استقلال همه جانبه و عدالت اجتماعی به سود زحمتکاران را هدف پیکار سرنگ خود قرار داده بود، در تخریبات سران جمهوری اسلامی به خلق ایران به اهداف عالی خود دست نیافت و دچار شکست شد. در نتیجه این شکست امکان خروج جامعه ایران از بحران زایل گردید. اکنون میهن باستانی ما روزگاری رفوق العاده دشواری را از سر می گذراند. هر روز که می گذرد، بردا مته و زرفای بحران که در آن فرو

رتقا!

انقلاب بزرگ خلق های ایران که تا مین دموکراسی، استقلال همه جانبه و عدالت اجتماعی به سود زحمتکاران را هدف پیکار سرنگ خود قرار داده بود، در تخریبات سران جمهوری اسلامی به خلق ایران به اهداف عالی خود دست نیافت و دچار شکست شد. در نتیجه این شکست امکان خروج جامعه ایران از بحران زایل گردید. اکنون میهن باستانی ما روزگاری رفوق العاده دشواری را از سر می گذراند. هر روز که می گذرد، بردا مته و زرفای بحران که در آن فرو

رتقا!

انقلاب بزرگ خلق های ایران که تا مین دموکراسی، استقلال همه جانبه و عدالت اجتماعی به سود زحمتکاران را هدف پیکار سرنگ خود قرار داده بود، در تخریبات سران جمهوری اسلامی به خلق ایران به اهداف عالی خود دست نیافت و دچار شکست شد. در نتیجه این شکست امکان خروج جامعه ایران از بحران زایل گردید. اکنون میهن باستانی ما روزگاری رفوق العاده دشواری را از سر می گذراند. هر روز که می گذرد، بردا مته و زرفای بحران که در آن فرو

رفته است، افزوده می گردد. عوامل متعددی بحران کنونی را پدید آورده اند...

در ادامه دادن جنگ ارتجاعی ایران و عراق است. جنگ طی ۵/۵ سال، ویرانی ها و خسارت عظیمی ببار آورده است. بخش بزرگی از این آسیب ها، بحران پذیر نیستند...

هر ساله افزایش می یابد، هزینه مستقیم و غیر مستقیم جنگ که در سال ۶۳ به حدود ۱۴ میلیارد تومان رسید، در سال گذشته به شدت افزایش یافت...

زمانی که در سالهای ۶۳ و ۶۴ قیمت نفت سقوط کرد، ارز دریا افت جدی به حداقل خود رسید...

اکنون دهها هزار تن از فرزندان خلق در زندانهای علنی و مخفی رژیم استبدادیه بند کشیده شده اند. جرم اکثر آنها داشتن عقایدی جزو طایفه و مذهب...

کشتارده منشا نه سرکوب شده می شوند، همه از سرکوب خوین خلق عرب آگاه هستند...

اکنون مدت ۷ سال از تهاجم رژیم علیه خلق کرد می گذرد. در طی این مدت دهها هزار نفر از مردم کرد قتل عام شده اند...

وظیفه مبرم سازمان است که فعالیت سیاسی و سازمانی خود را در کردستان هر چه فعلی تر گسترش دهد...

حکومت جمهوری اسلامی مدافع منافع سرمایه داران بزرگ و بویژه تجار و بزرگان مالکان است...

اکنون صنایع کشور در حال رکود بسیاری از واحدها در خطر تعطیل هستند. آن دسته از صنایع بزرگ که در حال تولیدند، با ظرفیت بسیار پائین تولیدی کاری میکنند...

اکنون دهها هزار تن از فرزندان خلق در زندانهای علنی و مخفی رژیم استبدادیه بند کشیده شده اند...

برای ارتقاء و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، نیاز به اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی است...

برای اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور، نیاز به اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی است...

برای اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور، نیاز به اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی است...

برای اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور، نیاز به اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی است...



کشور فاقد آب آشامیدنی سالم هستند و این امر به گسترش بیماریها و مرگ و میر اطفال روستایی انجامیده است. حدود ۲۰ هزار روستا در سال ۶۳ فاقد مدرسه بوده اند. با این حال در فروردین امسال وزارت آموزش و پرورش دستور داده است مدارس کمترین ۲۵ نفر بزرگساخته شوند. این دستور بر تعداد بیسوادان بیش از ۶۰ روستای کشاورز و فاقد آبرو.

در جمهوری اسلامی، اقتصاد روستا در حال پاشیدگی و تولید کالاها برای اساسی کشاورزی نظیر گندم، پنبه، چغندر قند، برنج و نیزهادهای و مراتع در حال سقوط است. واردات گوشت طی این ۷ سال چندبرابر شده است. واردات گندم که در سال ۵۷، ۱ میلیون و ۱۳۹ هزار تن بوده در پایان سال ۶۴ به ۴ برابر واردات برنج از ۳۷۰ هزار تن در سال ۵۸ به ۷۵۹ هزار تن در سال ۶۴ افزایش یافته است. رژیم آخوندی در سال ۶۲ حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تن غولف و اردک پرورده است. ارزش مواد غذایی وارداتی که در سال ۵۶ حدود ۱/۷ میلیارد دلار بوده، اکنون به میزان ۴/۸ میلیارد دلار رسیده است. این واقعیت را مدلل می سازند که: در اثر سیاستهای رژیم، کشور ما از لحاظ مواد غذایی و سایر نیازهای ضروری کشاورزی نیز بیشترین رکود داشته است.

اکنون در اکثر مجموعه عوامل فوق مالیات به یک میلیون نر از دهقانان را همی شهرها می شوند. در این میان سهم شهرتاران را حدود ۵۰۰ میلیون نفر است. در اثر این مهاجرت ها، برای اطلاع آنها در جهت سازندگی، ۲۵ درصد در راه و مزارع کشاورزی خالی شده و جمعیت حدود ۶۰٪ از روستاها و مزارع کشور به کمتر از ۲۵ خانوار رسیده است. سیاست سران خائن رژیم نمی تواند به ورشکستگی بازمی بیاورد اقتصاد کشاورزی منجر نشود.

بحران زندگی اقتصاد ایران باعث شده است که تعادل بازرگانی خارجی کشور بشدت منفی شود. طی ۷ سال عمر رژیم ارزش صادرات غیر نفتی نسبت به واردات ۴ برابر گشته است. اکنون ارزش صادرات غیر نفتی فوق العاده کم بوده رقمی نزدیک صفر رسیده است. سهم مبریا لیست و دولتهای وابسته به آن از واردات کل کشور به بیش از ۹۰ درصد ا تسخ می گردد.

درباره سیاست مالیاتی رژیم باید گفت که رژیم با یک دست حقوق اندکی می دهد و با دست دیگر آن را می گیرد. رژیم بنای سیاست مالیاتی خود را بر این پایه استوار کرده است که تا آنجا که تیغ شاخ می برد مالیات بیشتر است. از مردم زحمتکش بگیرد و آن را نقد افزایش دهد که بتواند تنور جنگ را داغ تر و دستگاه عریض و طویل بوروکراسی و نهاد های سرکوب و لخرچی های بی حساب و کتاب هزاران آخوندگروشی را از محل آن تامین کند.

به همین دلیل هر ساله میزان مالیات ها افزایش یافته و اکنون به رقم نجومی رسیده است. در چند سال قبل رژیم تنها موفق شده ۵ میلیارد تومان مالیات از مردم اخذ کند، اما در سال ۶۴، رژیم باید ۱۰۳ میلیارد تومان مالیات دریافت کرده که سهم سرما به داران در آن فقط ۳ میلیارد بوده است. امسال رژیم می خواهد میزان مالیات را به ۱۲۸ میلیارد تومان افزایش دهد. این مبلغ اندکی کمتر از هزینه دولت پس از کسور در آمد منصف است. بر این اساس تعریف مسئولان عده ای از سرما به داران که می بایست در سال ۶۳ مبلغ ۱ میلیارد تومان مالیات بپردازند، فقط ۱۹ میلیون داده اند. در جمهوری اسلامی به هیچ ترتیب از ملایان و مداخل آنان مالیات اخذ نمی شود و هیچ قزاقان خون و باطنی برای کنترل ثروت و چپا و لگری آنها و قوانین موجود نیست. سیاست مالیاتی رژیم توزیع ثروت را تا اندازه ای ترودرآمدات می مسردم را کمتری کند.

اما این مالیات های کلان هم مداخله جاری این رژیم جنگ طلب را تا همین نمی کند و رژیم هر ساله با کسر بودجه کلان روبه رویی شود. کسر بودجه هر ساله افزایش یافته و طی سال ۶۳ به ۱۰۰ میلیارد تومان رسیده و در سال ۶۴ هم در همین حدود باقی مانده است. اما به قاعده با جنگ عامل اصلی این وضع است. رژیم در مقابل با آن راه چاره بیرون پشتوانه اسکلتی و اداریش گرفته است. این عمل صاف و ساده به معنای آن است که رژیم هر ساله حدود معادل کسر بودجه از جیب مردم درمی آورد و در تنور جنگ سوزانده و با جیب میلیاردرهای بازاری می ریزد. نتیجه این راه حل بنا بر آنست که مسئولان بانک مرکزی این بوده است که تا نود و نهم پولی سرما به داران بزرگ از حدود ۲۵۰ میلیارد تومان در سال ۵۷ به حدود ۸۷۰ میلیارد تومان در بهمن ۶۴ افزایش یافته است. که به نسبت سال گذشته ز رشدی معادل ۱۰ درصد برخوردار بوده است. بر این پایه از آنجا که تاکنون این مبلغ نجومی به تعداد محدودی سرما به داران بزرگ یعنی به یک اقلیت ۳ درصدی تعلق دارد.

اکنون ۴ درصد از معاهدات با ۳۰۰ هزار تومان درآمد دارند. در حالی که ۲۰ میلیون نفر در کشور وجود دارند که درآمد آنها به ۱۸۰۰ تومان است و درآمد مدرسه ها بسیاری از خانوارهای ساکن مناطق مرزی غرب کشور در حدود ۳۰۰ تومان در سال است.

دولت ارتجاعی نمی تواند در تورم مها رکنده و دستمزدها را افزایش دهد. بر این اساس دولت میزبان تورم سالانه به طور متوسط بیش از ۱۹ درصد بوده و طی سالهای ۵۹ تا ۶۴ میزان قیمتها تا ۸۳ درصد متورم شده است و طی همه این سالها رژیم تلاش کرده که بهایها را مقابل تورم، دستمزدها را افزایش ندهد. این وضعیت افزایش دستمزدها را به خواست مبرم همه مزدبگیران تبدیل کرده است. چنانکه از هم اکنون پیمانتهای در سال ۶۵ به علت کاهش شدید درآمد منصف و ادامه گسترش جنون آمیز جنگ، ارزش پول و دستمزدهای حق زندگی را بر زحمتکشان امسال بسیار دشوار تر خواهد کرد. واقعیت فوق نشان می دهد که جمهوری اسلامی در خدمت اقلیت محدود و پرمزدا کثرت عظیم مردم ایران است. رژیم آخوندهای رژیمین عدالت سیرت و ظلم کثرت است. در نتیجه سیاست این رژیم، فقرا دائما فقیر تر و ثروتمندان ثروتمندتر می شوند.

رفقا!

گسترش بی سابقه بیکاری راه حل رسمی و اعلان شده رژیم برای مقابله با بحران است. اکنون تعداد بیکاران به بی سابقه ترین سطح خود رسیده است. از ۱۲ میلیون نفر نیروی کار کشور حدود ۱۹٪ یعنی ۲/۲ میلیون مطلقا بیکارند و فعالیت های تولیدی ناشی شده اند. حدود ۲۰٪ دیگر نیز بیکاران بنهان هستند یعنی با شغل یا کار کاذب نظیر دور گردی، دستفروشی، دلالی، واسطه گری ارتزاقی می کنند. بدین ترتیب در جمهوری اسلامی ۴۰٪ نیروی کار (۲/۸ میلیون نفر) بیکار است و با کار کاذب دارد. تا به هر سال ۳۵۰ هزار نفر متقاضی جدید کار در بازار می شوند. روستاییان مهاجر کارگران ساختمانی و جوانان قربانیان اصلی بیکاری هستند. چنین وضع دهنشناکی قبل از هر چیز نتیجه حاکمیت ملایان و سیاست ارتجاعی آنان است. اخراج کارمندان، معلمان، کارگران و دانشجویان از کار و دلیل عقایدی که داشتند، بر تعداد بیکاران افزود. سیاست رژیم در سه سال اخیر در مقابل به بحران اقتصاد بیکاری را بازمی افزوده است. هسته اصلی این

سیاست که رژیم آنرا زیر شعار "کاهش نا خوروا" پیش می راند، بطور خلاصه اخراج توده های کارگران و کارمندان است. سیاست "کاهش نا خوروا" باعث شده که در اکثر کارخانه ها کارگران را گروه گروه اخراج کنند. اکنون ۳ میلیون کارگر در خطر اخراج قرار گرفته اند. در جمهوری اسلامی حق کارکنان حقوق ابتدایی هراسناک است، لکن حال شده و امنیت شغلی مزد و حقوق بگیران به طور جدی به خطر افتاده است.

سیاست رژیم در زمینه آموزش و پرورش، بهداشت و امور درمانی، بیمه و خدمات اجتماعی، حذف مسئولیت های دولت در این امور و کاهش شدید بودجه آنان است. این سیاست امسال هم دنبال می شود. راه سرمایه داران بزرگ برای دست اندازی در این عرصه نیز هر روز با زحمتی است. البته نتیجه روشن است. بیسوادان در میان زحمتکشان با زحمات گسترش خواهد یافت و اما مرگ و میر آنان از فروتنتر خواهد شد. کیسه زرا ندوزان در مقابل انباشته تر خواهد شد. با بیدار شدن ردا شت که تعداد دانشجویانی که از تحصیل محروم می گردند با زحمات افزایش یابد. بر این اساس امسال ۱۵ میلیون بیسواد در کشور، ۴/۵ میلیون در شهر و بیش از ۱۰ میلیون نفر در روستا وجود دارند.

در حال حاضر ۵ میلیون کودک ۶ تا ۱۱ ساله از رفتن به مدرسه محرومند و ۵۰ درصد جوانان پس از اتمام دبستان به مدارسی راهنمایی راه نمی یابند. اکنون کمبود وگرا نمی ممکن بیدار می کنند در شهرها هزینه ممکن بیش از ۵۰ درصد در مدارس و زحمتکشان را بخود اختصاص می دهد. در این شرایط سیاست دولت ارتجاعی عدم حل این معضل اجتماعی است. دولت هر قدر از زمین و سایر وسایط خدماتی سرما به داران بزرگ طلب کند، در اختیار آنها قرار می دهد.

دولت ارتجاعی در خرداد ماه سال گذشته آیین نامه اجرایی قانون ارتقای شهری را که نافی خود قانون است، با هدف بهره برداری هر چه بیشتر سرمایه داران بزرگ از بحران ممکن به تصویب رساند. با تصویب این قانون دست کار بزرگ و شرکت های بزرگ سرما به داران بزرگ را در غارت بی محابای خلق از طریق سیستم "بازو بیفروش" کاملا باز کرد. همچنین این او را به سران رژیم به این فکر افتادند که سرما به داران بزرگ را از زده شدن شرکت های بزرگ تولید و اجاره جدا کنند. البته برای گمراه کردن مردم به این موسسات عنوان "بنگاه های خیریه استیجاری" داده اند.

فناوری سابقه یکی دیگر از مظاهر سیاست های رژیم است که جامعه به آن آلوده شده است. گسترش زدی، ارتشاء، اختلاس، اعتیاد، فحشا، علیرغم توسعه فریبی های اسلام بناهان حاکم از مشخصات با رژیم جمهوری اسلامی و از مراض رایج جامعه است. بخش بزرگی از اردوی ۱۸۰ هزار نفری روحانیون و دبستانهای وزارت و مدیر کلی و سرپرستی بنیادها و دادگاه های شرع و غیره نیز برخی از فرماندهان ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری و پلیس در زمره عناصر شرکتگرفته در بورژوازی قطعی بوروکراتیک اند. بوروکراسی حیثی و میل اموال دولتی - رشوه، ارتشاء، جا بگزی کین راویا بطبعی شوا یط، کساکه از اوقات مشخصه عملکرد بورژوازی بوروکراتیک بشمار می آید. در این روند قدرت سیاسی به ایجاد قدرت اقتصادی کمک می کند.

در جمهوری اسلامی، مسئولان رژیم کشتی های عظیم را با بارش می دزدند و وقتی همه دزدیهای کلان به وزارت نامه های حکومتی در می کنند، دستگاه عدل اسلامی "سروقه قبری" را به نحوی بهمی آورد. اما همین دستگاه ظلم وقتی پای محاکمه مردم عادی به میان می آید، واضح مجازات های عهد عتیق، دست و پا میزدن، چشم درآوردن، سنگسار کردن و غیره است. در این رژیم فساد دزدیهای دهها و صدها میلیونی توسط مسئولان، مرتبیبی و رایج است.

در زمینه اعتیاد و فحشا و بیگانه های ارتجاعی فوق العاده خانوادهاست. مطابق گزارش که "دایره بین انقلابی کنترل مواد مخدر" وابسته به سازمان ملل در سال ۶۳ انتشار داد، جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن جمعیت کشور از لحاظ مصرف و اشاعه مواد مخدر و اعتیاد در تمام کشورهای قزاق دارد. مطابق این گزارش حدود ۱/۸ میلیون نفر معتاد به تریاک در جمهوری اسلامی وجود دارد. تعداد واقعی معتادان بیش از این است و چند میلیون راسا مل می شود. بر این اساس مسئولان رژیم آمار معتادین در جمهوری اسلامی چندین برابر شده است و طی این مدت ۷۰ هزار قاچاقچی که فقط بخشی از این سوداگران مرگ و عوامل قریب خورده آنان است، بازداشت شده اند.

بیشتر اینها جوان هستند. این ارقام داغ تنگ انیدی بر چهره خلق هماران است.

رفقا!

سیاست خارجی رژیم نیز مانند سیاست داخلی آن یک سیاست ضد ملی و ضد مردمی است. جمهوری اسلامی مخالف صلح و همزیستی صلح آمیز میان کشورهای است. جهات اصلی مواضع و سیاست خارجی رژیم در رابطه با دنیا زهای جنگ و ادامه و گسترش آن تعیین می شود. هدف دیگر سیاست خارجی رژیم "دولت فقیه" به سایر کشورهای است. سیاست رژیم در مقابل افغانستان انقلابی در همان هنگی کامل با سیاست امپریالیسم آمریکا است. رژیم بی گوشه که در جنبش شرقیها هانه عراق تفرقه افکنده و نیروهای پیرو "ولایت فقیه" را بر این جنبش تحمیل کند. رژیم تلاشی می کند که کنترل جنبش شرقیخواهان مردم فلسطین و لبنان را از طریق مسلط کردن "حزب الله" بر آنها در دست گیرد. این اندیشه های عمیق ارتجاعی به تشنج اوضاع منطقه دا من زده و آنها بخش ارتجاع منطقه شده است. رژیم سیاست جلب دوستی شیوخ مرتجع عرب را در پیش گرفته و آماده همکاری با شورای امپریالیسم ساخته همگاری خلیج است. هدف این سیاست قطع حمایت شیوخ از مدام و کسب پیروزی در جنگ است. سیاست همدستی با ارتجاع ترکیه و پاکستان در چارچوب "آر سی سی دی" از مشخصات دیگر سیاست خارجی رژیم است که عملا در خدمت احیای محور ضد شوروی آنکارا - تهران - اسلام آباد قرار گرفته است. احیای این محور از اهداف استراتژیک امپریالیسم آمریکا در منطقه برای بازسازی خط محاصره اتحاد شوروی در جبهه شرقی ناخواست.

رژیم ولایت فقیه پس از تجدید و تحکیم روابط نواستعماری با انگلستان آلمان، ژاپن و ایالت لیا اکنون در پی جلب رضایت محافل امپریالیستی فرانسه و عادی کردن روابط با آمریکا است. محافل امپریالیستی در فرانسه و آمریکا نیز نمی خواهند از قلمای انگلیسی، آلمانی و ژاپنی خود عقب بنام تندروی خوش به رژیم نشانی دهند. خواست رژیم خمینی از دولت دست راستی فرانسه این است که در ازای یک میلیارد دلار به سلاح و متیازات دیگر، از حمایت یک جانبه رژیم عراق و مخالف یک جانبه با رژیم خمینی دست بردارد و حداقل در طرف اردادامه جنگ و سرکوب نیروهای ملی و دموکراتیک یاری دهد. رژیم به موازات سیاست نزدیکی به امپریالیسم جهانی، آزمشی ضد شوروی و ضد کمونیستی در سیاست خارجی پیروی می کند.

رژیم زیر پوشش "استکبار جهانی" و "و تر" دو ابر قدرت "غرب گرایی" و سوسیالیسم ستیزی خود را به اجرا می گذارد.

رژیم زیر پوشش "استکبار جهانی" و "و تر" دو ابر قدرت "غرب گرایی" و سوسیالیسم ستیزی خود را به اجرا می گذارد.

رژیم زیر پوشش "استکبار جهانی" و "و تر" دو ابر قدرت "غرب گرایی" و سوسیالیسم ستیزی خود را به اجرا می گذارد.

رژیم زیر پوشش "استکبار جهانی" و "و تر" دو ابر قدرت "غرب گرایی" و سوسیالیسم ستیزی خود را به اجرا می گذارد.

رژیم زیر پوشش "استکبار جهانی" و "و تر" دو ابر قدرت "غرب گرایی" و سوسیالیسم ستیزی خود را به اجرا می گذارد.

رژیم زیر پوشش "استکبار جهانی" و "و تر" دو ابر قدرت "غرب گرایی" و سوسیالیسم ستیزی خود را به اجرا می گذارد.

سیاست خارجی رژیم برخلاف منافع ومصلح ملی مردم ایران وبردمصلح
وامنیت منطقه است.

ماهیت و ترکیب حاکمیت جمهوری اسلامی و

ضرورت سرنگونی آن

رفقا!

واقعیات فوق و رویدادهای پس از پلنوم مهرماه ۶۳، درستی ارزیابی
آن پلنوم را از ماهیت ضد خلقی وضدموکراتیک وبغضایت ارتجاعی سیاست
وبرنامهریزی اثبات کرده است. در مرحله کنونی، دشمن عمده مردم ایران
بلحاظ سیاسی رژیم ولایت فقیه و زنجیره اجتماعی کلان سرما به داران و بسزورگ
مالکاتند.

مخیمه های ملی رژیم جمهوری اسلامی، یعنی تمرکز تمام اختیارات در
دست یک فرد بنام "ولی فقیه" ونفی حق مردم در تعیین سرنوشت خود، فقیه
انحصاری تمام مواضع قدرت در پستیهای حساب در دست آخوندها با ساختار سیاسی
دولتی قرون وسطایی، استبداد دخنین مذهبی، جنگ طلبی جنون آمیز،
ضدیت با منافع ملی، فرهنگ ستیزی وقسا دپروزی، پاسداری سبناغه از منافع

استثمارگران ودشمنی کینه توزانه با منافع کارگران وزحمتکشان، اعمال
خشن ترین نوع ستم بر پيروان سايبرندا هب وبر زنان، همه وهمه وشاننگس
آن است که این رژیم، رژیمي است بغضایت ارتجاعی، ضد خلقی وضدموکراتیک
که سد مانع عمده تکامل جامعه ماست. هر نوع تحول بنیادین وانقلابی
جامعه قبل از همه در گرو آن است که جمهوری اسلامی سرنگون شود و از سر راه
برداشته شود.

براین پایه بود که کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
در بیانیه مشترک با حزب توده ایران، تحت عنوان پیروزی دما رزه خلق
دوره سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، همه نیروهای ملی و دموکراتیک
کشور را به مبارزه ای متحد در راه سرنگونی جمهوری اسلامی فراخواند. امری
که از مدت ها پیش به نیا زمیرم جنبش انقلابی میهن ما مبدل شده بود.

رفقا!

تحلیل واقعیات وتجربه نشان می دهد که جمهوری اسلامی از لحاظ ماهیت
طبقاتی، رژیمي بورژوازی وانظرسکول حکومتی، رژیمي تشوکرانیک است.
این رژیم هنوز یک دست نیست و علی رغم وحدت همه جناح های آن در دفاع از منافع
روحانیت بمنا به یک قشرا جماعی، بلحاظ وابستگی طبقاتی مختلف روحانیون
به لایه های مختلف اجتماعی همچنان گرایشات متفاوتی واحمل می کند. گرایشات
وابسته به بورژوازی بزرگ، متوسط و کوچک و بزرگ مالکان در حکومت حضور
دارند. در این میان بورژوازی بزرگ تجاری که مهمترین پایگاه و طبقاتی
روحانیت است، نقش و وزن عمده را دارد. در جمهوری اسلامی بیش از همه منافع
روحانیت و بورژوازی تجاری تامین می شود.

مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه با مجموعه هیات حاکمه ای
است که اکنون قدرت حکومتی را به رهبری خمینی در دست دارد. اما این امر
به معنای عدم توجه به اختلافات وتضادها وجناح بندیهای درون حکومت
نیست. توجه به این تضادها واستفاده از آنها برای گسترش مبارزه، امری
لازم وفرو راست. بعلاوه باید توجه داشت که رژیم ولایت فقیه، وانظرسر
ساختار دولتی رژیمي است غیر منسجم، نامگون وسراپا تضاد. در این رژیم
دوگانگی وجدگانگی نهادی دولتی وتضاد نهادی با یکدیگر تمام باختلافات
شخصی ودسته بندیهای متعدد که حول منافع گروهی شکل گرفته، مانع
از عملکرد همگون دستگاه دولتی است. در عین حال تضادها دوشکار رژیم
ولایت فقیه با الزامات ونیازهای رشد و تکامل اقتصادی، اجتماعی جانیسه
ما وضدیت با خواستها ومنافع توده های خلق که به بحران اقتصادی-اجتماعی
حادی منجر شده است، روی تضاد های درون حکومت تا شرمای گذار د ر دویه آن

دامن می زند.
با این حال باید تا حدی که در منشأ اصلی تضاد های جناح های درون حکومت،
وجود گرایشات متضاد و طبقاتی مختلف بورژوازی در آن است. زیرا تا شیرا این
گرایشات، بگونه ای با رز در زمینه مسایل مربوط به سیاست های اقتصادی
دولت جنگونی تقسیم قدرت وبرخی جهات دیگر، دوجناح در حکومت شکل
گرفته است. وحدت این دوجناح در حفظ نظام بهره کشی و ستم موجودیست
رژیم ولایت فقیه وتحکیم آن، در کمونیسم ستیزی، شوری ستم ستیزی و
توده ستیزی وجنگ طلبی است. در این عرصه آنها موضع یکسان و بیا نزد یک
به هم دارند و تحت رهبری خمینی متحد عمل می کنند. هر دوجناح می گویند
نیازها وشکل های اجتماعی، مذهبی ودولتی را در اختیار خود بگیرند. در
یک جناح، علی رغم تضاد و مخور گرایشات نامگون وتا کید بر منافع روحانیت،
نظریات وتما یلات بورژوازی بزرگ تجاری بیشتر منعکس می شود. بورژوازی
بزرگ تجاری ایران به مرحله ای از تمرکز سرمایه وشروط رسیده است که فضای
بازتری را برای گسترش سرمایه و کسب سود های کلان خود می جوید. بر این
پایه بورژوازی بزرگ تجاری می گوید هرگونه مانعی از سر راه تمرکز و اثبات
سرمایه و مالکیت بر زمین و وسایل تولید برده شده است. لذا "مروعیست"
سرمایه انحصاری را نیز طلب می کند. این بورژوازی، انحصار وتوزیع برخی
ارکالهای موروثی را در دست دارد و آن را از جمله باپوشش "تعاونی کنترول"
می کند. این جریان هرگونه کنترول دولتی اقتصاد، قیمت گذاری، مالیات
وسرمایه گذاری دولتی و از این قبیل را رد می کند و "غیر رسمی" می شناسد.
این نیروها خواهان انتقال کامل بازرگانی خارجی ومالکیت واحده های
بزرگ تولیدی سود آور دولتی یا تحت مدیریت و کنترول دولت به بخش خصوصی
است و از منافع بورژوازی بزرگ مالکان بظور کلی دفاعی کند.
آیت الله خمینی در کشاکش های میان دوجناح حکومتی همچون گذشته با
تکیه روی موازین اسلام وشعار نه شرقی، نه غربی به ما نوسرمایسی میان
آنها آمده می دهد. نقش ویژه وی آن است که برای حفظ وحدت جناح های
حاکمیت وتامین نیروی کافی برای دفاع از جمهوری اسلامی تلاش می کند
ما فوق تضادها وجناح بندیهای هیات حاکمه قرار گیرد. ما نیروهای خمینی
در خدمت تحکیم مواضع روحانیت قرار داد و دوماض بزرگ مالکان و کلان
سرمایه داران را تقویت می کند.

در طی سالهای ۶۲ و ۶۳ با قرار مین خمینی در انتقال بیشتر مالکیت موسسات
تولیدی و خدماتی وشرکتها وزمینهای دولتی و بیا تحت نظر دولت به بخش
سرمایه داران بزرگ تجاری و تجار، سیاست این جناح در این عرصه با سرعت بیشتری
از گذشته پیش رفت. مطابق فرمان مرداد ۶۳ "بنیاد مستضعفان" موظف شد
کارخانه ها، شرکتهای و املاک خود را به بخش خصوصی منتقل کند. این بنیاد

۱۵٪ صنایع کشور، یعنی ۵۲۵۰ کارخانه ومعدن، ۲۰ هزار مستغلات، صد ها
شرکت ساختمانی وبازرگانی، ۹ شرکت هواپیمایی و ۷۰۰ میلیارد تومان
زمین در اختیار دارد. در پی دستور ۴ پروژا و وزارت صنایع واکنش داری
واحدهای صادره شده را آغاز کرد. در ۶۳ طرح واگذاری شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران به بخش خصوصی زیر پوشش تعاونی، در کمیسیون مجلس
تصویب شد. در ۲۹ بهمن ۶۳ دولت دستور داد، بانک صنعت ومعدن واحدهای
تحت مسئولیت خود را منتقل نماید. اکنون واگذاری معادن کشور، موسسات
آموزشی، ادارا شهرداریها وغیره در دست بررسی است. این فاکتها پیشرفت
بیشتر سیاست این جناح در عرصه مسایل مربوط به مالکیت زمین و وسایل
تولید و موسسات خدماتی را مدلل می سازد.

در جناح دیگر حکومت نیروهای هستند که در نظرات وسیاست های اقتصادی
آنان علاوه بر تا کید بر منافع روحانیت، منافع بخشهای وسیع تری از
بورژوازی، از جمله منافع اقشار پایین تر بورژوازی که کاهش نقش دولت در
کنترول اقتصاد کشور را به نیا ن منافع خود تشخیص می دهند. انعکاس می یابد.
نیروهای که در رأس این جناح قرار دارند با رشد و تان منافع سرمایه داری
بزرگ خصوصی مخالف نیستند و از جای بزرگ همه سرمایه داران بزرگ دعوت
می کنند که در تولید سرمایه گذاری در این عرصه فعالیت کنند. اما با سرمایه
سرمایه انحصاری، با تمرکز و تراکم مالکیت زمین و وسایل عمده تولید و نیز
گسترش آن در توزیع مخالفت می کنند. سیاست های برخی سختگویان این
جریان در طی سالهای پس از انقلاب کمک کرده چندین هزار واحد تولیدی
کوچک با سرمایه متوسط ۵ میلیون تومان و با حداکثر ۱۵ نفر ایجا د شود.

تضادین دوجناح ازکا شونهای تشدید بحران سیاسی در هیات حاکمه
محسوب می گردد. هر زمان که این تضادها تشدید و سطح جامعه انعکاس یافته،
بر فعالیت انقلابی، اعتراضی ومطالباتی توده ها، بر افزایش امکانات
برای فعالیت سازمانهای انقلابی و در جهت گسترش آنها اثر کرده است.
گسترش جنبش انقلابی وتوده های مردم نیز در تشدید این تضاد، نقش موثر داشته
است و در آینده نیز در زرفش آن تا شیرا هدیه کرد. قدر مسلم این است که گسترش
این تضاد وحدت آن، در چگونگی وضعیت سیاسی کشور در سطح فعالیت سیاسی
ومطالباتی نیروها نقش فعال ایفا می کند. عملکرد در این
تضادها نیز از رهجهت مورد توجه کمونیست های کشور ما قرار گیرد. ممکن است که
روند گسترش این تضادها بحرانهای کم با برده مانده سیاسی همراه شود. سازمان
ما می گویند که از آنها در جهت تقویت مواضع نیروهای انقلابی وتسریم
سرنگونی رژیم بهره برداری کند.

رفقا!

هرگاه مساله سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وانتقال قدرت به خلق مطرح
شود، لزوما باید راه تحقق آن در مرکز توجه قرار گیرد. مردم ایران وبازمان
ما خواستار رحل مسالمت آمیز تضاد های جامعه وتحقق مسالمت آمیز انقلابیست.
ولی رژیم جمهوری اسلامی امکان تحول مسالمت آمیز را از میان برده است.
رژیم مکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهرآمیز سلب کرده است. از اینرو
تنها راه خلق برای بدست گرفتن قدرت سیاسی، اعمال قهر انقلابی است.
سازمان ما وظیفه خود می داند که طبقه کارگر و همه مردم ایران را برای مبارزه
سلاحانه جهت سرنگونی رژیم آماده سازد. علاوه بر آن سازمان
ما وظیفه خود می شناسد که ارگانهای هر رژیم را از درون فتح سازد ونیروی
های مسلح رژیم، با یگانگی ونیرومندی پدید آورده موازات آن سازمان
درجه داران ضد جنگ، آزاده ومیهن پرست را، حول اجرای خط مشی خود گرد آورد
وسازمان دهد.

این تحلیل بهیچ وجه نافی اهمیت اشکال مسالمت آمیز مبارزه نیست.
به ویژه در وضع فعلی جنبش توده ای، می توان و باید در مبارزه علیه رژیم،
همه شیوه های مسالمت آمیز وغیر مسالمت آمیز را بکار گرفت.

آرایش سیاسی نیروهای اپوزیسیون وسیاست ما

رفقا!

اکنون نیروهای که در مقابل حاکمیت جمهوری اسلامی قرار گرفته و
در صحنه سیاسی کشور فعالند، متعدد ومتفاوت هستند. اثرات فعالیت این
نیروها بر اوضاع سیاسی کشور یکسان نیست. برخی نیز تا شیرا چیز بر سر
رویدادها دارند. مجموعه نیروهای اپوزیسیون نظریه ما هیت طبقا تی وتولای
که هر یک در اوضاع کشور و حاکمیت سیاسی طلب می کنند به جریان های مختلف
تقسیم می شوند:

یک گروه سلطنت طلبان هستند. این جریان حول مثلث پهلوی - بختیار -
امینی متشکل شده و رهبری می شوند. هدف آنها بازگرداندن رژیم سابق
بجای حکومت فعلی است. بر تان آنها احیای سلطه سرمایه داران بزرگ
وابسته به امپریالیسم آمریکا، احیای کامل مواضع امپریالیسم جهانی
واحیای دوباره شکل سلطنتی حکومت است. آنها برای استقرار مجدداً آن
رژیمی مبارزه می کنند که انقلاب بزرگ بهمین پایه به نیا ن تاریخ افکند.
بهمین دلیل برنامه و خط مشی آنها ارتجاعی وهمه تلاش های آنها نیز از موضع
ارتجاعی است. این جریان از حمایت همه جانبه امپریالیسم آمریکا
ومتحدین آن برخوردار است و توسط آنها تقویت می شود. سلطنت طلبان
یک جریان وابسته به امپریالیسم هستند.

این جریان از امکانات درون رژیم خمینی تغذیه می کند وسود می جوید و
تلاش می کند در درون نیروهای مسلح، افسران سلطنت طلب را متشکل کند.
علاوه بر آن تلاش می کند که با تکیه بر نفوذ پارهای خانها وفئودالهای
منطقه عشایری، از نیروهای عشایر بهره گیرد. جنایت بنیاد رخمینی، بنسبه
استمابه عشایری های این جریان علیه انقلاب بهمین تبدیل شده است.
این جریان دشمن مردم است و بیا یید به موازات رژیم تبهکار رخمینی در تمام
جهات علیه این دشمنان شناخته شده خلق نیز پیگیرانه نبرد کرد.

جریان بورژوازی - لیبرال گروه دیگر اپوزیسیون است. در طیف
آنان، هم گروهی و مذهبی وهم گروهی غیر مذهبی وجود دارند. سازمان
در مقابل بورژوازی لیبرال از خط مشی افشاء وانفرا دان از جنبش انقلابی
مردم ایران پیروی می کند.

در شرایط کنونی جریان "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان در پیشاپیش
نیروهای قرار گرفته است که تحول بورژوازی - لیبرالی در حکومت را دنبال
می کند. برنامه "نهضت آزادی" حفظ نظام سرمایه داری ایران، هموار سازی
گردن راه رشد ونیوبرقاری روابط "مستانه" با امپریالیسم جهانی
به سرگردگی آمریکا است. "نهضت آزادی" برای اجرای این برنامه انجام
تغییراتی در حکومت وسیاست آن را با استفاده از روش های قانونی
تقینه در صفحه ۱۱



درباره سیاست و برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سالهای ۶۱-۱۳۵۷

مصوب پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

آرایش نیروهای سیاسی در سالهای پیش از انقلاب

طی دهه های ۴۰ و ۵۰ کشور ما ایران با گامهای شتابان درجه ساد ه بر ما به داری پیش رفت . نو سازی بورژوازی جا معه با فشار رزوا زب سالا صورت می گرفت وبا تخریب ساختارهای سنتی اقتصاد توام بود اوقتا دکشور زاد رزوازی منافع بورژوازی بزرگ وابسته ونیا زهای انحصارات انبریا - لیستی ، بویژه امپریالیسم آمریکا سازمان می داد . در اثر این تحولات ، علیرغم حفظ بقایای فئودالیسم در روستا ، شیوه تولید سرمایه داری به شیوه تولیدی غالب در جا معه تبدیل شد . این تحولات در مواضع وموقعیت سیاسی نیروها تا شرمین بر جای گذاشت . بران جبهه ملی که با سیاست سازشکارانه خود موجبات شکست نهضت استقلال طلبانه مردم وغلبه کودتای ۲۸ مرداد را بدید ایدند ، بنیاد ز پیش در میان مردم به انزوا کشا نده شدند . آنها نشان دادند که قبل از هر چیز آماده سازش با رژیم شاه وامپریالیسم آمریکا هستند . ناتوانی خود را در پرا سنجگویی به مطالبات جنبش ملی - دموکراتیک ایران بیش از پیش آشکار می ساختند .

در میان احزاب وابسته به اقتدار متوسط بورژوازی ایران ، "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان که در میان لایه های با اقل ر متوسط شهری نیز تا حدی نفوذ داشت ، با سیاسی بارز مذهبی ومشرطه طلبی "خانه نشینی" و "تسلیم ورما" در مقابل رژیم شاه را توصیه می کرد . رهبری "نهضت آزادی" منافع لایه های انبرژوازی ملی ایران را منعکس می کرد که در هر اس از مبارزه کارگران ، دهقانان وزحمتکشان ، هر لحظه آماده بود با رژیم شاه وامپریالیسم به زدوبند بنشینند .

تشدید سیاستی ونا برابری های اجتماعی واقصا دی ورشدتفا ده های طبقاتی در اوایل دهه ۴۰ ، شکاف میان رهبران "نهضت آزادی" و فعالین جوان آن را که به خرده بورژوازی شهری تعلق داشتند ، عمیق تر کرد . در پروسه شکل گیری وتعمیق همین شکاف بود که " سازمان مجاهدین خلق ایران" با ایدئولوژی اسلامی وباسیما ی یک نیروی دمکرات انقلابی سر بر افراشت . در آستانه عیاشان ۱۵ خرداد ۴۲ ، آیت الله خمینی نیز در اس جناحی از رزوازیون ، از موضع مخالفت با روند نو سازی بورژوازی کشور ، مخالفت با اصلاحات ارضی وبرابری بورژوازی حقوق زنان با مردان ، و در مخالفت با مداخلات امپریالیسم آمریکا ، به مبارزه بسا اقدامات شاه روی آورد . خمینی نو سازی بورژوازی جا معه ونفی ساختارهای اجتماعی - اقتصادی وفرهنگی سنتی را عاقل مستقیم نا بودی اسلام وروحانیت می دانست .

در جریان اصلاحات بورژوازی شاه به بسیاری از منافع روحانیت فریبسه وارد آمد ، از آن جمله مالکیت بزرگ وقتی نیز اما ج تعرض شاه قرار گرفت . بدین ترتیب به یکی از مهمترین ارکان قدرت وثروت مراجع بزرگ شیعه ضربه جدی وارد آمد . نفوذ سرمایه داری در اقصی نقاط کشور ، گسترش فرهنگ سرمایه داری وغربگرا ، پایه های معتقدات سنتی مذهبی مردم را سست می کرد و اعتبار مذهبی واجتماعی روحانیون را کاهش می داد . این امر بخش بزرگی از روحانیت شیعه را به مخالفت با شاه برمی انگیزت . خمینی قبیل از هر چیز بر اعتراض این نیروها به کف گرفت .

خمینی به مثابه یک " مرجع تقلید" و یک رهبر سیاسی ، قبیل از هر چیز بظهور بلاواسطه مدافع روحانیت به مثابه یک قشرا اجتماع بود . خمینی اندیشه بردار حکومت اسلامی و " ولایت فقیه " بود و قبیل از هر چیز برای اجرای احکام اسلام وبرقراری حکومت شوکرا تیک روحانیت شیعه مبارزه می کرد . حکومت شوکرا تیک وسیله ای برای اسلامی کردن حیات اجتماعی وتامیسن منافع خاص روحانیت بود .

در هر ، با زارد رراس آن تجار نیز که مهمترین پشتیبان وپایگاه و مرمعناش روحانیت بودند ، در مقابل با شرایط جدید که به منافع ومواضع آنها ضربه می زد ، به مبارزه علیه شاه برخاستند .

بورژوازی تجاری با بازار ، هم با بخش دولتی در اقتصاد دوما دخله وایفای نقش آن خصوصا در امر تجارت مخالف بود ، وهم با گروه بندی های انحصاری در بخش خصوصی ، اوبرای تامین شرایطی مبارزه می کرد که تمام بسا زار داخلی را به انحصار خود در آورد و خود را در گنجه اصلی کالاهای امپریالیستی بسا زد .

خرده بورژوازی سنتی که یکی از پر شمارترین پایگاه های اجتماعی روحانیت و پشتیبان و مرمعناش آن بودند نیز در شرایط جدید اما ج بیکه تسازی بورژوازی وابسته وکارگران رژیم شاه بود و مبارزه خود علیه رژیم شاه را گسترش می داد .

مالکین پایگاه اجتماعی دیگر روحانیت پیرو خمینی بودند . بر این پایه روحانیت به رهبری خمینی در مبارزه علیه شاه با این نیروها که حکمترین پیوندها را با آنها داشت مینمود و منافع وتما یلات آنان را منعکس می کرد . خمینی و رای طبقات قرار داشت ، اما به ما نورهایی برای قرار دادن خود در راری طبقات معرفتی خویش به عنوان " رهبر امت" دست می زد . همچنین خمینی به مثابه یک " مرجع تقلید" وباسا استفاده از موقعیت مذهبی خود با تکیه بر مذهب نفوذ سیاسی خویش را در میان اقلشار وطبقات مختلف جا معه گسترش می داد .

روحانیت به رهبری خمینی در جریان رشد و گسترش جنبش ، موفق شده علاوه بر بورژوازی تجاری و خرده بورژوازی سنتی طیف وسیعی از نیروها را به سوی خود جلب کند و در اس مبارزات مردم علیه رژیم وابسته شاه قرار گیرد .

روحانیت به رهبری خمینی این مبارزه را با ابرما نخواهی ارتجاعی و برای استقرار یک رژیم سیاسی ارتجاعی می هدایت می کرد . لیکن علیرغم این آرمانها به توبه خود نیز تا شرمین زرات توده ها قرار گرفته ، با مبارزات ضد - سلطنتی و ضد امپریالیستی مردم همومی گشت و در پروسه مبارزه بسا برای سرنگونی رژیم وابسته شاه تلاش های ارتجاعی آن به وجه غیر عمده مبدل می شد .

در میان پیروان خمینی نیروهای زیر عنوان " عدالت اسلامی" خواهان برخی اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در چارچوب سرمایه داری بودند . عملکرد برنا ما اقتصاد تجار با زارد پیرو خمینی قبل از انقلاب خلعت محافظه کارانسه وبعد از انقلاب خلعت ارتجاعی داشت . ایدئولوژی روحانیت به رهبری خمینی وحکومت مطلوب آن ، دروجه اقتصاد در خدمت برنا ما اقتصاد بورژوازی قرار می گرفت . این ایدئولوژی وکلا " ولایت فقیه " هرگز نمی توانست در خدمت تحقق یک برنا ما اقتصاد مترقی قرار گیرد .

در همین سالها که حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگران ایران ، زیر امواج سهمگین ترین توطئه ها وفشارهای رژیم دیکتاتور شاه وعوامل امپریالیسم قرار داشت و از بحران شدیدی رنج می برد ، می کوشید برای پاسخگویی " به وظایف انقلابی خود سازمانهای حزبی اش را که پس از کودتای ۲۸ مرداد در دسترس قرار گرفته بودند ، در اختیار رژیم اغلب متلاشی شده بودند ، با سازی کند .

جریان مارکسیستی - لنینیستی فدائیان خلق ایران طی همین سالها ، در شرایطی که جنبش کمونیستی ایران از تداوم بحران همه جا نیه ای رنج می برد ، تشکیل شد و با هدف تحقق آرمان طبقه کارگر ، مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم وابسته شاه را آغاز کرد .

رژیم شاه در هر اس از اعتدالی روحیه انقلابی مردم ، سیاست سرکوب خونین و قلع و قمع کمونیست ها و نیروهای انقلابی و دموکرات را پی می گرفت ، در حالی که سیاست رژیم در قبال روحانیت طرفدار خمینی ومخالف بورژوا - لیبرال بهیچوجه متوجه سرکوب ونا بودی آنها نبود .

دیکتاتوری شاه مانع سیاسی عمده پیشرفت وتکامل جنبش واز میسان برداشتن رژیم سلطنتی وابسته شرط مقدم حرکت جامعه در راه استقلال دمکراسی ، پیشرفت اجتماعی وسوسیالیسم بود . جنبش توده ای نیرومند ضد دیکتاتوری که از سال ۵۴ روه با اعتلا گذارد ، به سرعت شکل گرفت و بسا نیروی شوکری گسترش یافت و اثبات نمود که در آن مرحله از انقلاب ، دشمن عمده به لحاظ سیاسی رژیم دیکتاتور شاه ، واز نقطه نظر اجتماعی بزرگ مالکان وابسته و بورژوازی بزرگ وابسته ایران ، که انحصارات متعلق به خاندان پهلوی وچنده خاندانوار سرمایه داری بزرگ ایران هسته اصلی آنرا تشکیل می داد و سرمایه های امپریالیستی شوکرا تان بود .

در چنین شرایطی خمینی برای گردآوری قوا وخیز برداشت ، در جریان گسترش و اوج گیری جنبش انقلابی و روند سرنگونی رژیم شاه ، روحانیت به رهبری خمینی با بسیج همه امکانات عینی وذهنی خود با استفاده از تفرقه وضعف نیروهای چپ ، در رهبری انقلاب قرار گرفت و بدین ترتیب آلترنا تیبو رژیم شاه عملا شکل گرفت .

سیاست کمونیست ها نسبت به روحانیت به رهبری خمینی

* سیاست کمونیست ها نسبت به روحانیت به رهبری خمینی لزوما می با یست خود نمایی می کرد ، تنظیم می گشت . روحانیت به رهبری خمینی این سروسر برای انحصار رهبری جنبش و اسلامی کردن آن و از سوی دیگر علیه رژیم شاه وسلطه امپریالیسم در کشور مبارزه می کرد . مبارزه روحانیت آنجا که به مثابه یک قشربرای منافع خاص خود عمل کرد ، فاقد خلعت مترقی ودموکراتیک بود ، اما آنجا که همسوبا جنبش حرکت می نمود و در مقام رهبری سیاسی مبارزات مردم برای سرنگونی رژیم شاه و برانداختن سلطه امپریالیسم عمل می کرد ، مبارزه اش مترقی بود و بر این پایه متحد موقت ما محسوب می شد .

در این دوره سازمان ما ضمن حمایت از مبارزات جریان به رهبری خمینی علیه شاه وسلطه امپریالیسم ومبارزه در راه جلب آن به اتحاد بسا نیروهای چپ ودموکراتیک ونقشه ها و اندیشه های ارتجاعی آن را بمنظور جذب پایگاه توده ای آن وثقویت نفوذ خود در جنبش پیگیرانه افشا می کرد . در آستانه انقلاب بهمین ، هنگامی که روحانیت به رهبری خمینی ، عملا به آلترنا تیبورژیم شاه مبدل شد ، شمار تا کتیکی ما می با یست تشکیل دولت موقت انقلابی با شرکت همه نیروهای سرنگون کننده رژیم شاه می بود . این دولت می با یست شرایط دموکراتیک را برای همه نیروهای انقلابی جهت شرکت در انتخابات مجلس موسسان فراهم می کرد و ما اجرای برنا ما محدا قصل خود را از آن مطالبه می کردیم .

از پیروزی قیام تا تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی

* انقلاب ۲۲ بهمن از نظر سمت اصلی حرکت یک انقلاب فئودالیت بود و ستیاده و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیع ترین اقشار خلق ، اشکال مبارزه وخواست های مبتنی بر تامین عدالت اجتماعی ، یک انقلاب طبقه ای بود . با پیروزی قیام وسرنگونی رژیم سلطنتی ، قدرت سیاسی به روحانیت به رهبری خمینی انتقال یافت . خمینی با شرکت دادن " نهضت آزادی" و گروهی دیگری از لیبرالها ، دولت موقت را تشکیل داد . بدین ترتیب روحانیت حاکم همه سازمانهای انقلابی کشور را که در گسترش و پیروزی انقلاب نقش جدی داشتند ، و تنها مشوق خلق به قیام مسلحانه بودند ، از شرکت در قدرت محروم کرد .

در حکومت جدید روحانیت حاکم به رهبری خمینی قبل از همه برای تامین منافع روحانیت به مثابه یک قشرا اجتماع می مبارزه می کرد . این روحانیت در عین حال منافع طبقاتی بورژوازی تجاری با بازار ، خرده بورژوازی سنتی وما لکان ارضی را منعکس می کرد و حاکم گرایش های متفوت این نیروها بود وبیشترین پیوندها را با آنان داشت . در عین حال در حکومت جدید نیروهای نیز وجود داشتند که منافع لایه های انبرژوازی متوسط وکوچک صنعتی

از نما بندگی و منعکس می کردند. ما هیت و سمت گیری حکومت جدید بورژوازی بود. این حکومت در عین تأمین منافع نیروهای طبقاتی حاکم، بیش از همه در خدمت سرمایه داران بازار قرار می گرفت و در پی استقرار ولایت فقیه بود، لذا انقلاب را با شکست روبروی ساخت.

خمینی و روحانیت پیرو او از فراتر رفتن انقلاب از براندازی سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم و اقدامات فساد نما ری هراسان بودند. آنها از همان فردای پیروزی انقلاب با دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی به مخالفت برخاستند و جهت انفرادی نیروهای انقلابی، بویژه فدائیان خلق هیئت فرستی را از دست ندادند و برای قبضه همه قدرت بدست خود و استقرار رژیم تشوکراتیک و "جامعه اسلامی" علیرغم آنکه تعادل قوا در جامعه استقرار فوری آنرا نمی داد، دست بکار شدند. بورژوازی لیبرال خواهان قطع تشریح انقلاب به مواضع ارتجاع سرنگون شده و طرفداران رژیم امپریالیسم آمریکا بود. این جریان برای بازگشت انقلاب و برپا برداشتن دستاوردهای آن تلاش می کرد. در عین حال با قبضه همه قدرت توسط روحانیت به رهبری خمینی مخالفت می کرد.

با پیروزی انقلاب بهمن هدف استراتژیک ما در مرحله انقلاب ملی - دموکراتیک مردم ایران تحقق نیافت. و به قوت خود باقی ماند. سیاست درست در این راستا نیز همچنان مبارزه در راه بسیج توده های خلق تحت رهبری خودمبارزه در راه اتحاد نیروهای چپ و دموکراتیک و گسترش آن به اتحاد همه نیروهای خلق و تأمین هژمونی طبقه کارگر در آن و انتقال قدرت به این آلترناتیو بود.

سازمان ما بر پایه برنامه هژمونی خود، خواستار تشکیل شورای انقلاب ایران از زور و کینه ها و کانونهای اعتراضات مردم و انجمن های کدخدو برای کنترل امور موجود و برپا آمدن و متشکل از نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهروستا، کارمندان، بازاریان، دانشگایان و فرهنگیان روحانیون و روشنفکران بود. این شورا بود که صلاحیت داشت "دولت موقت" را تعیین کند. سازمان ما طلب می کرد که عاجلا سلطه امپریالیسم داخلی آن در همه عرصه ها نباشد. همه مستشاران نظامی امپریالیسم اخراج و بیستای ایستادگاری لغو گردد. اموال دربار و رفاکاران وابسته به آنها و سرمایه های امپریالیستی و شرکای آنها در همه عرصه ها مصادره شود، با نگاه ملی گردند و ملاحظات ارضی دموکراتیک انجام گیرد. سازمان ما خواستار دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی کشور بود و در این راه پیگیری کرد.

با پیروزی انقلاب و انتقال قدرت سیاسی به حکومت جدید، نظریه نقش توده های قیام کننده، حضور فعال سازمانهای فدا مپریالیست و مردمی که در گسترش جوش انقلابی در جامعه و اعمال فشار از بیابان نقش جدی داشتند و وجود بخشی از نیروهای پیرو خمینی در حکومت که خواهان برخی اصلاحات اجتماعی و سیاسی در چارچوب سرمایه داری بودند، تعرض انقلاب به مواضع امپریالیسم و ارتجاع سرنگون شده ادامه یافت.

سازمان ما آنجا که برای ما ورنه نبود که حکومت خمینی می توانست خواستهای اساسی توده های قیام کننده را برآورده سازد، پشتیبان حکومت خمینی نبود. این سیاست درست بود. اما سازمان ما نمی توانست پشتیبان آنرا اقدامات حکومت جدید در خلق بدو سرمایه داران بزرگ و وابسته و براندازی مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم توده نشانی می داد. در این دوره سازمان ما در برابر اقدامات ضد دموکراتیک رژیم می ایستاد و عملکردهای ارتجاعی و سرکوبگرانه خمینی و روحانیت پیرو او را قاطعانه افشا و با آنها مقابله می کرد. در این دوره فعالیت سازمان ما اساسا بر دموکراتیزم پیگیر، بر اقدام مستقل توده ای متکی بود و از شوراهای مستقل توده های پیگیرانه دفاع می کرد. ما تنها سازمان سیاسی سراسر کشور بودیم که چنین تاکتیکی را بکار می بستیم. سازمان ندهی اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صرفا نمونه درخشان و افتخار آفرین این جنبه از فعالیت سازمان ما است. سازمان ما در مقابله با یورش رژیم به کردستان با سیاست جلوگیری از جنگ سرکوب شوونیستی جمهوری اسلامی را بدستی محکوم می کرد و از مظلومانه عادلانه خلق کردستانی برخوردار و قاطعانه دفاع می نمود.

در فروردین سال ۵۸ "جمهوری اسلامی" به فراتر دوم گذاشته شد. خمینی از مردم می خواست که بگویند "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیش" پیدا بود که منظور او برپا داشتن گام مستقیم در راه استقرار ولایت فقیه و اسلامی کردن همه عرصه های حیات سیاسی و اجتماعی کشور است. سازمان ما به درستی به "جمهوری اسلامی" رای نداد.

در تیرماه ۵۸ خمینی وعده تشکیل مجلس موسسان را که قبلا داده بود پس گرفت و مجلس خبرگان را که اختراع کرده بود بجای آن نشاند. علیرغم اعتراض شدید نیروهای انقلابی به این جایگزینی ارتجاعی، در مردادماه ۵۸ انتخابات مجلس خبرگان برای تدوین و تصویب قانون اساسی برگزار گردید. ما تاکتیک شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" را برگزیدیم. این تاکتیک درست به سازمان ما امکان می داد تا بطور موثر اصل ولایت فقیه و وضیات ارتجاعی هیات حاکمه در جایگزینی "مجلس خبرگان" بجای مجلس موسسان را افشا کند.

با اشلال سفارت آمریکا احساسات ضد آمریکا بی مردم که قبلا در حال گسترش بود تشدید شد و بر این زمینه شعار مرگ بر آمریکا به شعار روز مردم تبدیل گردید. اما خمینی و روحانیت پیرو او آشکارا می کوشیدند که با طرح شعارهای ضد آمریکا بی مردم مبارزه فدا مپریالیستی مردم قرار گیرند و این مبارزه را در چارچوب تضاد حکومت و دولت آمریکا محدود کنند و آنرا در جهت تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی منحرف سازند. در این شرایط سازمان ما می کوشیدیم با افشای اهداف روحانیت در تصویب اصل "ولایت فقیه" و وضی پستی بیانی از اقدامات افشاگرانه "دانشجویان" مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را با بسیج هر چه بیشتر خلق حول شعار مرگ بر آمریکا گسترش دهد. روحانیت حاکم با استفاده از بیگانگی و حسادت شده از جای گروگان نگیری و فراتر دوم قانون اساسی را برگزارد کرد. سازمان ما از شرکت در فراتر دوم امتناع کرد و طی بیانیه ای اعلام نمود:

"در قانون اساسی حق حاکمیت توده ها آشکارا برپا شده است... قانون اساسی با تصویب "ولایت فقیه" حق حاکمیت را به انحصار فقها در آورده است. بیانیته سازمان را دعوت مردم به امتناع از شرکت در فراتر دوم قانون اساسی اولی بود. بدین ترتیب سازمان قانون اساسی جمهوری اسلامی را مورد تأیید قرار نداد. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی رژیم تشوکراتیک پایه قانونی یافت و استبداد مذهبی رسمی گردید."

در آغاز اجرای گروگان گیری و مقابله روحانیت حاکم با توطئه های امپریالیسم آمریکا و فدا انقلاب شکست خورده به منظور حفظ و تحکیم حکومت خود و استقرار رژیم تشوکراتیک، این توطئه ها در سازمان مطرح شد که گویا "دگمها" روحانیت حاکم (یعنی اعتقاد روحانیت به "ولایت فقیه") به سود "منافع واقعی خرده بورژوازی" می شنند. این توطئه ها با تعصبات و تعصب کهنه بورژوازی رژیم تشوکراتیک بود، شدت تضاد داشت و نیز فاقد پایه علمی و اصولی بود.

در این دوره سازمان در گزینش اشکال مبارزه و تاکتیکها، نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی خمینی بر توده های مسلمان و توهم آنان نسبت به مواجید و اراکه فروریختن آن به گذشت زمان و تجربه آنان بستگی می یافت، و بجای ارت دیگر تسلسل قوای موجود را کمتر مورد توجه قرار می داد و در این رابطه به چپ روی دچار می شد. این امر از وجود گرایشهای سکتاریستی در سازمان ناشی می شد. مصوبات نخستین بلنوم وسیع سازمان در مهرماه ۵۸ پیروزی تازه ای علیه سکتاریسم بود. پیروزی بلنوم در تضعیف سکتاریسم بچرم مارکسیسم - لنینیسم را برقرار سازمان ما با زهم افراشته تریه احتزاز در آورد. و راه انحطاط سازمان در مسایل تاکتیکی و اشکال مبارزه را در مراحل بعدی مبارزه گشود.

در این دوره سازمان لیبرالها را افشا و منفرد می کرد و بمنظور گشودن راه پیشروی انقلاب بهمن می بایست شعارهای مجلس موسسان، حفظ آزادی و حقوق دموکراتیک مردم را بتدریج برجسته می کرد و سیاست اصلی مبارزه خود را متوجه حفظ دموکراسی در برابر سرکوب رژیم، مقابله با حرکت روحانیت برای استقرار رژیم تشوکراتیک و افشای نمایندگان تجار در حکومت و دفاع خمینی از آنان می نمود. در این راستا سازمان می بایست در راه شکل دادن اتحاد های ضروری مبارزه می کرد و قانونی بودن فعالیت خود را بر رژیم تحمیل می نمود و با بلرغ مناسب می کوشید توده های خلق را از زیر نفوذ رهبری خمینی خارج کرده تحت رهبری خود قرار دهد.

از تصویب قانون اساسی تا استقرار کامل رژیم تشوکراتیک

زمستان سال ۵۸، کشور محنه کار را زار گسترده ای برای انتخاب نخستین رئیس جمهوری اسلامی بود. سازمان ما می کوشید تا اتحاد نیروهای چپ و ترقیخواه کشور را در یک ائتلاف انتخابی شکل بخشد. این موضع گیری اصولی از اهمیت استراتژیک برخوردار بود. زیرا برای نخستین بار مفهوم تشکیل آلترناتیو چپ و دموکراتیک از جانب سازمان ما مورد تأکید قرار گرفت.

در اسفند سال ۵۸ انتخابات نخستین دوره نمایندگان مجلس شورای ملی برگزار گردید. ما بدرستی تاکتیک شرکت در انتخابات را بمنظور تسهیل "جنبه و احداث نیروهای فدا مپریالیست و مترقی" برگزیدیم.

جمهوری اسلامی پس از فراغت از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، در اردیبهشت ۵۹ یورش به دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی کشور را سازمان داد. این یورش زیر پرچم "انقلاب فرهنگی" توسط حزب جمهوری اسلامی رهبری می شد. و هدف آن مقابله با گسترش نفوذ نیروهای چپ و دموکراتیک کشور و تعطیل دانشگاهها با هدف اجرای نقشه اسلامی کردن همه دانشگاهها و مدارس عالی بود. همزمان با یورش به دانشگاهها و تعطیل آنها جنگ در کردستان را ایفا فاجعه باری یافت. خمینی که بدنبال تسخیر سفارت طوسی ما نوری در آبان ماه ۵۸، به خلق کرده عده داده بود که به مطالبات وی پاسخ مثبت خواهد داد، در بهار سال ۵۹ فرمان "قطع و قمع اشرا کردستان" را صادر کرد.

هنگامی که تهاجم جدید رژیم خمینی علیه مردم کردستان آغاز گشت، سازمان ما با تمام امکانات خود در نبرد عادلانه خلق شرکت کرد. پس از نبردهای بهار سال ۵۹ از سوی سازمان و حزب دموکرات کردستان "دوبیام" مشترک در خرداد و مرداد دانشا رفت. این بیام ها بیباک نگرانی سازمان ما در راه قطع جنگ در کردستان بود. سازمان در نیمه دوم سال ۵۹ به حضور مسلحانه خود در جنبش خلق کردپایا می داد. و در همان حال موضع نادرستی نسبت به این جنبش اتخاذ کرد. این امر به وضع اصولی ما در مبارزه برای خودمختاری خلق کرده آسیب وارد آورد.

در ۳۱ شهریور ۵۹ با تهاجم بمب افکن های رژیم صدام به تهران و چند شهر بزرگ دیگر، آتش جنگ خانمانسوز ایران و عراق شعله ور شد و بیخشم زیادی از جنوب ایران به اشغال ارتش تجا و زگر عراق درآمد. امپریالیسم آمریکا مشوق اصلی این جنگ تجا و زگرا نه و بهر هر بردار اصلی آن بود. تحریکات داخله جوانانه رژیم جمهوری اسلامی علیه عراق به نوبه خود در خدمت شعله ور شدن این جنگ قرار گرفت. سازمان ما در نتیجه تحلیلی خطا از ماهیت و ستمگری جمهوری اسلامی ایران سیاست نادرستی نسبت به جنگ اخذ نکرد و به راه حل نظامی برای دفع تجا و زتا کید کرد. ما ضمن محکوم کردن اشغال خاک هر یک از کشورهای رژیم کشورهای دیگر، از همان آغاز جنگ می بایست سیاست دفاع از قطع بی درنگ جنگ و استقرار صلح و حل اختلافات دو کشور از راه مذاکره را پیش می بردیم. در راستای اجرای این سیاست، در آغاز جنگ و تساهل شدن نقشها ایجاد "خوزستان آزاد" که با طرح پیشنهادش تا پیش از سوی رژیم عراق (چندماه بعد از شروع جنگ) آشکار شد، تا کید بر بسیج مردم به مقاومت در برابر تجا و زگر و شرکت در جنگ درست بود. ولی از آن پس می بایست همه تلاش ما متوجه تحقق صلح عادلانه از طریق مذاکره می شد.

با دفاع بیگناهی خواهانهای مردم جهت انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی می کشیدیم برچم خودمان را پیشاپیش آنها برافرازیم. با یکدمدانه بودن اصلاحات، بنا به پیگیری رژیم، بی سرانجامی اقدامات آن و هدفهای ارتجاعی حکومت خمینی در طرح این اصلاحات را افشای می کردیم. مردم را به لزوم اعمال فشار را زبانیان را اهمیت تکلیف بر اقدام و تشکیل مستقل خودشان متقاعد می کردیم. سازمان ما تا آستانه جنگ در غالب این جهات مبارزه گسترده و مؤثری را پیش برد.

سازمان ما طی دوره مورد بحث در زودن اندیشه های سکتاریستی در سازمان و تچهیز هر چه بیشتر فدا یان خلق به ما رکسیم - لنینسیم خلاق و دستاوردهای گرا نقد رکتوریک و تجربی جنبش جهانی کمونیستی پیرو مندانش پیش رفت. با رزترین نمودار حرکت فرا زمندسا زمان ما در این روند پذیرش و آموزش مفاد اسناد برتنا مه ای مبوب جلسات و مشاوره احزاب کمونیست و کارگری بود.

در بررسی خط مشی سازمان در این دوران می توانیم تعاریف را بین دوران قبل از جنگ و بعد از جنگ تشخیص داد. خط مشی سازمان تا آستانه جنگ ایران و عراق در مجموع درست و اصولی بود. اما در عین حال در همین دوران بنظلهایی از تفکر ارتجائی شکل می گیرد. این تفکرات تا قبل از جنگ از چنان رشدوتوان و انسجامی برخوردار نبودند که مشی انقلابی و اصولی سازمان را منحرف کنند. اما با آغاز جنگ ایران و عراق و در نتیجه رشد تفکرات فوق و تا شریاست حمایت از رژیم جنگ و یک رخنه عوام مسل دیگر مشی سازمان به خطاهایی جدی آلوده شود در پایان این دوره ارتجائی بر است در خط مشی سیاسی سازمان پدید آمد.

جمهوری اسلامی پس از استقرار کامل رژیم تئوکراتیک

روحانیت به رهبری خمینی که پس از عزل بنی صدر حاکمیت انحصاری خود را تحکیم کرد در نیمه نخست سال ۱۳۶۵، همانگونه که "قانون اساسی جمهوری اسلامی" مشخص می کرد، استقرار رژیم تئوکراتیک (ولایت فقیه) را به انجام رساند. طرد مغالان حاکمیت انحصاری روحانیت از قدرت گسترش شدیدیجات نوین حکومت علیه سازمانهای ترقیخواه و انقلابی نتیجه سازگاری حرکت روحانیت برای استقرار رژیم مطلوب خود بود.

با قبضه کامل قدرت سیاسی توسط روحانیون و مستقر شدن رژیم ارتجائی، علیرغم صورت روحانیت حاکم، تضادهای درونی هیات حاکمه با بنیانهاست. همه چنانچه هیات حاکمه در اینک قدرت به نفع و روحانیت درآید رژیم استبدادی "ولایت فقیه" مستقر گردونیریه های انقلابی و ترقیخواه، خصوصاً پیروان سوسیالیسم علمی سرکوب گردند، وحدت نظرها ششدهمه آنها از استبداد دفری خمینی دفاع وزیر رهبری وی عمل می کردند. در ترکیب هیات حاکمه، جناحی که گمان که دست بالار داشت و بیکیترین و سرخفت ترین مدافع رژیم ارتجائی - تئوکراتیک بود، برنام "عدالت اسلامی" یک رشته اصلاحات اقتصادی در چارچوب سرمایه داری را مطرح می کرد. این جریان به سود جمهوری اسلامی می دانست که مواضع بزرگ مالکان تحدید شود و به سوادلیهای عقب مانده تروپا بین تریورژوازی و خرده بورژوازی سنتی سرمایه داری دولتی اطلاعاتی انجام می گیرد. این جریان خصوصاً برای حفظ پایگاه توده های روحانیت حاکم و برای گرفتن شعارهای نیروهای انقلابی و منفرد نمودن آنان در میان توده ها و در نهایت "حفظ کسان اسلام" بر لزوم این اصلاحات که با تبلیغات پرهیاهو و عوام فریبانه همراه بود، فشار می کرد. چنانچه دیگر روحانیت حاکم بی پرده از تراجاری بزرگ و بزرگ مالکان حمایت می کرد و به سود جمهوری اسلامی می دانست که بطور درست در خدمت منافع آنان قرار گیرد. این جناح با هرگونه اصلاحاتی به زیان نیروهای فوق مخالف بود.

آیت الله خمینی در کشاکش فوق نیز همچون دوره های پیشین به تکیه روی موازین اسلام و شعار "نه شرقی نه غربی" و ما نوسر سیاسی میان جناح های آورد، نقش ویژه خمینی آن بود که برای حفظ وحدت نیروهای حاکم و تا مین نیروی کالی برای دفاع از حاکمیت روحانیت تلاش می کرد ما فوق تضادهای تناقضات فاحش درون هیات حاکمه قرار گیرد و از طریق ما نورووی منافع مشخص هر یک از جناحهای حکومت و تکیه بر منافع مشترک روحانیت، جمهوری اسلامی را رهبری کند. ما نوره های خمینی در خدمت تکلیف مواضع روحانیت بود و راه تقویت مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را در قدرت می کشد. مواضع های خمینی در باره "کوخ نشینان" و "پا برهنه ها" متوجه جلب اعتماد توده ها به روحانیت، و بطور اخص منفرد کردن کمونیستها و نیروهای انقلابی بود.

در شرایطی که رژیم ولایت فقیه استقرار یافته بود، و با توجه به اینکه هر دو جناح هیات حاکمه در مستقر ساختن این رژیم و حفظ آن منافع مشترک داشتند، کشاکش میان جناحهای حکومت نه می توانست سنگینی رژیم را تغییر دهد و نه تا شیری در سرشوست انقلاب بگذارد. آنچه تعیین کننده بود این بود که رژیم ارتجائی مستقر گردید. ماهیت جناح اصلاح طلب هیات حاکمه را نیز نه تا اصلاحاتی که مطرح می کرد، بلکه رژیم می که مستقر کرده بود نشان می داد. هر دو جناح هیات حاکمه ارتجائی بودند و متحداً زیر رهبری خمینی بر ضد خلق عمل می کردند.

سرکوب و کشتاری که از تابستان ۶۰ آغاز شد اجرای تام و تمام نقشه ای بود که تا بودی یکا یک و تک تک نیروهای ترقیخواه و انقلابی، خصوصاً کمونیست ها در آن پیش بینی شده بود. اما در عین حال مقابله نظامی سازمان مجاهدین خلق دستاویز رژیم بود. تسریع و تشدید توطئه های آن علیه نیروهای ترقیخواه و کشتار دامنشانه مجاهدین و مبارزین شد.

پشتیبانی سازمان از حکومت و رهبری آن خمینی با مبارزه سازمان در راه طرد "جناح راستگرا" همراه بود. تحلیل ما این بود که جناح غالب در حکومت و شخص خمینی ترقیخواه و خواهان پیشرفت انقلاب و بهبود زندگی توده ها هستند، اما جناح "راستگرا" که شورای نگهبان در اس آن قرار داشت، رمز انقلاب و مدافع کلان سرمایه داران بزرگ مالکان است. از این رو سیاست سازمان این بود که با طرد "جناح راستگرا" راه پیشروی انقلاب را بگشاید.

به بهانه تراج و زصادم در آذرماه ۵۹ خمینی دستور داد اجرای بندهای "ج" و "د" طرح واگذاری اراضی مزروعی متوقف شود، ما دستور خمینی را "فریه گرانباری بر بیکرانقلاب" ارزیابی کردیم. فرمان خمینی مقابله آشکار با خواست میلیونها دهقان و اجرای سیاست بزرگ مالکان بود. این فرمان نشانه باز زاری با حقیقت بود که علیرغم اختلاف نظرهای درون آن در مورد اصلاحات ارضی، آنجا که براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری مطرح می شد، پاسدار کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بود.

سازمان ما برای مقابله با تعرض بزرگ مالکان و بخشی کردن حمایت حکومت از آنان به سازمانگری اعتراض توده های دهقانان زیر شعار "بندج و د اجرا باید کرد" دست زد. ما همچنان دهقانان را به مبارزه مستقل اراضی بزرگ مالکان دعوت می کردیم و در عین حال مشوق هیات های هفت نفره در اعتراض به دستور فدهقان خمینی بودیم.

جناحی که بنی صدر را به عنوان آرایه عهده داشت، با حاکمیت انحصاری روحانیت مخالفت می ورزید و خواهان آرایه بود که سهم نمایندگان لیبرال و غیر آخوند بورژوازی در حاکمیت افزایش یابد. جناح دیگر که بهشتی رهبر آن بود و طبقی از بورژوازی تجاری تا خرده بورژوازی سنتی را شامل بود، می کرد با گسترش نفوذ جناح بنی صدر در حاکمیت مخالفت می ورزید و در پی انتقال تمام مواضع قدرت به روحانیت بود. روحانیت حاکم به رهبری خمینی در مجموع جانبدار بهشتی بود و خمینی به شخص بهشتی اعتماد کامل داشت. محافل آزر و حاکمیت نیز از بنی صدر حمایت می کردند.

در جریان این درگیریها رهبری مجاهدین و رییس جمهوری بنی صدر به اشتغال آشکار با یکدیگر علیه حزب جمهوری اسلامی رو آورده بودند. "نهضت آزادی" و جبهه ملی نیز سیاست تقویت بنی صدر را دنبال می کردند. سازمان ما در اروپا و روسی این جناحهای هیات حاکمه جانبدار بنی صدر نبود. اما در عین حال طرد وی از حکومت را نیز طرح نمی کرد. سازمان ما سیاست نزدیکی به امپریالیسم لیبرال آنها سازش آنها با سیاستهای سرکوب گرانه، ایستادگی آنها در مقابل خواستها و مطالبات توده ها و تلاش آنها علیه سازمانهای انقلابی را افشای می کرد. در این دوره سمت اصلی مبارزه "نجاهدین" اتحاد با بورژوازی لیبرال علیه حزب جمهوری اسلامی و شخص بهشتی بود. ارزیابی مجاهدین این بود که اختلاف مجاهدین و لیبرالها می توانست نظر اکثریت مردم را به سوی آنان جلب کند و پیروان خمینی و شخص بهشتی را منفرد و از حاکمیت طرد نماید.

سازمان ما با هدف ایجاد یک جبهه "ادیکال و انقلابی" و جلوگیری از سمت گیری رهبری مجاهدین برای دوری از نیروهای چپ و اتحاد با جریانهای بورژوازی لیبرال به تلاش گسترده و مسئولانه ای دست زد. ما در مصیای فاجعه بارین سیاست و خطری را که از کنار گذشتن تدریجی مبارزه ضد امپریالیسم متوجه سازمان مجاهدین می شد، گوشزد می نمودیم. در عین حال ما اقدامات سرکوب گرانه رژیم علیه مجاهدین خلق را محکوم می کردیم. تا شریستدینما زعات و شکل گیری آشکار تر صف بندیهای جدید، بروی سازمان ما افزایش امپدیه رهبری خمینی بود. این امر در مرحله پایانی این دوره به جا ننداری از دولت رجایی و روحانیت پیرو خمینی در حکومت انجام مید و سرانجام سیاست ایجاد یک قطب انقلابی در برابر رژیم ترک شد. حمایت آشکار بنی صدر از سرمایه داری و نزدیکی به غرب و استقبال امپریالیسم از تقویت مواضع بنی صدر از یک سو و تشدید توطئه های آمریکا علیه حکومت خمینی که با مقابله خمینی با قدرت گیری بنی صدر با توطئه های امپریالیسم همراه بود. از سوی دیگر، این گمان را پدید آورد که گویا خمینی و روحانیون نزدیک او در مبارزه با امپریالیسم بیگانه و خودخواهان در تحولات بنیادین اقتصادی - اجتماعی پس از زحمتکشان هستند. این گمان ما را به جانبداری از خمینی و بهشتی در درگیریهای آنها با بنی صدر سوق داد.

در دوره ای که از تصویب قانون اساسی بنیادین ارتجائی جمهوری اسلامی تا آغاز یورش سرکوبگرانه و خونین رژیم برای نابودی کامل آزادی های سیاسی در تابستان ۶۰ بطول انجام مید، سیاست ما می بایست همچنان عدم پشتیبانی از حکومت، مبارزه علیه ارتجائی و ایجاد آلترنا تیبوی انقلابی بمنظور انتقال قدرت سیاسی به این آلترنا تیبو بود (سازمان ما در راه تشکیل آلترنا تیبو تحت عنوان "قطب انقلابی" مبارزه می کرد). بر پایه این عین سیاستی ما می بایست مبارزه توده ها از در همه عرصه ها شعله ور می ساختیم. آنها را برای دستیابی به خواسته های بیشتری در جهت تحقق آماجهای خیر ما خودمان ترغیب می کردیم. ما باید توده ها را با تکیه بر خواسته های مشخص آنها و از طریق افشای همه چنانچه مواضع سوادسی آنها و اقدامات ضد مردمی رژیم برای اعمال فشار را زبانیان و مقابله فزاینده با کل رژیم بسیج می نمودیم. هر یک از تاکتیکهای ما می بایست چنان اتخاذ می شد که در تضعیف قدرت و نفوذ روحانیت حاکم و شخص خمینی، جلوگیری از انحصار و قبضه قدرت سیاسی توسط این نیرو و استقرار و تحکیم رژیم بنیادین ارتجائی ولایت فقیه تا حد اکثر ممکن مؤثر واقع می شد. ما می بایست مردم را علیه رژیم "ولایت فقیه" که در حال استقرار همه جانبه بودیم، به رژیم استبدادی و خادم کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بسیج می کردیم. بر این پایه سازمان می بایست شعار تا مین آزادی سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را که گسل رژیم را در بر می گرفت به شعار اصلی تبدیل می کرد.

در این دوره و بطور مشخص تا آغاز جنگ، حکومت خمینی وعده های سیاسی مبتنی بر انجام اصلاحات اقتصادی اجتماعی می دهد و به برخی اقدامات در این زمینه نیز دست می زند.

رژیم خمینی، علیرغم ترکیب هیات حاکمه رژیم با ماهیت و خط مشی بورژوازی بود. هم ماهیت این رژیم، هم ترکیب نیروهای آن و هم ساختار و سمتگیری آن مشخص می کرد اصلاحات مطرح شده از سوی هیات حاکمه فاقد یک هدف گیری مردمی، ناقده و امپیکوری و قبل از هر چیز در خدمت خلق سلاح نیروهای کمونیست و انقلابی و تحکیم حکومت روحانیت است. بنا بر این نمی بایست با واسطه چنین مواعده ها را تا در ذهن توده ها نسبت به حکومت امیدواری توهمی پدید آری گشت. اما در عین حال اهمیت اصلاحاتی که منطبق با خواسته های مشخص توده ها بود می بایست بدرستی درک می شد، یعنی می بایست مردم ترغیب و بسیج می شدند تا برای انجام این اصلاحات و برای گسترده دانسته آنها مطابق با برنامه ما رژیم را زیر فشار قرار دهند. می بایست



مبارزه سازمان عليه جناح راستگرا عمدتاً با تكيه بر لزوم انجام اصلاحات اقتصادي وافشا مخالفت اين جناح با آن صورت مي گرفت و با فعاليت وسيع سازمان براي بسيج توده ها در جهت تشديد مبارزه عليه كلان سرمايه داران و بزرگان مالكان همراه بود. طي سالهاي ۶۰ و ۶۱ سازمان ما بيگيرانه شعاري مبنى بر لزوم انجام اصلاحات ارضي ودولتي شدن تجارت خارجي تصويب قانون كار مترقي وبهبود زندگي كارگران وزحمتكشان را به ميسان توده ها برد. فعاليت گسترده و بيگيرانه سازمان در راستاي تامين مطالبات اقتصادي اجتماعي رنجبران به افزايش اعتبار سازمان نزد توده هاي محروم وكستريش پيوند و پايگاه توده اي آن منجر شد. با اين حال درسيات سديگايي سازمان وسياست آن در رابطه با جنبش دهقاني ونهفت تعلقونئي انحرافات زسياست مستقل طبقه كارگر آشكار بود. اساس اين انحرافات آنجا بود كه سازمان نیروی پرتوان توده ای را علیه يك جناح جناح راستگرا و سرشناي ترين چهره هاي آن سازمان مي دادند. عليه روحانيت حاكم به رهبري خويش. اين كار به هوشياري واگاهي توده ها نلطمه وارد مي كرد. درسياست سديگايي سازمان همچنان شعارنا درست وغير اصولي افزايش توليد شعاري بيرونلاري معرفي مي كشت.

طي دوره مورد بحث برپايه اين تحليل كه جمهوري اسلامي يك جمهوري فدا مبريا ليست است، گرايش هاي رژيم براي نزديكي ودوستي با غرب غالباً به يك جناح جناح راستگرا نسبت داده مي شود. دشمني رژيم با اردو گناه كشورهاي سوسياليستي به اندازه لازم در آرزيايي موانع رژيم در قبال امبرياليسم دخالت داده نمي شد. اين واقعيات وعدم محاسبه دقيق تاثير عوامل اساسي چون وابستگي اقتصادي كسوربه امبرياليسم، سلطه رژيم شوكراتيكي وتاثير مشخص عامل روحانيت ومذهب، باعث آرايه يك آرزيايي خوش بينانه از موانع جمهوري اسلامي در مساييل جهاني و در قبال امبرياليسم مي شد.

مبارزه سازمان عليه جناح راستگرا عمدتاً با تكيه بر لزوم انجام اصلاحات اقتصادي وافشا مخالفت اين جناح با آن صورت مي گرفت و با فعاليت وسيع سازمان براي بسيج توده ها در جهت تشديد مبارزه عليه كلان سرمايه داران و بزرگان مالكان همراه بود. طي سالهاي ۶۰ و ۶۱ سازمان ما بيگيرانه شعاري مبنى بر لزوم انجام اصلاحات ارضي ودولتي شدن تجارت خارجي تصويب قانون كار مترقي وبهبود زندگي كارگران وزحمتكشان را به ميسان توده ها برد. فعاليت گسترده و بيگيرانه سازمان در راستاي تامين مطالبات اقتصادي اجتماعي رنجبران به افزايش اعتبار سازمان نزد توده هاي محروم وكستريش پيوند و پايگاه توده اي آن منجر شد. با اين حال درسيات سديگايي سازمان وسياست آن در رابطه با جنبش دهقاني ونهفت تعلقونئي انحرافات زسياست مستقل طبقه كارگر آشكار بود. اساس اين انحرافات آنجا بود كه سازمان نیروی پرتوان توده ای را علیه يك جناح جناح راستگرا و سرشناي ترين چهره هاي آن سازمان مي دادند. عليه روحانيت حاكم به رهبري خويش. اين كار به هوشياري واگاهي توده ها نلطمه وارد مي كرد. درسياست سديگايي سازمان همچنان شعارنا درست وغير اصولي افزايش توليد شعاري بيرونلاري معرفي مي كشت.

چهره تيره وسازماندهي انقلابي توده ها بود. طي سالهاي ۶۰ و ۶۱ درسيات سازمان به يك مساله فرعي تبديل شد. اين امر تا آنجا پيش رفت كه به طرح نظريات ودستاوردهاي درجهت بي بهاء كردن آزاديهاي سياسي با تكيه روي اصلاحات اقتصادي انجام ميد.

آرزيايي سياست و برنامه سازمان در سالهاي ۶۰ و ۶۱

در شرايطي كه هيات حاكمه استقرار استبداد دمذهبي را به اتمام مي رساند پشتيباني قاطعانه از حكومت پيشا به مبناي سياست سازمان در رابطه با آن قرار گرفت. سياست پشتيباني از حكومت به برنامه سازمان راه برد. در خرداد ۶۱ طرح برنامه سازمان براي پيشبرد همه جانبه انقلاب وشكوفايي جمهوري اسلامي ايران در راه استقلال، آزادي وعدالت اجتماعي، در هيات سياسي كميته مركزي تصويب شد و در سطح جامعه انتشار يافت. در برنامه استقرار سوسياليسم وتكامل شكوفان آن آماج نهايي سازمان فدائيان خلق ايران (اكثريت) اعلام شد.

چهره تيره وسازماندهي انقلابي توده ها بود. طي سالهاي ۶۰ و ۶۱ درسيات سازمان به يك مساله فرعي تبديل شد. اين امر تا آنجا پيش رفت كه به طرح نظريات ودستاوردهاي درجهت بي بهاء كردن آزاديهاي سياسي با تكيه روي اصلاحات اقتصادي انجام ميد.

مناسبات با ديگر سازمانهاي انقلابي و ترقيقخواه

طي سالهاي ۶۰ و ۶۱ مناسبات سازمان با سازمانهاي انقلابي و ترقيقخواه اين نيروها تيره گرديد. سازمان مجاهدين خلق به حمايت كامل از بنوي صدر پرداخت، طي چند ماه آخريست جمهوري بعثي صدر، عملاً طرفداران بنوي صدر ومجاهدين خلق بطور مشترك به مقابله با جناح بعثتي برخاستند. در راستاي تكامل همين روند بود كه به هنگام طرفدويي صدرازحكومت، سازمان مجاهدين خلق به تقابل مسلحانه وخونين با رژيم كشيد. تحليل رهبري سازمان مجاهدين خلق اين بود كه امكان بياكردن يك قيام مسلحانه عليه رژيم خمينيستي وبرانداختن حكومت از اين طريق ممكن است. چنين تحليلي از اوضاع، در شرايطي كه رژيم مدام به تحريكات سرگويگرانه مشغول بوده وباشكوبال مختلف شرايط را براي تهاجم همه جانبه وخونين عليه نيروهاي ترقيقخواه هموار مي كرد، مجاهدين خلق را به يك درگيري مسلحانه زودرس وقاچه با سرسوق داد.

طرح برنامه سازمان مبارزه در راه اتحاد نيروهاي فدا مبرياليستي مردمی در جبهه متحد خلق و زير رهبري خميني را مبم ترين طبقه سازمان و ديگر نيروهاي انقلابي قرار مي داد. در برنامه سازمان ضرورت رهبري طبقيه كارگر براي پيشرفت بيگيرانه انقلاب وبه فرجام رساندن آن مسكوت گذاشته شد و اين به معنای نفی آن در عمل بود.

تفا تشديد سياست سازمان مجاهدين خلق ورشديگرايش بورژوازي در سياست وبرنامه سازمان مجاهدين، متوجه تخریب مناسبات و توسط ما و آنها شد. ما عملاً سياست اتحاد و انتقاد در مقابل سازمان مجاهدين خلق كنار گذاشتيم. در مناسبات ما با سازمانهاي چپ وحزب دموكرات كردستان ايران نيز تيرگي هاي جدي پديد آمد. انتقاد برسياست ومشي اين سازمانها به شكل يك جاذبه وغير سازنده صورت مي گرفت وتاكيد بروجود اختلاف وتضاد ما با اين سازمانها ومرزبندني با آنان به وجه برجسته در مناسبات ما با اين سازمانها تبديل شد.

مناسبات با حزب توده ايران

بزرگترين واجمندترین دستاورد ايدئولوژيك سازمان ما طی سالهای ۵۹، ۶۰ و ۶۱ درک عمیق یافته ترانزيتیونالیسم پرولتاری و تجلی آن یعنی همبستگی عمیق احزاب کمونیست و کارگری جهان و تعمیق و تحکیم آن

پيام يلنوم وسيع كميته مركزي سازمان

به نيروهاي صلحدوست و ترقيقخواه جهان

نيروهاي صلح دوست و ترقيقخواه جهان!

دولت ريگان، سخنگوي مرتجع ترين محافل امبرياليستي، با ادامه جنون آميز مسابقه تسليحات هسته اي وتوسعه آن به فضا ي كيهاني، جهان را به ليه پرتگاه جنگ هولناك هسته اي كشانه است. در هيچ زماني ما ننسند زمان ما، بشريت آينچنين نگران نابودي زندگي درسياره زمين - اين خانه مشترك ما - نبوده است. سازمان فدا بيان خلق ايران (اكثريت) نكراني عميق خود را از عواقب اين سياست هاي جنايتكارانه دولت ريگان ابراز مي دارد. ما محافل مسلح جنگ طلب امبرياليستي را مسئول مستقيم وخاتم اوضاع بين المللي مي شناسيم وعميقاً اعتقاد داريم كه مقابله با سياست هاي ميليتاريستي وتجاوزكارانه امبرياليسم جهاني بسر كردگي امبرياليسم امريكا ومشترك همه خلقهاي جهان است. سازمان ما، نكراني مسئولانه خود را از تشديد جنون آميز مسابقه تسليحات ما جزا جويي وتجاوزگرهاي امبرياليسم امريكا ونسبت به خطر بزرگي كهازين ناحيه صلح جهاني را تهديد مي كند ابراز مي دارد. ما سياست خرابي تجا زوركارانه وميليتاريستي امبرياليسم امريكا رامحكوم مي كنيم و خواهان گسترش بيكار رجهاني براي حفظ صلح مي باشيم. ما همبستگي خود را با جنبش بين المللي ضد جنگ اعلام مي داريم و ازياتا رات وپيشنها ذات اتحاد شوروي براي حفظ صلح جهاني، بويژه در زمينه نابودي

رويدا دهاي چندساله اخير، تجارب مشخصه اي طي اين دوره بدست آمده است، تحليل هاي كئوني وخط مني امروز ما همه روشن مي سازند. خط مشي وبرنامه ما در سالهاي ۶۰ و ۶۱ درجهت خلاف روند عميني رويدا دها بوده است.

در شرايطي كه رژيم شوكراتيكي تحكيم مي شود استبداد دمذهبي استقرار مي يافت وتهاجم همه جانبه براي نابودي انقلابيون ومجوستا ورده هاي مردمی انقلاب آغاز مي كشت، ضرورت سرنگوني رژيم شوكراتيكي به هدف عاجل خط مشي ما تبديل مي كشت. مبارزه در راه سرنگوني رژيم جمهوري اسلامي الزاماً بدين معني نبود كه سازمان بلافاصله به تقابل مسلحانه با رژيم كشيد. شوه با يدا زهرمسه امكانات وفرصت ها براي بسيج قوا وتدارك سرنگوني استفاده مي شد. در اين راه خصوصا مي بايست بر شعاري صلح وآزادي وعدالت اجتماعي تكيه مي شد، شعاري فوق آن طبقه هاي بودند كه توده ها را حول مساييل مشخص وقابل درك خودشان عليه رژيم استبدادآميز بسيج مي كردند.

مبارزه در راه بسيج متحدان توده هاي مردم عليه رژيم ومبارزه در راه متحد كردن همه سازمانهاي ترقيقخواه وانقلابي بمنظور پايين كشيادن حكومت ودوجاهه اساسي تدارك سرنگوني رژيم بود. هيچ جناحي از هيات حاكمه نمي توانست در جبهه اي قرار گيرد كه مي بايست به منظور سرنگوني رژيم تشكيل شود. هيچ نيروي ترقيقخواه مخالف رژيم نيز نمي توانست مصوعاً از اتحاد ضروري كنار گذاشته شود.

خط مشي وسياست سازمان طی سالهای ۶۰ و ۶۱ برخلاف ضرورتهای فوق بود. اين خط مشي وسياست انحراف به راست از سياست مستقل طبقه كارگر بوده است.

خط مشي وسياست سازمان در دوره فوق تجسم برنامه مصوب خرداد ۶۱ بود. اين برنامه انحراف براست از مواضع مستقل طبقه كارگر بوده است.

سلاح هاي هسته اي و شيميايي تا پايان قرن حاضر، قويا پشتيباني نمي كنيم. تجا وز عليه خلقهاي سراسر جهان عنصر تبديلي را پذيرد. سرشت امبرياليسم است كه راهزني جنايتكار ريمب افكن هاي دولت ريگان عليه خلق ليبي نشانده رشدوشديدن مي باشد. دشمني لجام گسيخته با نيروهاي صلح وسوسياليسم پشتيباني از رژيم هاي نژاد پرست و ارتجاعي در سراسر جهان، تحمیل جنگ وفقروبراني به خلقهايي كه در راه آزادي وسادت وپيشرفت مسود مي رزمند، چنين استسيماي كريه امبرياليسم، سازمان ما جنگ اعلام نشده امبرياليسم وارتجاع عليه خلقهاي افغانستان، نيكاراگونه ونگولراكنه توسط امبرياليسم امريكا رهبري مي شود، بار ديگر عميقاً محكوم مي كند و همبستگي باردارانه فدا بيان خلق را با حزب دموكراتيكي خلق افغانستان جبهه مردمی آزاديبخش ساءديبيست و حزب كارگرانگول اعلام مي دارد.

سازمان فدا بيان خلق ايران (اكثريت) با شوري وصف نا پذير به مردم قهرمان آفرقيي جنوبي كه تحت رهبري كنگره ملي آفرقيا عليه رژيم نژاد پرست و در راه رهايي ملي واجتماعي مي رزمند و در دم فرستد و همبستگي رزمجويانه خود را با مبارزه دلورانده آنها اعلام مي دارد. ما بار ديگر با مردم انقلابيون شيليه كه پيرو زندگانه عليه رژيم خون آلود پيروزه در بيكار رند، اعلام همبستگي مي كنيم. ما همچنين پشتيباني خود را از نيز مردم ومبارزين ناميبيا اعلام داشته خود را در كنار آنان احساس مي كنيم.

سازمان ما پشتيباني خود را از خلقهاي فلسطين و لبنان در مورد تاكيد قرار مي دهد وتوشنات ارتجاعي رژيم جمهوري اسلامي ايران را كه متوجه انتقاد وتفرقه در صفوف مبارزان فلسطيني و لبنايي وتحمیل رژيمي ارتجاعی از روي الكوي ولايت فقيه به مردم لبنان است، قويا محكوم مي نمايد.

گزارش هیأت سیاسی به ...

در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ضروری می بیند. این جریان مخالفان فدا می جنگ و انحصار قدرت در دست آخوندها است و برای تأمین برخی آزادی ها و تأمین فعالیت خود در دستجات و مشا به تلاش می کند. این فعالیت اکثریاتی و اکثریت سرکوبگرانه دستجات چما قدر حزب الله مواجعه بوده است. واکنشی کینه افشاگرانه هیت عمیقاً فئودال دموکراتیک رژیم ولایت فقیه است. این نیرو و تلاش می کند که در اس مبارزات مردم قرار بگیرد و نیروی توده ها را در جهت اهداف خود در غرض و سازشکارانه منحرف سازد. امپریالیسم آمریکا و نیروهای سلطنت طلب از تقویت این جریان استقبال می کنند. مهدی بازرگان اخیراً با دعوت ادای از رجال باز نشسته جنبه ملی سابق و برخی عناصر مشا به برای ایجاد جابجایی لیبرالی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی جریان تازه ای تحت عنوان "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" تشکیل داده است. هدف سفراست گذشته بازرگان به آلمان و سفر کنونی امپریالیسم یزدی به آمریکا جلب حمایت قدرتهای امپریالیستی غرب و محافل دستجات بازاری مشا به بوده است. در حال حاضر سیاست سازمان نسبت به این نیرو، افشای ماهیت برنانه و سازشکاری آن با ولایت فقیه و امپریالیسم در روابط آن با سلطنت طلبان جهت جلوگیری از نفوذ آن در میان توده ها است. اکنون ما باید برای همه توفیق داد که علت اینکه در رژیم ولایت فقیه سهین پرستان و انقلابیون و عناصر دموکرات و مترقی زیر شکنجه و پای خوخته اعدام به شدت می رسند سرکوب می شوند، اما با بازرگانها تحمل می شوند و امکان می باشد برای شرکت در قدرت و تأمین اهداف سیاسی خود، دست در دست کنند. آن است که آنها با این رژیم به لحاظ مواضع ایدئولوژیک و اهداف طبقاتی و مخوفاتی و اشتراکات زیادی دارند.

درباره "شورای ملی مقاومت ایران" قبل از هر چیزی باید گفت که او لا این کارتون برخلاف نام خود، شورای سازمان مجاهدین هیچ یک از دیگر نیروهای شناخته شده و موثر جنبش ملی مقاومت ایران را در بر نمی گیرد. بنا بر این شورا با نیروی اصیل و پیگیر مقاومت خلق ایران یعنی جنبش کمونیستی ایران در رابطه دارد و در صورت درافتار خصمانه خود، با آن تجدید نظر کرده است. یکسال و نیم اخیر تعدادی از نیروهای آن ترجیح دادند که فعالیت خود را خارج از این کارتون ادامه دهند. حزب دموکرات کردستان ایران، مهمترین آنها بود. در حال حاضر نیروی اصلی و آزاده واقعی این "شورا" سازمان مجاهدین خلق است.

بررسی برنانه و مواضع سازمان مجاهدین نشان می دهد که رهبری این نیرو در برنانه و مواضعی و در عرصه فعالیت امپریالیست و حیات درون سازمان تا به تیره بارزی از مواضع انقلابی و دموکراتیک سابق خود عقب نشسته است. محتوی طبقاتی برنانه و مواضع سیاسی و مستگیری کنونی دستگاه رهبری مجاهدین بورژوازی و راست گرایانه است. سیاست و مستگیری کنونی این سازمان بطور کلی در چارچوب مواضع "دموکراسی ملی" است. اما در میان نیروهای اجتماعی هوادار مجاهدین تمایلات دموکراتیک و مردمی همچنان نیرومند است. علیرغم اینکه ما با مواضع و مستگیری دستگاه رهبری مجاهدین نسبت به قدرت های امپریالیستی، نسبت به جنبش ها و گروه های مترقی و نسبت به سایر نیروهای مترقی ایران موافق نیستیم و آنرا برای سازمان مجاهدین و جنبش انقلابی ایران زیانبار می شناسیم. با این حال ترمیم سیاست ما با این نیروها و دموکراتیک ایران است. بر این پایه سیاست سازمان ما نسبت به این نیرو، اتحاد دومیارزه است. هدف عاجل این سیاست تأمین اشتراک مساعی و وحدت عمل موکرو اتحاد میان دوسازمان برای سرنگونی رژیم خمینی و تأمین خواسته های مردم خلق یعنی صلح و آزادی است. ما مکتور از مجاهدین دعوت کرده ایم به ازای برگرداندن آن را ترک کرده اند. امتناع از همکاری و وحدت عمل با جنبش کمونیستی و کارگری ایران، که بیگانه گشته از این بیم از مبارزه با امپریالیسم و بورژوازی بزرگ است، ضدیت با کمونیستها که از سیاست جلب حمایت و دوستی با امپریالیسم و ارتجاع نیز سرچشمه می گیرد، قبل از همه هرگونه خصلت دموکراتیک و ترقیخواهانه حاملین آنرا مآج خود قرار می دهد.

در حال حاضر سازمان مجاهدین، پذیرش رهبری خود را شرط اتحاد دموکراتی با دیگران قرار داده است. واضح است که گذاشتن چنین شرطی از طرف هر صلح نیرو که باشد عملاً به معنی نفی اتحاد و در غلطیدن به سکتاریسم است. به علاوه آنها و سده مردم ستم دیده ما است که اینگونه شرط و شروط های غیر واقع بینانه کنار گذاشته شود. ما در موضوع اتحاد دموکراتی اینگونه شرایط را اساساً رد می کنیم و بجای آن پلاتفرم مشترک را پیشنهاد می کنیم.

ما این حال ما از مبارزه مجاهدین علیه رژیم حمایت می کنیم. سازمان ما جنایات رژیم علیه مجاهدین را افشا و محکوم می کند. تأمین همکاری و دوام آن، با گسترش کار مشترک در پایین ترین مربوط می شود. علیرغم مؤانتهی که در با وجود دارد، زمینه همکاری در پایین کار و وجود دارد. فدائیان خلق از کار مشترک در محیط کار روزندگی با مجاهدین استقبال می کنند و از آن تا در برابر شرایط رژیم حمایت می کنند. این فعالیت به گسترش مبارزه علیه رژیم کمک می کند.

در عین حال، سازمان ما وظیفه خود و همه فدائیان خلق می دانند که مردم را از خصلت بورژوازی برنانه، خط مشی و مستگیری کنونی سازمان مجاهدین و پذیرش ایجاد دولت اسلامی از سوی آنان آگاه سازد و عوارض خطرناک سیاست جلب دوستی و حمایت امپریالیسم و ارتجاع عرب و انحصار طلبی سیاسی مجاهدین را با نظر نشان سازد و نیز اهداف ارتجاعی تبلیغاتی و سیاسی های رهبری سازمان مجاهدین خلق علیه کمونیست ها و نیروهای انقلابی را تا به آخر افشا کند. ما امیدواریم که تضییقات اخیر محافل ارتجاعی و راست فرانس علیه مجاهدین، رهبری آنان را به درک آثار مخرب سیاست جلب اعتماد امپریالیسم رهنمون شود و به تجدید نظر در مواضع کنونی بوق دهد. ما با سیاستی که مجاهدین دنبال می کنند آنچه که بروز در فرانسه علیه مجاهدین در حال تکوین است، فردا ممکن است در جای دیگری تکرار شود. به علاوه این سیاستها که اگر چشم انداز بیان جنگ روشن شود، دلایل کنونی برای صدام جنايتکار را کمی نخواند بود که به حمایت سیاسی و مادی خود از سازمان مجاهدین ادامه دهد.

سازمان مجاهدین باید به راه نزدیکی با کمونیستهای ایران بازرگرد سیاست جلب اعتماد امپریالیسم و ارتجاع منطقه و دوری از کمونیست ها را سازد و در ترقیگاه امپریالیسم و ارتجاع، در میان محافل و احزاب امپریالیستی و ارتجاعی برای تحقق آرمانهای سازمان مجاهدین برای جامعه عمل پوشیدن به آنها بوجد آمد، متجاهد مددکاری وجود ندارد. به علاوه تلاش برای است و وقتی مشاهده می شود که ولع رهبری مجاهدین برای بهره برداری از تضاد برخی محافل امپریالیستی اروپا و ارتجاع عرب با رژیم ایران، این رهبری را به وسیله ای برای "حل اختلافات" بسا رژیم خمینی تبدیل می کند.

رفقا!

در عین حال علاوه بر سازمانهای سراسری نیروهای دیگری هم هستند که در میان خلق های تحت ستم مبارزه می کنند و ما ج عمده آنان رف ستم ملی است. اهمیت ساله ملی و نقش این نیروها در جنبش دموکراتیک و مبارزه بخاطر سرنگونی رژیم ایجاب می کند که سازمان پیگیرانه در راه اتحاد با این نیروها در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی تلاش ورزد.

در این زمینه قبل از همه باید به حزب دموکرات کردستان ایران اشاره کرد. هدف اعلام شده خط مشی سیاسی و مبارزه این حزب تا بین خود مختاری در کردستان و دموکراسی در ایران است. حزب کردستان ایران با طرح نیایی خود را از سویا لیسیم به سویا لیسیم دموکراتیک تغییر داده است. سویا لیسیم دموکراتیک هموار کردن رشد دموکراتیک سرمایه داری در کردستان را سیاسی می کند و در مرحله کنونی ناسیونالیسم ترقیخواه خلق کرد را نمایندگی می کند. در شرایط کنونی حزب دموکرات کردستان ایران، نقش عمده ای در جنبش ملی و دموکراتیک مردم کردستان ایفا می کند. سازمان در روابط خود با حزب دموکرات کردستان از سیاست اتحاد و صلح پیروی می کند. بر این پایه سازمان حزب دموکرات را به اتحاد و جنبه واحد در راه اهداف مشترک و سرنگونی جمهوری اسلامی فرا می خواند. سازمان ما از مبارزه حزب دموکرات علیه حکومت پشیمانی و تهاجم رژیم علیه آن را افشا و محکوم می کند. در عین حال سازمان پس رفت حزب دموکرات کردستان به مواضع سویا لیسیم دموکراتیک و نیز از رزیا نبخش آن در تقویت گرایش بورژوازی در آن حزب و نیز تمایلات انحصار طلبانه و سلطه جویانه آنرا مورد انتقاد قرار می دهد و برای تقویت تمایلات دموکراتیک در قبل از تمایلات راستگرایانه، سلطه جویانه و تنگ نظرانه درون جنبش ملی کرد میا کرده است.

جنبش ملی خلق کرد اکنون از خرابکاری داوودسته شبه پل پوتیسیم و ارتجاعی حزب کدایی "کمونیست" که کوهمل خیروی اصلی آن است آسیب می بیند. این با مصالح "حزب" در اساسین عامل یک ریزش بورژوازی بین المللی در جنبش کمونیستی و کارگری ایران است و میبایست تمام افشا و منقرض شود. سیاست، برنامه و مواضع ایدئولوژیک رهبری کوهمل همان مواضع حزب کدایی است. اما در میان اعضا و پیشرمگه های کوهمل عفا مرکز دای و وجود دارند که صادقانه برای رفع ستم ملی و سعادت مردم زحمتکش کردستان مبارزه می کنند. وظیفه ما است که با برخورد مثبت بگوئیم این عناصر از حزب کدایی جدا شوند و راه صحیح مبارزه را انتخاب کنند.

رفقا!

جنبش کمونیستی ایران بیکبیرترین نیروی انقلابی در میان نیروهای اپوزیسیون ترقیخواه و کثرت است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکرات ایران گردانهای پیشا هک طبقه کارگر ایران و دیگر سازمانهای مارکسیست - لنینیست، نیروهای این جنبش را تشکیل می دهند. سازمان ما برای وحدت جنبش کمونیستی در وحدت بخشیدن به طبقه کارگر و جنبش خلقی اهمیت و نقش درجه اول قایل است. اتحاد طبقه کارگر و مبارزان را در میان آن، در فرام آوردن شرایط ذهنی ضرور برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران شرطی اساسی است. بدون مبارزه در راه وحدت پیشا هک طبقه کارگر در یک سازمان واحد، صحبت کردن از مبارزه در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک و ملی ایران بی معنی است. کمونیست ها خوب درک می کنند که چگونه رودر رویی نیروهای پیشا هک طبقه کارگر و تشدید تضادها و اختلافات میان آنها به تضعیف مواضع طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک می انجامد و چگونه حرکت کمونیست ها به سوی وحدت در حزب واحد طبقه کارگر مواضع آن را در جنبش و جامعه تقویت می کند. همان از این روست که سازمان ما در راه وحدت همه پیروان سویا لیسیم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و حول برنانه و اساسنامه واحد، پیگیرانه مبارزه می کند. سازمان در این مبارزه و در روابط خود با سایر نیروهای جنبش کمونیستی ایران از اصل برابری حقوقی پیروی می کند. در سراه این وحدت و جد نمودن متعسددی وجود دارد، ولی سازمان مصمم است که بر مواضع غلبه کند و خواهد کرد.

در این شرایط که دشمنان طبقه کارگر تمام نیروی خود را برای پراکندن تخم عدم اعتماد، بدبینی و خصومت میان نیروهای فعال در جنبش کمونیستی و کارگری ایران بکار گرفته اند، ترویج هر چه فعلاً لئومو شترانه و وحدت و مبارزه در راه آن از اهمیت والویت خاص برخوردار است. به علاوه باید تا کید کرد که مبارزه در راه وحدت یک مفهوم کلی و عاری از وظایف مشخص نیست. این مبارزه و وظایف مشخصی را قرار می دهد که باید پیگیرانه در راه انجام آن گام برداریم. در شرایط فعلی اهمیت وظایف عبارتند از:

- مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی و نیز همکاری و اتحاد عمل و مشاوره و همکاری سازمان و حزب با هدف ارتقا وحدت کمونیستی به سطح وحدتی همچنان به
- مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی و نیز اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات سازمان با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران.
- کار بست اشکال و شیوه های موثر متنوع مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هرگونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونیستی و در حفظ پاکیزگی آن.
- سازمان به موازات مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران، برای نیرومندی و تقویت پایگاه توده ای خود، یعنی برای تبلیغ مواضع سازمان و وسیع خلق تحت رهبری خود مبارزه می کند. هر چه سازمان نیرومندتر گردد، جنبش کمونیستی و کارگری مبین ما قوی تر خواهد شد.
- در مبارزه بخاطر تأمین وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزب واحد پیشا هک طبقه کارگر ایران، باید لزوماً اهمیت تأمین وحدت فکری و سیاسی با سایر سازمانهای معتقد به مارکسیسم - لنینیسم، از جمله گروه منشعب از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - پیرو بیانه ۱۶ آذر سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و برخی گروه های مشا به نیز مورد توجه قرار گیرد. اما منته تا چیزی تا تیر مستقیم حرکت و فعالیت این جویانها در کشور نمی تواند بنا بر این توجیه ما به اهمیت مواضع گردد. و تأمین این است که با تبدیل رودر رویی و خصومت این گروه ها به سوی همکاری در مبارزه بخاطر سرنگونی رژیم، در عمل نیروی به مراتب بیشتری از جمع جنبش نیروهای ما به سوی دفاع از مواضع طبقه کارگر مواضع پیشا هک آن جلب خواهند.
- مساله مقدمه کار این گروه ها باید در رابطه با اتحاد عمل با سایر نیروهای دموکراتیک کشور حل کنند. آن است که آنها در عمل همکاری با سایر نیروهای مارکسیستی، دموکرات و مترقی را به علت اختلاف نظر در زمینه مسائل ایدئولوژیک بکلی نفی و اتحاد عمل علیه ارتجاع حاکم ایران و امپریالیسم جهانی را موکول به حل اختلافات مذکور می کنند. به علاوه آنها با سایر خواهان اتحاد دموکراتیک نشده اند و باید پذیرش رهبری خود را شرط



تشکیل جبهه یا اتحاد با سایر نیروهای ترقیخواه کشور قرار می دهیم. ما با چنین سیاستی موافق نیستیم. تا شریعتی این نحوه برخورد فقط و فقط تصویب مواضع طبقه کارگر و پرولتاریا در درون درویدها و کشاوران، مملو و واقعیت این است که سمت اساسی مبارزه سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) علیه رژیم خمینی و برای سرنگونی آن و گشودن راه تاسیس اساسی ترین خواسته های مردم، با وظایف مبرمی که راه کارگر و پرولتاریا و بیابان ۱۶ آذربایرویی خود قرار می دهند، نه تنها نافی یکدیگری نیست، بلکه مشخصا در یک راستا است. اما متاسفانه این دو سازمان و محافل مشابه بجای تکیه بر این نقاط وحدت و کوشش متواکنه برای گسترش دامنه آن، مبارزه علیه سازمان و خصوصیت با آن را به سود خود می بندارند. اما ما هرگز نه این سیاست آن را به سود آنها نشان تلقی کرده ایم و نه مقابله به مثل را به سود مردم ایران تلقی خواهیم کرد. باشد که استواری صادقانه در مواضع مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و بیپارسی امان علیه هرگونه انحراف از آن، و پیشبرد فعالانه و فداکارانه مبارزه علیه رژیم خمینی - ونقیی که عملا در جنبش کارگری و توده های ایران بر عهده داریم، سرانجام راه همکاری، اتحاد عمل، وحدت فکری، سیاسی و سازمانی با دست کم اکثریت این نیروها را بگشاید.

مترقی و بویژه حق تشکل، افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل تا مین ممکن مناسب و ارزان، تامین خدمات بهداشتی و درمانی، تامین خدمات اجتماعی، قطع استرداد کارخانجات دولتی به سرمایه داران، قطع اعزام به جبهه و اخراج کارگری روز حقوق اجباری برای جبهه، انحلال انجمن های اسلامی و قطع مذاخله کمیته ها و سپاه و وزارت اطلاعات در مناسبات میان کارگر و کارفرما، اهم خواسته های کارگران و موضوع مبارزه و مطالبه آن ها است.

اکنون اختناق پلیسی حاکم بر کارخانجات یکی از حادث ترین مایه های کارگران مبارز میهن ما است. تمرکز کار سازمان یافته پلیسی سیاسی در واحدهای استراتژیک نظیر صنایع نفت، ذوب آهن، نیروگاه ها که طبقه طبق قانون ارتجاعی شورا های اسلامی کار هر نوع تشکلی در آنها ممنوع است، از عمده ترین تشنات رژیم علیه کارگران پیشرو این واحدها است. تدوین لایحه قانون کار اسلامی، تصویب قانون شورا های اسلامی و اجرای آیین نامه انتخابات آن، تبلیغ طرح عوام فریبانه فروش به کارخانه های دولتی به کارگران، تعیین سهمیه ای معادل ۲۰٪ کارگران واحدها برای اعزام به جبهه ها، سازمان دادن ارتجاعی انجمن های اسلامی و دوا بر حراست کارخانه ها و بخش فدکا رگری سپاه و کمیته ها با وزارت اطلاعات جهت سرکوب ها همگام با آنها، استفاده از توابین و عناصر نفوذی جهت سرکوب آنها مهم ترین اقدامات و تلاش های رژیم برای مقابله با جنبش کارگری و مهار و سرکوب آن طی ۱۸ ماهه اخیر است.

در این دوره تا شریعتی فعالیت آگاهانه هکرانه و افشاگرانه سازمان در جهت ارتقا جنبش کارگری مشیت بود. این افشاگریها و آگاهی کارگران، طرح عوام فریبانه فروش سهام کارخانه ها را با واکنش منفی روبرو کرد. اجرای بخشنامه ۲۰ درصدی اعزام کارگران به جبهه منبیا مشکلات روز افزون روبرو شد. تعداد زیادی از طرح های پلیسی رژیم در کارخانه ها در اثر فعالیت ما ویداری کارگران خنثی گردید.

علیرغم فشارها و رژیم، پیش از ۲۰۰۰ اعتبار کارگری در فاصله مهر ۶۳ تا فروردین ۶۴ رخ داد. بیشترین اعتبار ها در صنایع بزرگ بود. دوسوم این اعتبار ها موفق بودند. اما در این دوره کم کارگی همچنان شکل اصلی و رایج ترین شکل مبارزه کارگران باقی ماند. در اثر مبارزات کارگری در این دوره ۱۳٪ بر حاد قل دستمزد ها فرود شد. گرچه این افزایش بسیار ناچیز و حتی کمتر از میزان تورم است اما یک پیروزی در مبارزه جاری کارگری محسوب می شود.

سازمان ما برای رهبری و ارتقاء مبارزات کارگری و ایجاد تشکل های منفی مستقل، تلاش می کند که هسته های منفی کارگری تشکل شده و و تحکیم ما باشد. در این تلاش ها موفقیت وجود داشته اما غیر کافی بوده است. تجربه نشان داده است که هر جا که محفل کارگری وجود داشته، با پیوسته ها سریعتر شکل گرفته اند. سیاست ما در زمینه تشکل های منفی عبارت است از تشکل کردن کارگران در دستکها. تعیین کارگری ما برای حفظ و تحکیم دستکها مبارزه می کنند. در این تلاش ما زمانه می کشد که رهبری شورا های اسلامی کار را در دست عوام مل حکومت خارج شود و به بنیاد کارگران منتقل شود. در این زمینه هدف ما تسخیر رهبری تشکل های زرد و تبدیل آن به تشکل های مستقل منفی است.

گسترش کار تبلیغی، ترویجی و سازمان نگارانه در میان کارگران و زمین کشان و وظیفه محوری ما است. سازمان ما تلاش می کند که رهبری مبارزه کارگران در کارخانه ها و واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی را بدست گیرد. اعلا و هواداران سازمان ما به بیشتر از گذشته انرژی خود را به کار سازمان نگارانه، تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دموکراتیک در میان کارگران اختصاص می دهند. قبل از همه صنعت نفت و سایر واحدهای بزرگ استراتژیک تولیدی و خدماتی نظیر ذوب آهن، نیروگاه ها، معابر و راه آهن باید مورد توجه قرار گیرند. کار بر اساس نقشه و کنترل پیشرفت کار، تلاش در جهت احیای آشنایی ها و روابط قطع شده در محیط های کارگری، از نخستین گامها بشمار می روند.

وضع دشواری که بر زندگی روستاییان حاکم است، محرک انسان در آفرینش جنبش توده های دهقانی است. این جنبش علیرغم حمایت رژیم و ارگانهای سرکوب آن از بزرگ مالکان، برای دستیابی به خواسته های خود همچنان در تلاش و مبارزه است. اکنون مبارزه حادی میان دهقانان زحمتکش و بزرگ مالکانی که به روستا برمی گردوند و نیز دنگا های شرع و ارگانهای تهرانی آن در روستا ها در جریان است. توده دهقانان علیه تعرض بزرگ مالکان می ایستند و حتی علیه آنان به اعمال قهری نیز متوسل می شوند. رژیم علیرغم سرکوب خشن قادر به غلبه بر این جنبش و خاموشی آن نشده است. علاوه بر آن ایستادگی دهقانان در برابر رژیم افزایش می یابد. زیرا آگاهی آنان به ضرورت استقرار صلح که خود را در فرآیند و مشمولین در پناه دادن به سربازان فراری می نمایاند، در حال گسترش است. زمین و صلح از مهمترین خواسته های توده دهقانان است.

ما در تلاشیم پس از آنکه در مقیاس تمام کشور در میان دهقانان فعالیت و مبارزه مطالباتی آنان را سازمان دهی می کنیم. در این زمینه نقش سازمان واقعا مؤثر بود. در طی یکی دو سال اخیر متاسفانه با بدگفت سطح فعالیت ما در روستا ها در شرف پیروزی است. و دهنتی به حد قابل رسیده و در بسیاری موارد اصلا فعلیتی وجود ندارد. توجه به تجدید فعالیت سازمان در روستا ها، نظریه نقش اجتماعی دهقانان که از گروه های بزرگ جامعه ما هستند، از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

در اینجا بجایست چسبیم "اقلیت" که نزدیک به ۶ سال پیش از سازمان اشعار گردید و نیز مورد اشاره قرار گیرد. این جریان که تحت عنوان "سازمان چریکهای فدایی خلق" فعالیت خود را آغاز کرد، راه غم انگیزی را طی این مدت پیموده است. این جریان نه تنها برضعتها و انحرافات خود غلبه نکرد، بلکه همراه با تحمل انشعابات، بکرمشما و مصداق در همان راه کج تا امروز پیش رفته است. جای تاسف بسیار است که رهبری فعلی ایسمن جریان امروز تنها عرصه فعالیت خود را در خارج از کشور و در دنیای فیزیکی خوین با همه جریانهای مترقی و انقلابی ایران یافت. اقلیت طی ایسمن مدت روزی و سوز به تفرقه افتاد است. سکتا رقیم مفروضه کار این گروه و امتاسفانه به آنجا کشیده است که چندی پیش نزدیکترین رفیقان هم راه نیز در این گروه بزوری یکدیگر سلحه کشیدند و بدست خود شهید بر جای گذاشتند و انشعاب خوینی را سازمان دادند. اکنون ۶ سال است که روند انشعاب و تجزیه پیاپی و تشدید حکومت این جریان با سایر نیروهای ترقیخواه ایران پیوسته شده است. با این حال سیاست ما نسبت به این جریان همچنان در جهت سرکوب مقابله آن با سایر نیروهای دموکراتیک و پذیرش همکاری علیه رژیم خمینی از طریق تقویت مواضع نیروهای سالم آن است. علاوه ما در همه جا وظیفه خود می دانیم که علیرغم خصومت جا د این جریان با سازمان، از فعالین آن در برابر بیورس سرکوبگرانه رژیم تا هر جا که ممکن است حمایت کنیم.

رفقا!

بدرین ترتیب سازمان ما به موازات مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران، در راه اتحاد نیروهای فدا مبریا لیستی، دموکراتیک و انقلابی - سوسی در جبهه متحد خلق نیز مبارزه می کند. این دو مبارزه نه تنها نافی یکدیگر نیستند، بلکه مشخصا در خدمت یکدیگر قرار می گیرند. همانطور که مشاهده می کنید، تشکیل هر چه سریعتر جبهه های که همه نیروهای انقلابی و مترقی کشور را دربر گیرد، ضرورت تام و تمام دارد. آرایش نیروهای سوسیالیستی کشور را کسی از آن است که در حال حاضر نیروها بی که می توانند در جبهه متحد خلق شرکت کنند عبارتند از: سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، گروه و منسحب سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - پیروان بنیادینه ۱۶ آذر، سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) و سایر نیروهای مشابه سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب دمکرات کردستان ایران و سایر جریانهای ملی در سایر مناطق کشور. باید کوشیدیم محافل و شخصیت های ملی و مترقی و دموکراتیک با جنگ و "ولایت فقیه" مخالفان و اتحاد با این جبهه جلب گردند. تشکیل چنین جبهه های از مسایل حاومیرم جنبش ما است. در این میان وظیفه ما سازمان ما بسیار سنگین و خطیر است. فداییان خلق با همه مایل با رسیخ فعالیت خویشی خود پیاپی فرایند هم در راه متحد و متشکل کردن طبقه کارگر و جنبش توده های و هدایت آن هم در راه متحد و متشکل کردن نیروهای انقلابی و مترقی و پیوند این دو وظیفه با یکدیگر، در وضع کنونی آرایش سیاسی نیروها، این گرده می تاریخیه همه نیروهای فدا مبریا لیستی دموکراتیک و انقلابی ایران را به بدرک مسئولیت تاریخی خود فراموشی خوانند و آنان را به پاسخگویی مثبت به فراخوان های سازمان دعوت می کند.

جنبش توده های و وظایف ما

سیاست ضدملی و ضد دموکراتیک رژیم بویژه ادا ما جنون آمیز جنگ ارتجاعی توده های خلق را به سوی تشدید مبارزه برای تحقق خواسته های خردسوق توده است. در این مبارزه، توده ها هر چه بیشتر درک می کنند که تا رژیم خمینی هست هیچیک از مطالبات و آرزوهای دیرین آنان تحقق نخواهد یافت. در این میان قبل از همه باید از جنبش فراگیر صلح تا مبرد. این جنبش وسیع ترین اقشار و طبقات جامعه ما را در بر می گیرد. خیل عظیم قریبانیان این جنگ کشیک کارگران، دهقانان و بویژه جوانان زحمتکش اند. زمین کشان از ادا ما جنگ بیشترین زیان را متحمل می شوند. و خامت روز افزون وضع زندگی مردم، بیکاری و گرانی و خشنناک که گلوئی مردم را می فشارد، قبل از همه ناشی از ادا ما جنگ است. این جنگ حتی منافع سرمایه دارانی را هم که به آرزو حمایت مالی دولت نیاز مندند، به خطر انداخته است. آنها نیز سز خواهان قطع جنگ اند. مبارزه در راه بسیج همگانی برای صلح و ارتقا آن تا سطح مبارزه قاطع توده های علیه رژیم از ضرورتی است که نیست. فداییان خلق در انجام این وظیفه دلیرانه بیگاری می کنند. در بسیاری از اعتراضات و نظرات توده های علیه جنگ بویژه در نظرات توده های محله ۱۲ آن نیروهای ما نقش برجسته ای داشته اند. در اعتراضات مردم علیه جنگ، متنش و تیرا شریعتی در خلق در حال افزایش است.

قطع فوری جنگ و برقراری صلح مهمترین خواست پرسنل مین مین مبارزه و صلح دوست نیروهای صلح ایران نیز هست. تبلیغ صلح و هدایت مبارزه سربازان و درجه داران و افسران علیه جنگ، در جبهه ها و پادگان ها و تشویق آنان به امتناع از شرکت در ادا ما جنگ با بیدیه عرصه مهم بیگاری ما در راه صلح تبدیل گردد. اکنون جریانهای بورژوازی تالی می کنند و در راه در دست گیرند. باید مانع تحقق این امر شد و در این رابطه نیز لازم است که سازمان، همه اعلا و هواداران آن، در شهرها و روستا ها، در میان همه اقشار و طبقات مردمی، در پادگان ها و در جبهه ها فعالیت خود را علیه جنگ و برای صلح بیشتر از گذشته گسترش دهند.

جنبش توده های کارگری همچنان فعال است. قطع اخراج ها، قانون کسار

آنان برای سرنگونی رژیم و نشانه بارز فکالت زندگی آنان است. رفقا!

با استقرار رژیم ولایت فقیه مسالنه‌زان به یکی از مسایل حاد کشور تبدیل شد. رژیم با قوانین بسیار ارتجاعی وظالمانه‌ای که به جامعه تحمیل کرده است، اساس زندگی خانواده‌ها را با خطر تلاشی مواجه ساخته است. رژیم می‌کوشد بخش عمده‌ای از نیروی مولد جامعه را از فعالیت تولیدی و اجتماعی خارج سازد. برخورد سبابت‌ظالمانه و نفرت‌انگیز رژیم با زنان امروز اعتراض‌ها را به بصری علیه آن رابرت‌انگیز ساخته است.

مبارزه توده‌ای و همه‌گیر علیه قوانین بی‌گناهی ارتجاعی رژیم در زمینه حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی زن، مبارزه علیه تحمیل اجباری چادر و اجتناب از زنان، مبارزه علیه هرگونه رفتار رتوئین آمیز و غیرانسانانه در دستگاه حزب الله با زنان، افشای پیگیری‌ها و محاسباتی که در دکان‌های مذهب و محاکم شرع علیه زنان و سازمان‌دهی هر نوع اعتراض علیه این اجکام مبارزه برای تأمین حق کار و امنیت شغلی در جهت تأمین برابری کامل حقوق زن و مرد، از موثرترین و مبرم‌ترین عرصه‌های کارزار دموکراتیک علیه رژیم ولایت فقیه است.

رژیم برای تحقق زنان، محافل متعددی را ایجاد کرده است. افشای ماهیت و اهداف و گردانندگان این محافل از وظایف مبرم مردم آگاهانه ایران است.

در شرایط فعلی ایجاد گسترش محافل و تشکل‌های محلی زنان آگاهانه و دموکرات با مضمون کارورستانه در میان توده‌زنان و افشای علیه جنبات رژیم در حق زن و سازمان‌دهی حرکات اعتراضی آنان، دارای اهمیت جدی است. خانواده‌ها و زندانیان سیاسی می‌توانند نقش موثری در این عرصه بر عهده گیرند.

افشای پیرامون سیاست و رفتار خشن و جناح‌پنکارانه رژیم علیه زنان در سطح بین‌المللی نیز یکی از مهمترین و موثرترین عرصه‌های افشای ماهیت رژیم است. ما می‌کوشیم در این عرصه فعال‌تر از گذشته به وظایف خود عمل کنیم.

دانشگاه‌ها و مدارس عرصه دیگری از مبارزه علیه رژیم اند. در ۱/۵ سال اخیر، مبارزات نیروهای انقلابی و دانشجویان آزادیخواه بیش از همه متوجه انقراض ماهیت ضدانقلابی، سبای انقلاب فرهنگی، و جریانات وابسته به آن، انجمن‌های اسلامی دانشگاه، برای توده‌ها و دانشجویان بوده است.

برنامه این جریانات برای اسلامی کردن دانشگاه سرنوشتی بی‌گناهی است. برای دانشگاه‌ها رقم زد. از همان ابتدا دانشجویان مبارزان اصلی تهاجم رژیم بردانشگاه‌ها بوده‌اند. آنها هزاران اخراج، زندانی و شهید دادند. امروز علیرغم سرکوب و خشونت‌ها جنبش دانشجویی جوان‌های احیای این جنبش و روندیابی نقش آن در مبارزه عمومی علیه ارتجاع در حال رشد است. یکی از راه‌های احیای این جنبش مبارزه قاطع علیه ارتجاع در دانشگاه و برای تحقق مطالبات مصلحتی و عمومی دانشجویان است. این جنبش هر چه بیشتر احیا شود نقش مهمتری در مبارزه افکارانه علیه رژیم ایفا خواهد کرد.

در طی ۱۸ سال اخیر علاوه بر آخوندها و حزب الله، عمال وزارت اطلاعات نیز بردانشگاه دست انداخته و می‌کوشند که با کنترل کنکور و کزبیش دانشجویان و با ادامه دستگیری و زندانی و مجازات مبارزان، مانع اعتلای مبارزه دانشجویی شوند. انتصابات جدید دانشگاه نیز در این راستا انجام گرفته است. منصوبین مربوطه همچنین وظیفه دارند که سطح علمی و کارکرد آموزشی دانشگاه را کنترل دهند که بسط "فقیه" نزدیک شود.

سطح کنونی مبارزه دانشجویان در مقایسه با گذشته که رژیم علیه این نیروی راه انداخته، عمق نفرت توده دانشجویان و دانشگاہیان را از رژیم خمینی نشان می‌دهد. اکنون قطع تسلط و یکه‌تازی آخوندها بردانشگاه، انحلال انجمن اسلامی و ستاد انقلاب فرهنگی و دیگر ارگان‌های جاسوسی رژیم، کسب حق تشکل صنفی و آزادی فعالیت سیاسی و اجتماعی، لایحه ضوابط ارتجاعی کنکور و پذیرش دانشجو، لایحه‌هایی که در ارتجاع، منبع هرگونه مخالفت نیروهای پیشرو، انتظامی و اطلاعاتی در دانشگاه از عمده‌ترین خواسته توده دانشجویان است. دانشجویان پیشگام در راه‌گشایی آوردن فعالیت‌های دانشجویان مترقی در هسته‌های مخفی برای هدایت مبارزه دانشجویی تلاش می‌کنند.

در مدارس نیز ارگان‌های ارتجاع نظیر دوا پیرامون تربیتی و انجمن‌های اسلامی با خرافاتی کردن دانش آموزان برای گسیل آنان به جبهه، با سرکوب و تشویه دانش آموزان و معلمین مترقی، جنبات خود بردانشگاه‌ها در مدارس تکرار می‌کنند. در سال ۶۴ وزارت آموزش و پرورش بیش از ۱۰۰ هزار دانش‌آموز و ۳ هزار آموزگار و کارمندان وزارتخانه را بزرورهای جبهه‌های بی‌بازگشت کرد.

علیرغم تلاش‌های ارتجاع، مبارزات جوانان گسترش می‌یابد. حوادث مه‌آلود ۲۳ درامه تهران و تظاهرات بزرگ دانش‌آموزان تهران

به نیروهای صلح‌دوست...

مردم صلح دوست جهان! پنج سال ونیم است که آتش جنگ خانمانسوز ایران و عراق شعله‌ور است و سران جنگ طلب رژیم جمهوری اسلامی ایران با نجات‌دهنده‌ها ارتجاعی خود خرابه‌ها را در آن نیستند، در نتیجه ایمن جنگ خانمانسوز صدها هزار ایرانی عراقی کشته و معلول شده‌اند. آثار آوارگان، ناپدیدشدگان و اسرای جنگی ایران به مرز ۲/۵ میلیون می‌رسد، بخش‌های بزرگی از صنعت و کشاورزی دره استان کشور ما نابود شده و ۵۱ شهر ۲۰۹۱ روستای مینهن ما جز خرابه‌ای باقی نمانده است. این جنگ بر علیه هدفهای ترقیخواهانه و برونزایی منافع خلق‌های ایران و عراق و دیگر خلق‌های منطقه ما شعله‌ور گردید و چون اهرمی برای تحکیم سلطه ارتجاع و پیشبرد سیاست‌ها علیه گران و وسیله تریستی امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه بکار گرفته شد. جنگ ایران و عراق دست‌وپرا میریالیسم آمریکا برای تبدیل منطقه ما به انبار اسلحه‌های بزرگبار، شهیدشدنش فرا می‌خطر بزرگی برای صلح جهان است.

مردم ما خواهان صلح اند و برای پایان بخشیدن به مصیبت‌های گرانبار جنگ علیه رژیم جنگ طلب خمینی بیکار می‌کنند. دستیابی به صلح هدف مقدم مبارزه مردم ما علیه ارتجاع و امپریالیسم است. ما قطعاً نسبی پیش‌ازین صلح را از مبارزات مردم خود طلب می‌کنیم. فریاد اعتراض خود را علیه ادامه جنگ ایران و عراق را سراسر می‌زدیم.

مردم آزاده جهان! در رژیم استبداد مذهبی خمینی، کامکان همه آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم به خشن‌ترین شکل با بمباران می‌گردد. در رژیم جمهوری اسلامی ایران هیچیک از اصول پذیرفته شده "حقوق بشر" جاری نمی‌شود. رژیم خمینی که همچون نمونه‌های قرون وسطایی بنام "حکومت‌الله" بر سر نشو و نشود و مقدرات مردم و مینهن ما حکم می‌راند

در "دهه فجر" سال گذشته، و نیز با عتصا با ت صنفی اخیر دانشجویان در تعدادی از دانشگاه‌ها موبداین ارزیابی است. سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) با شرایط حقیقت‌گویی مبارزه خود را برای سازماندهی مبارزه اعتراضی دانشجویی و دانش‌آموزی و احیای جنبش دانشجویی ادامه می‌دهد. و تلاش می‌کند به دانشجویان در این مبارزه با یاری رساند. نظریه نقش جوانان در گسترش مبارزات آتی علیه رژیم، نظریه شما روشن‌تر از آن است، سازمان‌دهی مبارزات جوانان باید جدی گرفته شود. و واحدهای سازمانی اهمیت آن را درک کنند. امروز تقویت و پایداری دادن به سازمان جوانان فدایی برای آنکه نقش بیشتری در مبارزه جوانان بعهده گیرد، اهمیت کلیدی برای مبارزه انقلابی جوانان دارد.

برای اینکه با ننگ آزادیخواهی، مخالفت با جنگ، راهی از اسارت ولایت فقیه و سرکوبگری رژیم در صفوف نیروهای مسلح رها سازد و می‌باید پرسنل آگاه و مبارز موفق شوند که با حداکثر ملاحظاتی امنیتی هسته‌های مخفی، تشکیل دهند. ارتجاع برای کنترل مینهن پرستان ارتش هر روز بیشتر از گذشته دوا پرسیاسی، ایدئولوژیک و انجمن‌های جاسوسی اسلامی و ارگان‌های اطلاعاتی درون ارتش را تقویت می‌کند. دوا پرسیاسی ایدئولوژیک مورد نفرت توده‌های مسلح، در ارتش و سپاه است و ناسودنی آنها آرزوی پرسنل است. ارگان‌های ارتجاع امروز بیشتر از هر موقع در مقابل مبارزات پرسنل ملحق طلب و فرار آنها مرتکب جنایت می‌شوند. علیرغم جنبات پنهانی رژیم، جنبش صلح راه خود را در جبهه‌ها و پادگان‌ها می‌گشاید.

رفقا!

طرح شعارهای تاکتیکی صحیح در بسیج توده‌ها و گشودن راه ارتقای جنبش‌های توده‌ای موجود و نیز در هموار کردن راه تفاهم و نزدیکی نیروهای دموکراتیک اهمیت ویژه‌ای دارد. برخی از این شعارها را از نگاه خواسته‌های حداکثری را با زتاب می‌دهند و برای توده‌های وسیع خلق قابل درک و مطالبه هستند. قدرت آنرا دارند که در شرایط کنونی توده‌های وسیع خلق را حول خود بسیج کنند و در مطالعه خواسته‌های بالاتر و سیاسی تری را بگشایند. به علاوه ویژگی‌های این شعارها آن است که قادرند طیف وسیع تری از اقشار و طبقات جامعه را علیه سیاست‌های رژیم متحد کنند. در شرایط فعلی شعارهای "زنده باد صلح"، "زنده باد آزادی" وسیع‌ترین اقشار و طبقات جامعه ما را در مبارزه علیه رژیم حاکم بسیج می‌کنند. علاوه بر آن شعارهای برنا ما در جمله: کار برای همه، زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند، در مرحله کنونی بسیج‌گرند. این شعارها می‌باید وسیع‌تر به میان توده‌ها برده شود.

رفقا!

اعتراض و مبارزه اقشار و طبقات ملی و دموکراتیک کشور علیه هیات حاکم برای خواسته‌ها و مطالباتشان در حال رشد است. توده‌های خلق در هر گام از پیشرفت مبارزه‌شان، تجربیات تازه‌ای بدست می‌آورند و آگاهانه ترمی شوند. در مبارزات و اعتراضات جاری کشور، میلیون‌ها نفر شرکت دارند. اما نقش وزن این مبارزات در تعیین مسیر و وضع عمومی کشور هنوز قابل ملاحظه نیست. علت این وضع آن است که این مبارزات و جنبش‌ها از ضعف‌هایی که دارند به شدت رنج می‌برند و از ایفای نقش شایسته بازمی‌مانند.

امروز جنبش‌ها و مبارزات توده‌ای بیشتر خود بخودی عمل می‌کنند سازمان‌یافته، طی سال‌های اخیر بسیج‌های از مبارزات و اعتراضات توده‌ای علیه جنگ، علیه نهادهای سرکوب رژیم و غیره جدا از یکدیگر رخ داده است. رژیم با استفاده از این پراکندگی بسیار از آژانس‌ها سرکوب کرده. خصلت خود بخودی جنبش توده‌ای قبل از همه با خلا رهبری سیاسی جنبش توده‌ای ارتباط می‌یابد. جنبش توده‌ای از پایین بودن سطح آگاهی و تشکل طبقاتی هر منرج می‌برد. این نقص و وظیفه سنگینی را در جهت ارتقای سطح آگاهی و تشکل طبقاتی آن در برابر ما قرار می‌دهد. در اثر این ضعف وزن شعارها و خواسته‌های سیاسی در مجموعه مطالبات جنبش توده‌ای هنوز قابل ملاحظه نیست. البته باید گفت که اعتراضات و مبارزات توده‌ای به وسیله در رژیم با آگاهی سیاسی است و در جریان درگیری توده‌ها با ارگان‌های سرکوب رژیم درک سیاسی آنان ارتقا می‌یابد و شعارهای سیاسی زمینه طرح و نفوذ بیشتری می‌یابند.

طی سال اخیر سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) کوشیده است که با افزایش شدید فعالیت سیاسی و تبلیغاتی خود در سراسر کشور و گسترش کار در میان توده‌های خلق از یک طرف، و دعوت هر چه فعال‌تر و وسیع‌تر نیروهای ملی و دموکراتیک کشور به اتحاد در یک جبهه گسترده که می‌تواند اکثریت توده‌ها را عمل می‌کند، از طرف دیگر گام‌های برداشته‌ای در زمینه مبارزه و آژانس‌ها سطح یک جنبش فراگیر انقلابی که نابودی رژیم را آماج مبارزه خود قرار می‌دهد، ارتقا دهد.

بر سر بنده پاسداران خود متکی است. رژیم ولایت فقیه به جنبش فداییان مردم و مطالبات کارگران، دهقانان و اقشار دموکراتیک، زنان و جوانان و انقلابی‌های ملی و مذهبی کشور با شلیک گلوله‌های مسموم می‌کشد. در شکنجه‌های رژیم، مینهن پرستان و نیروهای صلح دوست و ترقیخواه کشور جز گش می‌شوند. زندانیان سیاسی راه همه‌شبه قرون وسطایی و هم‌با مدرن‌ترین ابزار شکنجه و آزار می‌دهند. زندانیان سیاسی در دکان‌های قرون وسطایی، بدون آنکه حق دفاع از خود داشته باشند محکوم به مرگ می‌شوند. در بسیاری موارد فعالیت‌های سیاسی بدون محاکمه به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند، هم‌اکنون ده‌ها هزار فرستادن سیاسی سازمان فداییان خلق ایران در زندان‌ها و زندان‌های رژیم بسر می‌برند و سر نشو و نشود و آینه‌ها را معلوم است. در طول دوران گذشته، زمین‌ها و رهبران و کارکنان مسئول سازمان ما ۱۳۰ تن در شکنجه‌ها و زندان‌ها می‌مانند و اقدام رژیم به شهادت رسیده‌اند.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با پاساگذاری از حمایت بین‌المللی علیه ترقیخواه جهان از مبارزات مردم ایران، از همه مردم آزاده جهان، از سازمان‌های دموکراتیک بین‌المللی، از کلیه احزاب و سازمان‌های مترقی دعوت می‌کند. همچنان حمایت خود را از مبارزات مردم مینهن ما در راه تأمین صلح و آزادی و زها بی‌زندانان سیاسی گسترش دهند.

پایا در صلح جهان

پایا در صلح جهان است. پایا در صلح جهان است. پایا در صلح جهان است. پایا در صلح جهان است. پایا در صلح جهان است.

کسترده با دهمینگی بین‌المللی با مبارزات مردم ایران در راه صلح و آزادی و نجات جهان زندانیان سیاسی

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان

به زندانیان سیاسی

همزمان دربند!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به شما فرزندان راستین خلق که در دشوارترین و غیراسانی ترین شرایط، پنجه در پنجه دژخیمان به دفاع از آرمان های ترقیخواهانه خود ایستادهاید با شوری وصفناپذیر درود می فرستد.

رفقای دربند!

مردم همه مبارزان ایران، با یمردی و استواریتان را در اسارتگاهها و شکنجهگاههای رژیم جبار خمینی جلوه تابناکی از عزم و رزم خود می شناسند که صبح آزادی را نوید می دهد. سنت قهرمانی و پایداری در جنگ را خون چکان دژخیمان همواره از حماسی ترین فصول تاریخ مبارزات فداییان خلق بوده است.

به تاریخ می توان دروغ گفته اما تاریخ دروغ نمی گوید. به گواهی تاریخ، دژخیمان در بهر زمان خود را در انقلابیون کمونیست جزئی و شکست طرفی نبسته اند. کاروان حیدرخان و رانی با روزها، جزئی ها... و امروز تا بان ها، غیرایی ها، کمیشن ها، قزلبچه ها... در گذر است. تاریخ بیگسار خلق قهرمان ما در راه رهایی ملی و اجتماعی با خون سرخ و مقدس کمونیستهای ایران برشته تحریر کرده است. ما را نمی توان بهر زمان خود را در انقلاب پیروزان در زندان ها و شکنجهگاهها این است که در برابر دژخیمان که گوش به صدای مای خلق بسیاریم و چونان خلق، برپای ایستاده و افراشته سرود زخمی پوزخند تحقیر و شکست زنییم. ما از شما که به شایستگی بهترین سنن جنبش انقلابی مردم میهنان را پاس می دارید نیروی گیریم و پایداری می آموزیم. اکنون حماسه مقاومت شما برگ های زرین تاریخ ایران است. افتخارات جنبش ما افزوده است که الهام بخش مبارزان راه صلح و آزادی و سعادت خلقها در سراسر جهان است.

همزمان دربند!

رژیم ولایت فقیه جا معه را در جرحان همه جانبه ای فرور برده است. جنگ، استبداد مذهبی، و رشکستگي اقتصادی، انحطاط فرهنگی میهن ما را به تباهی کشانده است. خیانت رژیم خمینی به اهداف ترقیخواهانه ها در انقلاب بیگسار با نفرت ستیزنده توده های مردم روبروست. مبارزات توده های زحمتکش در شهرها و روستا های کشور علیه رژیم ولایت فقیه هر روز گسترش تا زده ای می یابد. مبارزات کارگران پیش جنبش توده ای و سعت می گیرند و در فراسوی مبارزات می یابد. رژیم خمینی بنا به سرشت ارتجاعی خود که پاسدار زمامت اقطاع و طبقات و کارگر بیخون تجار و ملاکین است با گلوله های آتشین به خواستهای عدالت خواهانه کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش و دیوگرات جامعه پاسخ می گوید اما قدر نیست از رشد و تعمیق مبارزات مردم جلوگیری کند. انقلابیون و مبارزان راه صلح و آزادی که ما ج سرکوب و حسیا نه رژیم اند پیوند خود را با مردم استوار و استوارتر می سازند. در این میان سازمان ما، مبتنا به کردانی از پیشاهنگ طبقه کارگران ایران با کام های مطمئن به سوی جا بگانه شایسته خود در میان کارگران و زحمتکشان کشور راه می گشاید. سازمان ما می کوشد پیش از پیش رهبری مبارزات کارگران را به دست گیرد و نقشش را هدایت کننده خود را در جنبش انقلابی خلق ارتقاء ببخشد. این همه گواه آن است که رزم رنجبار زحمتکشان و انقلابیون کشور، در زندان و بیرون از زندان در تدارک پیروزی خلق با موفقیت و کامیابی فرین است. این است بشارت نیروی پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به شما زندانیان سیاسی ایران.

همزمان دربند! هدف جلادان خمینی درهم شکستن روحیه مقاومت و ورزجویان شماست. شکنجه های وحشتناک جسمی و روحی حربه جنايتکارانه رژیم در دستيابی به اهداف مقصود پلید است. رژیم برای درهم شکستن شما تردیدی پراکنده و تلاش می کند در صفوف متحدان رخنه ایجاد کند و پیوندتان را با مبارزات مردم و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه کشور بگسلد. برعهده شماست که توطئه جنايتکارانه رژیم را بی اثر سازید. شما معتقدات سیاسی و مسلکی، متفاوتی دارید اما این حال بیگسار شما را یک تا زیانه می در دو قلب یا رانتان را یک شلیک از حرکت بازمی دارد. پس صرف نظر از تفاوت های سیاسی و مسلکی، همگاری و اتحاد عمل خود را علیه جلادان رژیم که به یکسان بر شما سترو می دارند، تحکیم کنید. ما از شما می طلبیم که در این راه بیگسارانه بکوشید زیرا تنها با سلاح اتحاد می توان دشمن جبار را در پیشبرد اهداف پلیدش ناکام ساخت.

سنت پراچ انقلابیون دربند ایران، یعنی تبدیل زندان به مرکز تبادل تجربه انقلابی توسط شما با یدياس داشته شود، نگذارید نیروی خلافت شما آنگونه که دشمن می طلبد در پشت حصارهای زندان بهر توجیه کشیده شود. کوشش برای ارتقاء سطح آگاهی ایدئولوژیک - سیاسی و معلومات فرهنگی و علمی خود و دیگر زندانیان، پی جویی تحولات سیاسی ایران و جهان، تلاش برای تحکیم ارتباطات با جنبش انقلابی مردم ایران، استکار و خلاقیت در کتب اخبار از خارج زندان از اهم وظایف انقلابی شماست. اطمینان داریم که با انجام شجاعانه وظایف فوق، سرافرازتر خواهید شد، سهم شایسته تری در جنبش انقلابی مردم ایران احراز خواهید کرد.

رفقای دربند! افشای بیگساریات رژیم و آگاهی افکار عمومی ایران و جهان از حقایق موهشی که در زندانهای کشوری گذریده اند، نفع دارد رژیم انجام میدهد و نتایج آن را متوجه آن ساخته است. اکنون فریاد اعتراض مردم ایران به شکنجه های هولناک فرزندان خود را ترازمی شنید. چنین انداز است و مبارزه آنان برای آزادی زندانیان سیاسی هر روز خصلت سازمان یافته تر و گسترده تری می یابد. در نتیجه جنبش اعتراضی مردم و در پرتو روشنگری ما و دیگر نیروهای ترقیخواه کشور، همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ایران گسترش یافته است. در کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران، صدها سازمان انقلابی، دموکرات و بشردوستان در سراسر جهان شرکت فعال دارند. ما اطمینان قاطع داریم که مبارزه متحد مردم ما سرانجام دیوارهای بلند زندان خمینی را فرو خواهد ریخت. نیروی خروشان خلق بر پولاده های سرد زندان خمینی نیز چیره خواهد شد. خلق خروشنده فرزندان راستین خود را از ظلمت اسارت و شکنجه رها خواهد ساخت و در روشنائی آزادی در آغوش خواهد فشرد.

شب زندان و شکنجه با سپیده آزادی پایان خواهد گرفت.

درد آتشین به زندانیان سیاسی ایران
زنده باد آزادی - مرگ بر رژیم ولایت فقیه
گسترده تر با دمبارزات مردم ایران و جهان
برای آزادی زندانیان سیاسی

پلنوم وسیع
کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
فروردین ۱۳۶۵

قهرمان خلق، بزرگترین الهام بخش و سرمشق جوانان فدایی بوده و می باشد.
جوانان پیشگام ایران!
باتقویت و گسترش فعالیت انقلابی خود در دانشگاهها و مدارس و محلات، در میان کارگران و زحمتکشان جوان شهر و روستا و در میان سربازان، بهر چه هم پراختخار و رنجبردیشگام را پیشاپیش مبارزات جوانان ایران به اهتزاز آورید، علیه کشتار رنجبار و زجران در آتش جنگ ارتجاعی خمینی و علیه سیاستهای استعسافانه و اعمال ارتجاعی رژیم خمینی در جا می کشا شدن زندگی، تحصیل سیاستها، کار و سرپرست میلیونیونها جوان و نوجوان کشور. فریاد اعتراض خود را رسا تر سازید. مواضع انقلابی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را هر چه بیشتر به میان مردم ببرید. با گسترش کارگاهها در میان جوانان و نوجوانان آنان را به تشدید اعتراض و مبارزه علیه جنگ و علیه رژیم تبهکار خمینی فریاد کنید. مبارزات جوانان را در راه دستیابی به خواستهایشان و در جهت شرکت فعالتر آنان در جنبش آوج یابنده مردم ایران هدایت کرده و سازمان دهید.

جوانان آگاه و مبارزان ایران!
"سازمان جوانان پیشگام ایران"، سازمان پیشرو جوانان ترقیخواه میهن ما و ستارگ مطمئن رزم جوانان دلبیروز زاده ایران است. به صفوف سازمان جوانان پیشگام ایران به پیوسته، از این سنگر استوار، مبارزه خود را علیه جنگ و علیه رژیم ارتجاعی خمینی و در راه استوار صلح و آزادی، استقلال و بهر روزی مردم ایران و بیروزی سوسیالیسم به پیش ببرید. ما ایمان داریم که نبرد انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران این روزهای سخت چیرگی ارتجاع، این جنگ و تیر و زهر روزی را به پایان برده و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را به گور خواهد سپرد. نام پیشگام، آواز دلبیبری مردم میهن ما، با شکوه و افتخاری بزرگ برجای خواهد آمد. آرمان ما، آماجها و مشای انقلابی ما برحق است. ما پیروز خواهیم شد.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی
گسترده با دمبارزات انقلابی جوانان ایران در راه سرکوشی رژیم خمینی
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا
کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران
خرداد ۱۳۶۵

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران درباره

تغییر نام سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

جوانان رزمنده و ترقیخواه ایران!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در فروردین ماه ۶۵ به پیشنهاد کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، نام سازمان جوانان را به "سازمان جوانان پیشگام ایران" تغییر داد. پلنوم وسیع سازمان همچنین طی قرارهای خود از احدهنگامی سازمانی خواست که برای تقویت و گسترش شبکه های سازمان جوانان پیشگام در سراسر کشور، یاریهای لازم را بعمل آورند. پلنوم با تکیه بر اهمیت و نقش عظیم جنبش جوانان در مبارزه انقلابی میهن ما و وظیفه گسترش پیوند جوانان پیشگام با توده وسیع جوانان و هدایت و سازماندهی مبارزات آنان را بطور جدی مورد تاکید قرار داد.

ممنوبات فوق و دستاوردهای بیرومنده پلنوم وسیع سازمان، پشتوانه ای نیرومند برای پیشبرد فعالیت انقلابی سازمان جوانان پیشگام ایران است. گزینش نام "جوانان پیشگام" که نام آشنا و پیرا سابقه جوانان فدایی خلق را از آغاز فعالیت انقلابی آنان علیه رژیم شاه بوده است نیز در راستای سیاست گسترش فعالیت دموکراتیک در میان اقشار وسیع جوانان کشوری ما باشد. جوانان پیشگام که امروز مبارزهای شجاعانه را در زیر پرچم سرکوب و خونی رژیم خمینی به پیش می برند، همه تلاش خود را به عمل خواهند آورد تا وظایف خطیری را که پلنوم وسیع سازمان پیش روی آنان قرار داده است، با شایستگی به انجام رسانند.

سازمان جوانان پیشگام ایران در این راه، بر تاریخی پراختخار و تاجاری پربار تکیه دارد. جوانان فدایی خلق نبردا انقلابی خود را با عنوان "پیشگام" از دوران قبل از انقلاب بهمن در دانشگاهها و مدارس کشور آغاز نمودند. آنان طی مدت کوتاهی پس از انقلاب به نفوذ وسیعی در میان توده جوانان و نوجوانان ترقیخواه کشور دست یافتند. "پیشگام" تحت رهبری سازمان فداییان خلق، نقشی بی نظیر در آگاهی، فعالیت و متشکل سازماندهی مبارزات جوانان انقلابی و ترقیخواه کشور برعهده داشت. پیشگامان بسیاری در راه مردم به شهادت رسیدند. شرایط دشوار سالهای اخیر و زندان و شکنجه و اعدام، هیچیک قسا در نبوده است شعله رزم انقلابی جوانان فدایی را فرو نشاند. بیگانه دلبیرانه و غرور آفرین فداییان خلق و ایستادگی و شهادت قهرمانانه رهبران و کارکنان اسیر سازمان، از جمله رفقای رهبری جوانان فدایی خلق، رضی الدین تابان و مرتضی میثمی، این فرزندان

پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان

به کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

با دروهای آتشین به زلفای رزمنده کمونیست و خلق قهرمان و بیباک
آفریقای جنوبی

رفقای گرامی!

بیکارخوین، دلوارانه و بیکارچه خلق شما علیه رژیم نژادپرست
و ضدبشری "بوتا" تحت رهبری گنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای
جنوبی که پایه های رژیم بوتا را بلرزده درآورده است، الهام بخش مبارزات
خلقهای سراسر جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع است.
پلنوم وسیع کمیته مرکزی ما زمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، مراتب
عمیق همبستگی انترناسیونالیستی خود را با حزب در حزب کمونیست
آفریقای جنوبی و خلق قهرمان آفریقای جنوبی اعلام می دارد، کمونیستهای
ایران و سایر نیروهای انقلابی و همه مردم زحمتکش کشور ما با علاقتی
و توجه فراوان بیکار را عادلانه و برحق طبقه کارگر، خلق قهرمان شما را دنبال
می کنند و نفرت عمیق از جناحیات بیشمار حکومت نژادپرست و پشتیبانان
امپریالیست آن همبستگی و حمایت قاطع خود را از مبارزه مردم شما برای
سرنوشت این رژیم جنایتکار را برآزمی دارند.

رفقای عزیز!

رژیم "بوتا" که دیگر قاربه تسلط اوضاع کشور نیست روز بروز منفردتر
و بیابروتر می شود، در مقابل مبارزات عادلانه و جنبش انقلابی مردم شما
با دامنش و نیروی روزافزون تری در راه پیروزی به پیش می رود و از حمایت
گسترده تروا نشوید تریشیت مترقی و صلح دوست و نیروهای انقلابی سراسر
جهان برخوردار می گردد.

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان به پیروزی حتمی و آینده تابناک
خلق شما اطمینان کامل دارد و با ردیو با ریدیکر حمایت همه جانبه و قاطع خود را از
بیکار عادلانه خلق شما اعلام می دارد.

زنده با حزب کمونیست آفریقای جنوبی
مستحکم تر باد روابط برادرانه و انترناسیونالیستی حزب
کمونیست آفریقای جنوبی و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
پیروزی با خلق قهرمان آفریقای جنوبی
مستحکم تر باد پیوند خلق های ایران و آفریقای جنوبی

پلنوم وسیع کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
فروردین ۱۳۶۵

داد! در این راه متحد شویم و مبارزات خود را علیه رژیم ولایت فقیه گسترش
دهیم.

زنان مبارز ایران! حرمت و شرف و حقوق شما لگدکوب رژیم ولایت فقیه
است. مشکل شوید و برای دفاع از حیثیت و شرافت خود و حفظ امنیت خانواده
علیه قوانین قرون وسطایی مبارزه کنید. به تحمیلات ارتجاعی رژیم
که شما را از تحصیل و اشتغال محرومی کند، تن ندهید، علیه آن مبارزه
شما کنید.

مادران! علیه جنگ و برای صلح و آزادی بیا خیزید و اجازه ندهید که رژیم
جبار ولایت فقیه شما را در مرکز همسران و فرزندان تن داغد اوسوگوار سازد!

جوانان! آینده سازان ایران! رژیم خمینی کشور را به قبرستان
بزرگ شما تبدیل کرده است. در مدارس و دانشگاه های کشور رژیم می کوشد
اندیشه آینده ساز جوانان را در زندان تاریک اندیشی به بندگندوانان را از
تاریخ و سنن تریقخواهانه جنبش دانشجویی ایران بیگانه سازد. محبط
آکنده از قساوت اعتیاد که رژیم خمینی پیدا کرده و رنده آن است زندگی امروز و
فردایتان را به تباهی تهدید می کند.

جوانان مبارز! سازمان جوانان پیشگام ایران با سادار بهترین، انسان
ترین و انقلابی ترین اهداف و سنن جنبش جوانان کشور است. به سازمان
خود پیوندید و در راه صلح و آزادی و برپایی ایران شکوفان و شکافتاد و
سعادتمند، در راه سرنوشت رژیم ولایت فقیه مبارزه کنید.

پرسنل میهن دوست! رژیم جنگ افروز و ارتجاعی خمینی همچون رژیم
شاهنشاهی شما را در برابر مصالح ملی و مردم ایران قرار داده است. به این
خیانت بزرگ تمکین نکنید، به مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی و
تابودی رژیم ولایت فقیه یاری رسانید.

پرسنل مبارز! صفوف خود را هر چه مشکل تر کنید! پیوند خود را با فداییان
خلق استوار سازید، در راه جلب هر چه بیشتر پرسنل میهن دوست به صفوف
مبارزه مردم ایران به طرق مقتضی تلاش کنید!

مردم مبارز و آزاده ایران!

خیانت رژیم خمینی به اهداف تریقخواهانه انقلاب بهم، به سلطنت طلبان
فرصت مانور و نیزنگ داده است. آنها با لوسانه خود را از آزادیخواه، استقلال
طلب و عدالت گستر معرفی می کنند تا اهداف ضدملی و ضد مردمی شان را از نظر
پنهان سازند. هدف پلید آنها این است که سوار بر موج ارتجاعی مردم
حاکمیت سرتگون شده خود را از نو برقرار کنند و کشور را جولانگاه غارت و چپاول
هزار قایل کرده و میهن بلا کشیده ما را دوباره زیر سلطه همه جانبه امپریالیسم
آمریکا در آورند.

پلنوم وسیع کمیته مرکزی در باره خطر سلطنت طلبان به مردم زحمتکش و
آزاده ایران هشدار می دهد و از آنان می طلبد که در برابر فریب این دشمنان
آزموده خلق به هوشیاری خود بایستند.

سرما به داران لیبرال نیز ملاحظت جوینان با فریاد خشم و نفرت مردم
هم آوایی می کنند. آنها در پی آزادی خود اندوز بر شعار "حاکمیت ملی"
می کوشند که حاکمیت خود را تا ما مستقر نماید، هدف این گروه جلب اعتماد
مردم به خود و تحریف جنبش بوده ای از مسیر انقلابی می باشد. مردم ایران
باید بدانند که لیبرال ها قار در نیستند به خواستهای دموکراتیک و انقلابی
آنان جامعه عمل بپوشانند.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) برای صلح و آزادی و در راه انتقال
قدرت حاکمه به مردم زحمتکش و آزاد ایران مبارزه می کند. هدف ما
استقرار دولتی است که منافع کارگران و دهقانان و اقشار زحمتکش و
دموکراتیک جامعه را نمایندگی می کند، راهنمای آن اهداف رایج بخش
طبقه کارگر ایران است و گام در راه سوسیالیسم، یعنی برپایی ایرانی
مستقل، آزاد و شکوفان و خالی از رژیم و تبعیض و بی عدالتی و استثمار رادارد.
پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، برای
تحقق این هدف مقدس همه نیروهای انقلابی، دموکرات و تریقخواه کشور را که
در راه صلح و آزادی و استقلال میهن و سعادت مردم ایران علیه امپریالیسم
و ارتجاع می رزمند، به اتحاد در هم می آمیزد. درجهبندی خود را برای سرنوشتی
رژیم خمینی فراموشی خواند.

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع، زنده باد صلح و آزادی

زنده باد جنبه متحد خلق

پیروزی با مبارزه خلق در راه سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان
خلق ایران (اکثریت)

فروردین ماه ۱۳۶۵

به مردم ایران

واپستی اقتصا دکشور به نحصار ان امپریالیستی گام برمی دارد. ا مـ سـ ر ی
که کاملاً سلطه سیاسی امپریالیسم بر میهن ما را به دنبال خواهد آورد.

پنج سال ونیم است که کشور در شتور جنگ ایران و عراق می سوزد. مردم
ایران با پیدایش اندک ادعای خمینی و دولت مردان رژیم اومبیتی بر اینکس
ختم فوری جنگ ناممکن است یک دروغ بزرگ، بی شرمانه و جنایتکارانه
است. رژیم خمینی مسئول مستقیم ادامه جنگ، مصیبت های مردم و ویرانی
میهن ما است. دروغ بزرگ و جنایتکارانه خمینی را با ورن کنید، علیه جنگ و ویرانی
صلح بیا خیزید!

هم میهنان! رژیم ولایت فقیه هیچگونه آزادی و حقوقی را برای شما
مردم به رسمیت نمی شناسد. احزاب و سازمانهای انقلابی و تریقخواه سرکوب
می شوند. اقلیت های ملی و مذهبی در پی حقوقی کامل بسر می برند و در معرض
سرکوب و شتیانه رژیم قرار دارند. تبعیض و ستم در حق زنان پیدا می کند.
و آشکارا حقوق، حرمت و شرف آنها لگد مال می شود. نه آزادی تشکیل
سازمانهای دموکراتیک و اجتماعات، نه آزادی بیان و قلم، نه آزادی نشر
مطبوعات و کتاب، نه هیچگونه آزادی جز آزادی غارت و فریب سرکوب مردم
در کشور وجود ندارد. امنیت قضایی و شغلی از شما مردم سلب شده است. حتی
مردم در زندگی فردی و خصوصی شان نیز از امنیتند. رژیم، مبارزان صلح
و آزادی، بهترین فرزندان شما را بنام "ملحد" و "منافق" راهبری
زندانی می کند، به شکنجه و صلابه می کشد و به جوخه های اعدامی سپارد.

حکومت فقا که به نام دین فرما می رانده هیچ جایی برای اعمال
اراده مردم در تعیین سرنوشت خود باقی نگذاشته است. چاره این ستمگریها،
راه پان بخشیدن به استبداد و اختناق، راه دستیابی به صلح پایدار و آزادی
نا بودی رژیم ولایت فقیه است. برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی متحد
شویم.

کارگران مبارز! رژیم خمینی با سادار منافع اقشار و طبقات غارتگر
بخصوص تجار و مملکتین است. در رژیم خمینی این گروه کوچک چپاولگر
هر روز به ثروت و مکنیت بیشتری دست می یابد در حالی که نصیب شما اخراج
و بیگاری و تمسب خانوادها بیتان گرسنگی و در بگیری است. خمینی به خواستهای
عدالتخواهانه شما کارگران با کلوله یا سداران خود با سخی گوید. ویرانی
اینکه در احقاق حقوق تان تا توان بمانید به تفرقه میان شما دامن
می زند. حربه رژیم خمینی در ساداری از منافع تاجران و مملکتین و سرما به
داران، اخراج و سرکوب کارگران و جلوگیری از ایجاد تشکلهای مستقل
کارگری است.

کارگران مبارز! درفش مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه برای صلح
و آزادی را در دستهای پرتوان خود برافراشته تر سازید! برای دستیابی به
قانون کار مترقی و در راه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری علیه اخراج
کارگران مبارزه کنید! هسته های مخفی کارگری را برای رهبری مبارزات
کارگران سازمان دهید و تحکیم شما کنید، به شورا های فرمایشی تن ندهید و
شما بندگان واقعی خود را انتخاب کنید! مبارزات صنفی خود را گسترش دهید و
آنها را مبارزه در راه صلح و آزادی پیوند دهید! متحد با دهقانان و پیشاپیش
همه زحمتکشان دیگر برای سرنوشتی رژیم کارگر سرتیولایت فقیه بیا خیزید!
تجربه انقلاب بهمین امی آموزد که طبقه کارگر ایران به شرطی در مبارزه در
راه سرنوشتی جمهوری اسلامی به اهداف خود دست نخواهد یافت که تحت رهبری
سازمان سیاسی خود برزید. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، سازمان
سیاسی طبقه کارگر ایران است. برای پیروزی خلق، برای آنکه میوه
مبارزات شما را دیگران نچینند به سازمان خود بپیوندید.

دهقانان مبارز! رژیم ولایت فقیه مدافع خونین، فوئدالها و بزرگ
مالکان است. در رژیم خمینی نیز نصیب شما دهقانان زحمتکش جز ما جرت
غربت و آوارگی، فقر و فلاکت نیست. به وعده های رژیم خمینی با ورن کنید!
به جنبه ها نروید! علیه با زگشت خونین و بزرگ مالکان مبارزات خود را
گسترش دهید! با حاکم ستمگرا ندانگه های خمینی تن ندهید! متشکله
شوید و با کارگران متحد شوید! بدانید که سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت) با عزم استوار در راه تحقق خواستها و آرزوهای عدالتخواهانه
شما مبارزه می کند.

ملیت های ساکن کشور! از جناحیات بزرگ خمینی تشدید نفارت و نفارت
ملی در درون کشور و استقرار رژیم محکی بر زورگویی و تبعیض مذهبی است.

خلق مبارز کرد! رژیم قادر نیست مبارزه بر حق شما را در هم بشکند.
سازمان ماکه معتقد به حق تعیین سرنوشت برای همه خلق های ایران
است، از مبارزات شما در راه کسب خود مختاری با تمام نیرو دفاع می کند و
خواستار رفع ستم ملی و برابر حقوقی همه ملیت های ساکن کشوری باشد.
فداییان خلق با تبعیض و برتری طلبی مذهبی خمینی مبارزه می کنند!
مردم در محققات خود را دبا بیا شنید! معتقد به مذهبی در شما را مورخوصی
افراد جامعه است. به دخالت دین در حکومت و به حاکمیت فقا بیا پداییان

پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان

به اعضاء و هواداران

رفقا! فداییان خلق!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، به همه کارگران و عساکر و هواداران رزمنده و جان نواز که در شرایط پیگردا شدگی، تروور و سرکوب خونین، برای بهروزی خلق و تحقق آماجهای رهایی بخش طبقه کارگر ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم قهرمانانه مبارزه می کنند، رزمجویانه ترین درودها را نثار می کند.

برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع دستاورد مشربخشا مینارزات شعا و پاسخ دشمن شکن کارگران و زحمتکشان میهن ما به تنهکاربهای رژیم استبداد دمدینی خمینی است. پلنوم با پایبندی به ما رکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، با نقدشجاعانه خط مشی گذشته و درس آموزی از تجربه های دور و نزدیک که دست در دست یکدیگر از سر گذرانده ایم و با وفاداری به سنسن رزمجویانه فداییان خلق، شما را به تسخیر آینده فرامی خواند. باید آگاه و استوار در راه سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی به پیش تازیم و خلق را زیر درفش رهایی بخش طبقه کارگر ایران بر اه پیروزی رهنمون ورهبر شویم.

رفقا!

مادر شرایط بخرنج و حواس بین المللی مبارزه می کنیم. هدف سیاستهای جنگ طلبانه رتجا و زکارانه امپریالیسم جهانی تشدید و خامت اوضاع جهانی است. امپریالیسم آمریکا برای مقابله با کشورهای سوسیالیستی، اعتلای جنبش کارگری و کمونیستی و جنبش دموکراتیک توده ای در کشورها، استقلال و پیشرفته سرمایه داری، شکوفایی مبارزه خلقها در راه استقلال و آزادی ترقی اجتماعی به سیاست شنج فزایی و سابقه تسلطی از من می زند و کانونهای تازه ای از جنگ و تاجا و در چا رگوشه عالم شعله ورمی سازد. در چنین شرایطی نقش جامعه کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی بمسأله دواستوار صلح جهانی و سعادت بشریت و استقلال و آزادی خلقها هر روز اهمیت و اعتبار افزونتری کسب می کند. دفاع از صلح جهانی و پاسداری و همبستگی انترناسیونالیستی بشریت ترقیخواه در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم وظیفه خطیر ما کمونیستهاست. پلنوم وسیع شما را به انجام هر چه پیگیرترین وظیفه میهنی و جهانی فرامی خواند.

رفقا!

در میهن ما حاکمیت سیاه و نیکیت با رژیم ولایت فقیه کشور را در جبران اجتماع و اقتصاد عمیقی فرور برده است. اکنون اکثریت مردم ما سیر جنگ و آوارگی، تروور و استبداد دمدینی، تبعیض و بی عدالتی، گرانی و نیکاری و فقر و فلاکت اند. مردم در رژیم خمینی آینده ای برای خسود و فرزندان نشان نمی بینند، آتش خشم و اعتراض آنان اینجا و آنجا زبانه سینه می کشد و گرامی آن در هر جا احساس می شود، اما جنبش هنوز پراکنده، کم دامن و سازمان نیافته است. نیروهای انقلابی در پراکنده گی بسرمی برند و هنوز قادر به ایفای نقشانیسته خود نیستند. توده های مردم رهبران خود را می جویند و ما باید رسالت تاریخی خود را در نیکار سرنوشت سازی که در پیش است بطور همه جانبه درک و بدان عمل کنیم. امروز در محیط جنگ و تروور و استبداد دمدینی و انحطاط و فقر و فلاکت آفریده رژیم خمینی، جویندگی اعتراضی مردم جاری است. رسالت ما این است که نیروی خلق را متحد کنیم، این جویندگی را به یکدیگر پیوند دهیم و از آن شط خروشان خلق را پدید آوریم.

انفای بی امان ستغریهای رژیم، شرکت فعال در جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران، دهقانان، زنان و جوانان، کارمندان و روشنفکران و دیگر اقشار خلق، دفاع استوار از حقوق اقلیت های ملی و مذهبی کشور، بخشیدنی از مبارزات سازمانها و احزاب مترقی که در راه صلح و آزادی و سرنوینی رژیم ولایت فقیه مبارزه می کنند، اتحاد عمل گسترده با نیروهای فدا میربا لیستی و دموکراتیک کشور در راه دستیابی به آماج های ملیسی و دموکراتیک از وظایف میرم کنونی ما است.

پلنوم وسیع کمیته مرکزی ضرورت گسترش مبارزه در راه دستیابی به صلح و آزادی را مورد توجه قرار می دهد و با تاکید تازه بر وظایف سازمان در راه اتحاد همه نیروهای دموکراتیک و فدا میربا لیستی به جهت متحد خلق برای سرنوینی جمهوری اسلامی تکیه می کند. پلنوم وسیع برای وحدت پیروان سوسیالیسم علمی اهمیت اساسی قایل شد زیرا پیروزی واقعی خلق قایل از همه پیگیری در مبارزه در راه همه پیروان سوسیالیسم علمی را طلب می کند.

قطعنامه میرم پلنوم، مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران با هدف ارتقا آن به سطح وحدتی همه جانبه و تلاش پیگیر در راه گسترش همکاری و اتحاد عمل میان این دو گروه را پیشا هنگ طبقه کارگر ایران را مورد تاکید قرار داد. در قطعنامه میرم پلنوم، مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی سازمان با سایر سازمانهای ما رکسیست - لنینیست ایران بر اساس ما رکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و تلاش پیگیر در راه تأمین اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات با آنها نیاز میرم جنبش کارگری و کمونیستی ایران شناخته شد.

رفقای عزیز!

با وره توانایی و رسالت طبقه کارگر ایران در کسب قدرت سیاسی و استقرا ر سوسیالیسم در میهن ما و مبارزه پیگیر در راه تأمین رهبری این طبقه تا به آخر انقلاب ایران، اندیشه راهما در نیکار امروز و فردای ما است. پایبندی بی خدشه به این اندیشه سرگی ایجاب می کند که به میان کارگران برویم، زیرا ما دام که اندامهای تشکیلاتی سازمان مادرها کارخانه و کارگاه گسترده نشود، ما دام که کارگران حول متناقضی و آتی نشان متحد شوند، ما دام که طبقه کارگر ایران تحت رهبری گردانهای پیشا هنگ خود در محنه پیکارهای کوچک و بزرگ دنیا فرشته است. تا من رهبری طبقه کارگر در انقلاب هدی دست نیا فتنی باقی خواهد ماند. پس رفقا! در حالی که ما کمونیستها بیامینه پیگیرترین و رزمنده ترین نیروی سیاسی کشور برای تأمین صلح و آزادی و برای سرنوینی جمهوری اسلامی

در مبارزات سیاسی عمومی فعالانه شرکت می کنیم، با تمام نیرو و سربازی تسخیر کارخانه ها و کارگاهها - درو هله نخست واحدهای بزرگ صنعتی کشور - به پیش تازیم. رفقا! جامعه سوسیالیستی - این جامعه عاری از استثماریسم - را به کارگران میهن ما بشناسید. آگاه می نسبت به سوسیالیسم را در میهن کارگران اشاعه دهید.

رفقا!

کار تبلیغی، ترویجی و سازمان نگرانه در میان کارگران و زحمتکشان با پایه و اساس مبارزه ما را در مرحله کنونی تشکیل می دهد. توجه به این وظیفه محوری شما باید ما را از انجام دیگر وظایف با زندارد. تبلیغ هر چه گسترده تر شرا رها و پیش وسیع مطبوعات سازمان از وظایف انقلابی میرم ما است که باید خلافتان در انجام آن بکوشیم. زنان در کشور ما در بی حقوقی کامل بسرمی برند. رژیم ولایت فقیه می گویند با محروم کردن زنان از فعالیت تولیدی و اجتماعی، آنها را در پستی خانه ها و آشپزخانه ها محبوس سازد. رژیم خمینی با کنترل مقام انسانیت زن تا سطح ماشین زانو و لوله و وسیله عیش و عشرت مردان، شرف و حرمت زنان میهن ما را رسماً و آشکارا لگدکوب کرده است. تحمیلات ارتجاعی رژیم امنیت و شبات زندگی خانوادگی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. در شرایط کشور ما مبارزه زنان در راه احقاق حقوق فردی و اجتماعی خود از اهمیت عمیقاً سیاسی برخوردار است.

باید که رفقا فعالیت سیاسی و سازمان نگرانه را در میان زنان و سعادت بخشیم. گسترش پایگاه توده ای سازمان بدون آگاه کردن زنان زحمتکش و دموکرات از اهداف و سیاست های ما ناممکن است.

جوانان میهن ما در وضعیت اسفباری بسرمی برند. رژیم ولایت فقیه می گویند تا سرنوینی، تحریک و شور و شوق جوانان را در خدمت ویرانگری، جنگ، خرافه - پرستی و اهداف بنفایت ارتجاعی خود در آورده. اکنون جنبه های جنگ قریب آنگاه بزرگ جوانان تبدیل شده و اعضا در راه دوا نخطاط اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی زندگی جوانان را تهدید می کند.

نیروی پرتحرک، سرزنده، رزمجو و شاداب جوانان با بدر خدمت اهداف انقلابی درآید. همه رفقا می بایست به اهمیت کار در میان جوانان توجه نمایند و خلافتان تلاش کنند که نیروی بی با لنده و آینه شده سازمان را در خدمت اهداف رهایی بخش طبقه کارگر ایران در آورند.

برای جلب زنان و جوانان زحمتکش به صفوف سازمان، کار در محصولات زحمتکش نشین با دموور توجه ویژه قرار گیرد. تقویت و تحکیم سازمان جوانان پیشگام ایران و سازمان تدهی جوانان هوادار سازمان در آن وظیفه ای است فوق العاده مهم و سرنوشت ساز که انجام آن به تلاش پیگیر همه ما بستگی می یابد.

رژیم دژخیم خمینی بهترین رفقای ما و شایسته ترین فرزندان خلف خلق را به زندان و شکنجه می کشد. حمایت از زندانیان سیاسی و خانوادگی آنها، که شعله های پرفروغ رزم و ایستادگی خلقند، از اولاترین وظایف انقلابی و انسانی ما است. بهر شکل و بهر میزان که می توانید در این راه بکوشید، بیونخوا رتباط خود را با خانواده های شهدای سازمان و دیگر انقلابیون خلق مستحکم کنید.

رفقا!

تلفیق خلافتان کارمخفی با فعالیت علنی، برای تحکیم بیوندم سازمان با توده های مردم دارای اهمیت کلیدی است. حفظ تشکیلات در برابر بیور شهی دشمن مقدم ترین، میرم ترین و مهمترین وظیفه روزه ما است. قدرت و نفوذ ما ناشی از حفظ و گسترش تشکیلات ما است. در این راه تجارتی بسرمی خورین فداییان خلق در دوران سطره ساواک شاهنشاهی پشتوانه ای بسرای پیکار امروز ما است. باید تجارتی را با کار گرفت. و از آن مهمترین باید تجارتی گذشته را با آموزشها و تجربه های تازه غنی تر کرد.

پلنوم وسیع از همه اعضاء و هواداران می طلبد که با رعایت دقیق و کامل فن مبارزه با پلیس سیاسی و رعایت اصول کارمخفی و علنی با نقشه های شوم ساواک خمینی که متوجه وارد آوردن ضربات سخت به سازمان ما است به مقابله برخیزند. در شرایط کنونی شناخت دقیق و خشنی کردن به موقع پیگردها، تعقیب و مراقبت ها، نقش قطعی در جلوگیری و بی اثر کردن بیور رژیم ایفا می نماید.

نفوذ عوامل دشمن به تشکیلات سازمان از اتکاتیک های عمده ساواک خمینی برای درهم شکستن ما است. با افزایش هوشیاری انقلابی، دسایس رژیم را خنثی کنید!

رفقا! برای مقابله موثر با نقشه های دشمن ضروری است از هر خنشه ای در صفوف و ارگانهای سرکوب رژیم سودجوییم و با هوشیاری آینه نگری کامل رخنه های عمیق و عمیق تری در پیگیر و به زوال آن ایجاد نماییم.

رفقا!

شرکت گروه بزرگی از کار در های مسئول در پلنوم وسیع فروردین ۱۳۶۵ و تصویب قرار برگزاری نخستین کنگره سازمان در این پلنوم، دستاورد درخشان ما در راه تأمین سازمانی میرم - دموکراتیک و استقرار موازین لنینی در حیات درونی سازمان می باشد. پلنوم وسیع شما را به شرکت هر چه فعالتر در تعیین سرنوشت سازمان خود و قبول مسئولیت و انضباط هر چه آگاهانه تر در قبال آن فرامی خواند.

رفقا! نیروی مادر آگاهی ما است. پلنوم وسیع شما را به تجهیز بیش از پیش به ما رکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری فرامی خواند. رفقا! نیروی ما در پیوند با توده های دهها میلیونی زحمتکشان میهن ما است. پلنوم وسیع شما را به جستجوی خلافتان کار توده ای، تلفیق ما هرانسه کارمخفی و علنی، راههای سازمان نگرانی و ارتقا آگاهی و سطح تشکل کارگران دهقانان و همه زحمتکشان کشور و تحکیم بیوندم سازمان با آنان فرامی خواند. رفقا! نیروی ما در وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی ما است. پلنوم وسیع شما را فرامی خواند که پیش از هر زمان می بگردد کمیته مرکزی حلقه زنده و از انسجام و یکپارچگی و یکپارگی ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی سازمان رزمنده مان چون مردمک چشم پاسداری کنیم.

ما به پیروزی خود ایمان داریم. ... ما پیروزی شویم!